

سرنخ ماجرای مشکوک ریزش شدید بورس

چه کسانی از نرخ گذاری جدید خوراک پتروشیمی ها خبر داشتند؟



روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۵۰۰ تومان

فصل جدید رادیومضمون:
روایت سال های جنگ

شماره مسلسل ۴۶۲۸
شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۲
۱۲۷ دبیجه ۱۴۴۴
اول جولای ۲۰۲۳
شماره ۳۹۰۰

www.firdowsi.com | 3900 | 16 Pages

راه نظارت عقلانی از گفت و گو می گذرد

گزارشی از جلسه هنرمندان، مدیران سینمایی
و شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره ماجرای ساترا



فرانسه چند ماه پس از حمایتش از آشوب ایران، گرفتار شدیدترین
شورش ۲۰ سال اخیر شده، حجم خشونت ها بالاست

کارمای آتش

نگاهی به پروژه های افتتاح شده در کرمان

پروژه احیای بم یک گام به جلو

۱۶

پلیس آلبانی در کمتر از ۱۰ روز برای دومین بار وارد اردوگاه منافقین شد

ناگفته های عملیات تیرانا

۱۷

«فرهیختگان» از روز و حال برترین نرم افزارهای یادگیری از راه دور دنیا گزارش می دهد

درآمد ۸۵۰ میلیون دلاری ۵ پلتفرم آموزش آنلاین

۱۸

بیانیه

مجمع جهانی بیداری اسلامی با صدور بیانیه ای اقدام پلیس سوئد
در آزادی اهانت به قرآن کریم را محکوم کرد

اقدام دولت سوئد خلاف حقوق انسان هاست

در ادامه سلسله اقدامات عامدانه اهانت به مقدسات مسلمانان در سوئد به بهانه آزادی بیان، متأسفانه پلیس این کشور اعلام کرد مجوز اعتراضی را صادر کرده که سازمان دهند آن قصد دارد روز چهارشنبه (۲۸ ژوئن) در آغاز تعطیلات سه روزه عید قربان مسلمانان، خارج از مسجد اصلی استکهلم به قرآن کریم اهانت کند و آن را بسوزاند که نقض صریح آزادی و اعتبار معتقدان به آن در این کشور است.

دولت سوئد که از مدعیان حقوق بشر در غرب است درحالی به بهانه آزادی مبادرت به صدور چنین مجوز ضد دینی و ضد اسلامی می کند که احترام به عقاید، مقدسات و ارزش های جوامع انسانی یکی از ابتدایی ترین حقوق آنان است. این اقدام خلاف عقلانیت و حقوق الهی انسان ها باعث جریحه دار شدن عواطف و احساسات دینی صدها میلیون مسلمان در سرتاسر جهان شده است، هرچند که بی تردید آمران، عاملان و دست اندرکاران چنین اقدامات زشتی، به زودی دچار عقوبت سختی خواهند شد که از آن گریزی نیست.

مجمع جهانی بیداری اسلامی ضمن محکومیت شدید اهانت به قرآن کریم در کشور سوئد از تمام مسلمانان جهان به ویژه دولت ها و ملت های مسلمان و آزادیخواه جهان، جوامع، گروه ها، نخبگان و شخصیت های تاثیرگذار مسلمان و غیرمسلمان در تمامی دنیا خصوصاً در کشورهای غربی می خواهد که در مقابل این اقدام نکوهیده دولت سوئد عکس العمل نشان دهند تا از تکرار چنین اعمال ضد دینی جلوگیری شود. در پایان به دولت سوئد هشدار داده می شود تا از ارتکاب چنین جنایات و اقدامات وقیحانه که می تواند ارکان امنیت و منافع ملی این کشور را به خطر اندازد، خودداری و جلوگیری به عمل آورد.

مجمع جهانی بیداری اسلامی با صدور بیانیه ای ضمن محکومیت این اقدام، از تمام مسلمانان جهان به ویژه دولت ها و ملت های مسلمان و آزادیخواه جهان، جوامع، گروه ها، نخبگان و شخصیت های تاثیرگذار مسلمان و غیرمسلمان در تمامی دنیا خصوصاً در کشورهای غربی خواست در مقابل این اقدام نکوهیده دولت سوئد عکس العمل نشان دهند.

متن بیانیه به این شرح است:
بسم الله الرحمن الرحيم
«وَأَلْقَدِ الشُّعْرَى بِرَسُولٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَاقْبَلْهُ لِيَذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ» (سوره رعد آیه ۳۲)
و مردم به رسولان پیش از تو هم استهزاء بسیار کردند من هم به کافران فرصت دادم آنگاه ایشان را به عقوبت گرفتم و با چه عذاب سخت به مجازات رسانیدم.
توهین به مقدسات دینی و اعمال رفتارها و مقررات اهانت آمیز، در تمام ادیان الهی امری مذموم بوده و غیرقابل تحمل است. ارزش های دینی که برخاسته از فطرت الهی و نجات بخش بشریت است، همیشه باید مصون از تعرض، اهانت و دست اندازی باقی بماند.

متأسفانه با وجود تاکیدات مکرری که در ادیان، مذاهب و مکاتب مختلف وجود دارد و کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی از جمله کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد مجمع عمومی و برخی قطعنامه های سازمان ملل نیز هرگونه تحقیر تبعیض و توهین مذهبی و هر رفتار غیرقانونی علیه اشخاص و گروه ها به واسطه مذهب را ممنوع اعلام کرده است، اما همچنان شاهد رفتارهای خلاف آموزه های دینی و مذهبی و منافقانه بشری و انسانی، علیه دین بزرگ اسلام و مقدسات بیش از یک میلیارد مسلمان در برخی کشورهای غربی هستیم.

خیز نرم سازمان شانگهای برای کاربرد ارزهای ملی

امینتی، بشردوستانه و فرهنگی فراهم می کند. این سازمان پیوسته در حال تبدیل شدن به یک ساختار کاملاً مستقل و خودکفایت که به عنوان یکی از «مرکز قدرت» ظهور کرده و فعالانه در ایجاد جهانی چندقطبی مشارکت می کند. در این راستا منافع نه تنها چند کشور توسعه یافته منتخب، بلکه کل کشورهای جهان در حال توسعه را تأمین می کند. با این حال وجود یک «مرکز قدرت» مستقل در زمان کنونی، ایجاد ترتیبات مالی جدیدی را ضروری می کند که به جای دلار یا یورو باید توسط واحدهای پولی کشورهای شرکت کننده حمایت شوند. مکانیسم های مالی غرب، امروزه به شدت تحت تأثیر رویکردهای سیاسی هستند. دلار و یورو ارزهای سرمایه گذاری هستند که وظایف خود را بر اساس قوانین دیکته شده توسط ایالات متحده انجام می دهند و در این راستا چین، هند، روسیه و سایر اعضای سازمان همکاری شانگهای را شریکی برابر نمی دانند. در واقع دلار و یورو از ابزار مفید روابط مالی و اقتصادی بین المللی به اهرم باج گیری و فشار سیاسی که مانع توسعه جهان می شود، تبدیل شده است. در این راستا اولویت سازمان شانگهای ایجاد قوانین خود در حوزه مالی است که به آن اجازه می دهد از ارزهای خود در بازار جهانی استفاده کند. این سازمان در حال تهیه نقشه راه برای انتقال به ارزهای ملی است. این روند ساده نیست، زیرا دلار هنوز تأثیر عمیقی بر تجارت جهانی از جمله در سیستم های پول ملی دارد. از همین روی برای رها کردن کامل آن باید راه زیادی طی شود. به باور کارشناسان کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای صرفاً با ایجاد تسویه حساب های متقابل منحصر به ارزهای سازمان، روابط مالی جدیدی ایجاد خواهند کرد تا به استقلال کامل دست یابند و خود را از رویکردهای آغشته به امیال سیاسی محافظت کنند. روند دلارزدایی در حال شتاب گرفتن است. در ماه مارس، بانک صادرات و واردات چین اولین قرارداد همکاری خود را با بانک ملی عربستان سعودی امضا کرد. علاوه بر این در ماه مارس، امارات و چین اولین معامله را برای استفاده از یوان جهت تأمین گاز طبیعی مایع انجام دادند. بانک مرکزی عراق در ماه فوریه مجوز خود را برای پرداخت مستقیم برای واردات از چین به یوان در آینده نزدیک اعلام کرد. روسیه قبلاً مبادلاتی با ارزهای محلی با چین و هند انجام داده است. رئیس جمهور برزیل، لوتیز ایناسیو لولا داسیلوا، از کشورهای در حال توسعه خواست تا استفاده از دلار را برای تجارت و ذخایر بین المللی شان با ارزهای ملی خود جایگزین کنند. فریوآسی سیستم پولی برتون ووودز، انحلال صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، و کنار گذاشتن کلی یورو دلار به عنوان ارزهای ذخیره جهانی قریب الوقوع است. جهان غرب دوست ندارد نظم نوین جهانی براساس مشارکت و احترام متقابل شکل بگیرد.

در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶ شورای تجاری خود را با هدف گسترش همکاری های اقتصادی بین کشورهای عضو، ایجاد روابط مستقیم بین جوامع مالی و تسهیل ترویج عملی پروژه های اقتصادی چندجانبه تاسیس کرد. علاوه بر انرژی، حمل و نقل، مخابرات، وام دهی و بخش بانکی، شورا بر اولویت های همکاری میان کشورهای سازمان همکاری شانگهای مانند آموزش، پژوهش و فناوری نوآورانه و همچنین مراقبت های بهداشتی و کشاورزی تمرکز دارد. در همان سال این سازمان همچنین با هدف ارائه خدمات مالی و بانکی برای پروژه های سرمایه گذاری تحت حمایت شورای سران دولت ها، انجمن بین بانکی سازمان همکاری شانگهای (SCO IBC) را تاسیس کرد. زمینه های اولویت همکاری در سازمان همکاری شانگهای عبارتند از تأمین مالی برای پروژه های متمرکز بر زیرساخت ها، صنایع پایه، صنایع با فناوری پیشرفته، بخش های صادرات محور و پروژه های اجتماعی، صدور و اعطای وام براساس رویه های بانکی بین المللی پذیرفته شده عمومی و تحریک همکاری های تجاری و اقتصادی در میان کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای و سایر زمینه های مورد علاقه مشترک. با وجود این بازارهای بسیاری از کشورهای سازمان همکاری شانگهای هنوز به طور کامل مورد بهره برداری قرار نگرفته اند و اتحادیه دارای منابع طبیعی و انسانی عظیمی است. هند و چین از جمله اقتصادهای در حال رشد سریع در جهان هستند و با همکاری اقتصادی بیشتر، سایر کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای نیز ممکن است از رشد آنها بهره ببرند. معمولاً این سازمان را ناتو مقایسه می کنند، اما با وجود اندازه و نفوذ اقتصادی عظیم سازمان همکاری شانگهای، نمی تواند با ناتو در عرصه سیاسی جهانی رقابت کند. این ریالی به توان نظامی و اقتصادی هر دو بلوک ندارد، بلکه به اهداف این دو سازمان مربوط است. ناتو به گونه ای ساخته شده که اتحاد علیه یک دشمن مشترک باشد. از سوی دیگر سازمان همکاری شانگهای در زمان صلح تاسیس شد و منافعی فراتر از همکاری نظامی از جمله فعالیت های مختلف اقتصادی و فرهنگی آن در منطقه دارد.

آغاز دلارزدایی

نشست آتی شورای رهبران سازمان همکاری شانگهای در ماه جولای شامل بحث در مورد افزایش استفاده از ارزهای ملی در تجارت بین کشورهای عضو خواهد بود. البته قبلاً به این موضوع پرداخته و طرحی در اجلاس سران سازمان در سمرقند در سپتامبر ۲۰۲۲ ایجاد شد. سازمان همکاری شانگهای در حال حاضر یکی از گسترده ترین انجمن های منطقه ای در سراسر جهان است که پتانسیل بی نظیری برای همکاری بین شرکت کنندگان در زمینه های سیاسی، اقتصادی،

سازمان همکاری شانگهای (SCO) یک سازمان بین المللی اوراسیاست که در

قالب اتحاد سیاسی، اقتصادی و نظامی در شهر شانگهای چین در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ توسط ۶ کشور جمهوری خلق چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان تاسیس شد. این کشورها به استثنای ازبکستان-اعضای «پنج شانگهای» بودند که در ۲۶ آوریل ۱۹۹۶ در شانگهای راه اندازی شد. هند و پاکستان در ۹ ژوئن ۲۰۱۷ در نشست آستانه به عنوان اعضای کامل به این سازمان پیوستند، همچنین ایران در اجلاس سران در دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱، پس از موافقت اعضا با تغییر وضعیت خود در سازمان از عضو ناظر به عضو کامل تبدیل شد. کشورهای ناظر این سازمان شامل افغانستان، بلاروس و مغولستان و «شرکای گفت و گو» ارمنستان، آذربایجان، کامبوج، نپال، سریلانکا و ترکیه اند که همگی نامزدهای عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای هستند. اعضای سازمان همکاری شانگهای نزدیک به نیمی از جمعیت جهان و نزدیک به سه پنجم خشکی های اوراسیا را تشکیل می دهند که آن را به بزرگترین اتحاد سیاسی منطقه ای جهان تبدیل می کند. سازمان شانگهای اغلب در غرب «اتحاد شرق» نامیده می شود. اهداف این سازمان حول محور تقویت سیاست های اعتماد متقابل و حسن همجواری میان کشورهای عضو، مبارزه با تروریسم و تقویت امنیت، مبارزه با جرمات و قاچاق مواد مخدر، و مقابله با جنبش های جدایی طلب و افراط گرایی مذهبی یا قومی است. همچنین در زمینه های سیاسی، تجاری، اقتصادی، علمی، فنی و فرهنگی و همچنین حمل و نقل، آموزش، انرژی، گردشگری و حفاظت از محیط زیست و تأمین صلح، امنیت و ثبات در منطقه همکاری می کند. از بدو تاسیس، همکاری امنیتی یکی از وظایف اصلی این سازمان بوده و همچنان به عنوان اولویت اصلی و هدف اصلی در آینده یاد خواهد ماند. در این حال بسیاری از تحلیلگران معتقدند سازمان شانگهای یک اتحاد نظامی جدید در شرق برای مقابله با ناتو است.

وزن اقتصادی

وزن اقتصاد کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۲۰ به حدود ۱۹،۵۸ تریلیون دلار بالغ شد که براساس گزارش بانک جهانی، حدود ۲۳ درصد از کل اقتصاد جهانی یا نزدیک به یک چهارم اقتصاد جهان را تشکیل می داد. از زمان تاسیس این سازمان در حدود ۲۰ سال پیش، چین هدف بلندمدتی برای ایجاد یک منطقه تجارت آزاد در میان کشورهای سازمان همکاری شانگهای را پیشنهاد کرده است. این سازمان

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر سیدعلیرضا ناجی

درگذشت مادر گرامی تان را تسلیت گفته، از خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت و مغفرت الهی و برای شما و بازماندگان صبر و اجر مسالت داریم.

روزنامه فرهیختگان

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای سیدعباس صالحی
مدیر مسئول محترم روزنامه اطلاعات

مصیبت وارده را تسلیت گفته از خداوند برای آن مرحومه غفران و رحمت الهی و برای شما و بازماندگان صبر مسالت داریم.

روزنامه فرهیختگان

رادیومضمون

کاری از گروه پادکست های همیشه در میان و روزنامه فرهیختگان

@radiomazmoon

فرانسه چند ماه پس از حمایتش از آشوب ایران، گرفتار شدیدترین شورش ۲۰ سال اخیر شده، حجم خشونت‌ها بالاست

کارهای آتش



علی مزرویعی

خبرنگار گروه سیاست

«صحنه‌هایی ناامیدکننده از تهران در حالی که مردم ایران علیه دولت خود در حال تظاهرات هستند... نه بیخشید، اینجا درواقع پاریس در قلب اتحادیه اروپا است!» این جمله را مایکل والاس عضو ایرلندی پارلمان در توصیف اتفاقاتی گفت که در ۴ شب گذشته در پاریس و چند شهر دیگر فرانسه درحال رخ دادن است. این جملات زمانی بهتر معنا پیدا می‌کند که تلاش دولت فرانسه در به آشوب کشیدن خیابان‌های تهران را به‌خاطر بباوریم. تلاشی که اقدامات سرویس‌های جاسوسی فراتر رفته و حتی تا گشودن درهای کاخ الیزه روی چهره‌های اپوزیسیون پیش رفت. امانوئل مکررون که با گرفتن عکس یادگاری در کنار مسیح علی‌نژاد امید داشت سناریوی کشته‌سازی در به آشوب کشیدن خیابان‌های تهران کارگر افتد شاید به‌سختی می‌توانست تصور کند که تنها چند ماه زمان کافی است تا در جایی بیفتد که خودش خجاری را برعهده گرفته بود. سه‌شنبه‌شب هفته گذشته پلیس فرانسه روی ناهل امل، نوجوان الجزایری تبار اسلحه‌گشود تا همزمان با شکافتن سینه او شکافی عمیق در میان مردم و دولت فرانسه به‌وجود آورده و خیابان‌های این کشور را درگیر خشن‌ترین شورش ۲۰ سال اخیر این کشور کرده است. خشونت‌ی که آمار دستگیری‌های ناشی از آن در پنجشنبه‌شب گذشته به حدود ۶۰۰ نفر رسید اما هنوز از شدت آن کاسته نشده است.

ماجرا از کجا شروع شد

بامداد سه‌شنبه ماموران پلیس فرانسه یک نوجوان ۱۷ ساله را که از او به «ناهل امل» نام برده شده است را حین رانندگی به قتل رساند. پس از این فاجعه دادستانی نانتز ماجرای کشته شدن ناهل را این‌گونه روایت کرد: «ناهل در یک خط اتوبوس رانندگی می‌کرد و زمانی که ماموران سعی کردند او را متوقف کنند، از چراغ قرمز عبور کرد تا فرار کند. سپس در ترافیک گیر کرد و ماموران به خودرو نزدیک شدند و نهایتاً او با گلوله‌ای که از بازوی چپ و قفسه سینه‌اش عبور کرد کشته شد. رسانه‌های خبری فرانسه نیز بلافاصله در گزارش‌های اولیه خود به نقل از منابع ناشناس پلیس، علت شلیک پلیس به ناهل را این‌گونه توضیح دادند که این نوجوان با خودرو به دو افسر پلیس حاضر در صحنه برخورد کرده است. ویدئویی که مدت کوتاهی بعد از این خبررسانی‌ها منتشر شد روایت پلیس و خبرگزاری‌های فرانسه را کاملاً زیر سؤال برد. در این ویدئو کاملاً واضح است که نوجوان فرانسوی بدون هیچ‌گونه برخوردی درحال حرکت و فاصله گرفتن از مامورانی است که او را احاطه کرده‌اند، اما به یکباره یکی از ماموران از فاصله‌ای نزدیک به ناهل شلیک می‌کند. این ویدئو باعث می‌شود تا موجی از اعتراضات شبکه‌های اجتماعی و به تبع آن خیابان‌های فرانسه را فرا بگیرد. تبدیل شدن این اعتراضات به خشونت خسارات شدیدی را به اموال عمومی و فروشگاه‌ها وارد کرده و باعث شده تا پلیس اقدام به دستگیری صدها نفر از معترضان کند. به گفته وکیل مامور پلیسی که هم‌اکنون در بازداشت به‌سر می‌برد، وی پس از مشاهده ویدئویی از صحنه تیراندازی که برای نخستین‌بار طی زمان بازداشتی به وی نشان داده شد با حالتی شوک زده اولین و آخرین کلامی که به زبان آورد چیزی جز عذرخواهی از خانواده قربانی نبود. وکیل مامور پلیس متهم به قتل عمد ناهل، نوجوان ۱۷ ساله گفته مکلش به کلی از درون ویران شده و قصد کشتن قربانی را نداشته است. با این حال پاسکال پراچه، دادستان نانتز در یک کنفرانس خبری گفت: «مدعی‌العموم معتقد است شرایط قانونی برای استفاده از سلاح رعایت نشده است.» مکررون نیز در اظهاراتی تیراندازی رخ داده را غیرقابل بخشش توصیف کرد.

تنش حداکثری در خیابان‌های فرانسه

چندین شهر فرانسه پنجشنبه‌شب به‌رغم وضع مقررات منع رفت‌وآمد و آماده‌باش ویژه نیروهای امنیتی، صحنه ناآرامی و درگیری‌های شدید میان معترضان به کشته شدن یک نوجوان ۱۷ ساله در این کشور و ماموران پلیس بود. این خشونت‌ها که رسانه‌های داخلی فرانسه از آن به‌عنوان «شورش» یاد می‌کنند درحالی چهرامین شب خود را پشت‌سرگذاشت که تنها در حومه پاریس، نزدیک به ۲۵۰ معترض توسط نیروهای امنیتی دستگیر و بازداشت شدند. وزیر کشور فرانسه اعلام کرده است در طول ناآرامی‌های شامگاه پنجشنبه تا بامداد جمعه، ۶۶۷ معترض در شهرهای مختلف این کشور دستگیر شدند. مقامات دولتی فرانسه همچنین از زخمی شدن ۲۴۹ مامور پلیس و نیروی ژاندارمری طی اعتراض‌های چند شب گذشته خبر دادند. برخی گزارش‌ها حاکی از غارت مغازه‌ها و مراکز تجاری در ناحیه مرکزی شهر پاریس در بقبوجه اعتراضات شبانه است. به آتش کشیدن شدن چند مقر پلیس در حومه پاریس و دیگر شهرهای فرانسه نیز از جمله تحولات برجسته از نگاه رسانه‌های داخلی این کشور طی ناآرامی‌های پنجشنبه شب و بامداد جمعه بوده است. شهردار یکی از این نواحی

با انتشار تویییتی که در آن تصویر غارت فروشگاه‌های عرضه برنده‌های مهم تجاری نیز پوست شده بود معترضان را به آرامش و دست کشیدن از خشونت فراخواند. دفتر ریاست‌جمهوری فرانسه نیز اعلام کرد که اتاق بحرانی برای بررسی ناآرامی‌های اخیر به ریاست امانوئل ماکرون در الیزه برگزار می‌شود. خبرنگاری فرانسه با اعلام این مطلب یادآور شد که امانوئل ماکرون برای شرکت در این جلسه فوق‌العاده، نشست رهبران اروپایی در بروکسل را ترک و کنفرانس پیش‌بینی‌شده خود را پس از این نشست لغو کرده است. وزیر کشور فرانسه نیز در واکنش اتفاقاتی که در شهرهای این کشور درحال رخ دادن است اعلام کرد عصر پنجشنبه ۴۰ هزار افسر در سراسر فرانسه مستقر شده‌اند.

مطالبه برخورد با پلیس متخلف

در راهپیمایی که در نانتز به یاد ناهل برگزار شد

و گفت‌ووازه دیگری جز تیراندازی هم داشت و مجبور نبود پسرش را بکشد. مادر ناهل در ادامه مدعی شد که مامور متخلف پلیس وقتی با یک پسر بچه عرب‌تبار مواجه شده تصمیم به از میان برداشتن وی گرفته است. وی خواستار محاکمه مامور و به اجرا درآمدن عدالت در این پرونده شد و تاکید کرد که امیدوار است عامل قتل فرزندش شش ماه بعد از زندان مرخص نشود.

تکرار بی‌عدالتی؟

ناآرامی‌ها اخیر در فرانسه برای مردم این کشور یادآور خاطرات‌شان از اعتراضات خیابانی در سال ۲۰۰۵ است. اعتراضاتی که به مدت سه هفته به‌قدری فرانسه را دچار آشوب کرد که ژاک شیراک، رئیس‌جمهور وقت مجبور به اعلام وضعیت فوق‌العاده شد. موج خشونت در حومه پاریس در کلیشه‌سویب‌آو به دنبال مرگ دو جوان رخ داد

شرکت‌کنندگان از مصونیت پلیس و شکست در اصلاح اجرای قانون در کشوری که موجی از اعتراض به رفتار پلیس را تجربه کرده است، انتقاد کردند. هزاران نفر در خیابان‌ها جمع شدند و مادر این نوجوان سوار بر کامیون با یک تی شرت سفید که روی آن نوشته شده بود «عدالت برای ناهل» برای جمعیت دست تکان داد. مونیا ام، مادر ناهل در مصاحبه‌ای که عصر پنجشنبه از شبکه ۵ تلویزیون فرانسه پخش شد، گفت: «من پلیس را مقصر نمی‌دانم، بلکه فقط یک نفر از نظر من در این ماجرا مقصر است و آن همان فردی است که تیراندازی کرد و جان پسرم را گرفت.» مادر ناهل که پیش‌تر برای برپایی راهپیمایی اعتراض‌آمیز در روز پنجشنبه فراخوان داده بود تصریح کرد پلیس با اقدامی که صورت گرفته موافق نیست و در این میان با او همدردی کرده است. وی بار دیگر مامور پلیسی که عامل تیراندازی و جان باختن ناهل شناخته شده را مورد سرزنش قرار داد



اقدام رادیکال اسلام‌ستیزان در سوئد خشم مسلمانان را برانگیخت

آتش به آتش افروزان برمی‌گردد

قانون اساسی برتری ندارد.» «تداوم اعتراضات به این اقدام سوئد باعث شد این کشور نهایتاً نسبت به این توهین ابراز تاسف کند. روز گذشته سخنجوی وزارت خارجه عراق، ضمن انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد وزارت خارجه سوئد در پیامی نسبت به اتفاقات اخیر واکنش نشان داده و در نامه‌ای خطاب به روسای نمایندگی‌های کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، نوشته است: «دولت سوئد به‌طور کامل درک می‌کند که مسلمانان در سوئد و کشورهای دیگر از آنچه اتفاق افتاد احساس رنجش کردند.» دولت سوئد البته در این نامه هم تنها به ابراز تاسف نسبت به اتفاق رخ داده بسنده کرده و همچنان خبری از مجازات یا بازگرداندن فرد هتاک به کشور عراق نیست. تاکید‌های زیاد دولت سوئد در دفاع از آزادی بیان، ذهن‌ها را به‌سمت اتفاقی می‌برد که اخیراً در دانشگاه استکهلم سوئد اتفاق افتاد. وحید سعادت‌طلب دانشجوی دکتری دانشگاه استکهلم در جلسه دفاع از پایان‌نامه‌اش، تصویر سردار سلیمانی را نشان داد و از او شهید مطهری و آوینی تجلیل کرد. اقدامی که البته در قواعد آزادی‌بیان سوئدی‌ها تعریف نمی‌شد و با برخورد دانشگاه نسبت به این موضوع همراه بود. سوالی که در این میان می‌شود پرسید، این است که قواعد آزادی‌بیان در دولت سوئد به چه نحوی طرح‌ریزی شده‌اند که مجاز دانستن اقدام به‌سوزاندن قرآن در چهارچوب آزادی‌بیان امکان‌پذیر است اما یک دانشجوی سوئدی اجازه ندارد در پایان جلسه دفاع از اشخاص مورد احترامش تجلیل کند. برخوردهای گزرنشی دولت سوئد در دفاع از آزادی بیان این گزاره را بیش از گذشته پرزنگ می‌کند که سوئد تنها در مواردی، فریاد دفاع از آزادی بیان سر می‌دهد که مطلوب خودش باشد و درواقع شعار آزادی‌بیان را تبدیل به ابزاری کرده که تنها در مواردی از آن استفاده کند که می‌خواهد به اقدامش مشروعیت دهد. در این میان اشاره به رفتار دوگانه در مواجهه با آزادی بیان قابل توجه است که همزمان با موج اعتراضات مسلمانان به قرآن‌سوزی در اروپا رخ داده؛ از آنجا که حرف H هشتمین حرف الفبای انگلیسی است، نوشتن دو عدد ۸ کنار یک دیگر نماد دو حرف H انگلیسی است؛ که اولین حرف نماد HI و حرف دوم نماد Hitler است. با این توجه در فوتبال ایتالیا پوشیدن لباس فوتبال شماره ۸۸ ممنوع اعلام شد. ممنوعیت قائل شدن برای پوشیدن پیراهن یک شماره آن هم چون به‌تعبیر اروپایی‌ها نماد حمایت از هیتلر است، در شرایطی اتفاق می‌افتد که دبی‌رکل ناتو بعد از واکنش‌های منفی به اقدام توهین‌آمیز دولت سوئد، گفت: «متوجه احساسات و عواطف عمیقی می‌شوم که این اقدام برانگیخته است. آتش زدن قرآن توهین‌آمیز و ناشایست است اما لزوماً غیرقانونی نیست.» توجه دولت‌های غربی به موضوعات مرتبط با یهودی‌ستیزی به‌قدری جدی است که حتی برای به‌کار بردن یک عدد-که ممکن است به نماد نازیسم تعبیر شود-ممنوعیت قائل می‌شوند اما وقتی اعتراض مسلمانان نسبت به یک توهین غیرنمادین و کاملاً علنی به مقدسات‌شان برانگیخته می‌شود دولتمردان غربی باگفتن این جمله که این اقدام غیرقانونی نیست از کنار توهین به مقدسات مسلمانان عبور می‌کنند و انجام این توهین‌ها را به بهانه آزادی بیان امکان‌پذیر می‌دانند. این مواجهه دولت‌های اروپایی به‌وضوح پرده از تمایل آنها به خشونت برمی‌دارد؛ خشونتی که همواره آن را برای سایر نقاط دنیا تجویز می‌کنند اما دیر یا زود دامن خودشان را خواهد گرفت. حد اعتدالی این خشونت را می‌شود در اتفاقات چندشب گذشته خیابان‌های فرانسه مشاهده کرد.



زهرا یوسفی

خبرنگار گروه سیاست

روز چهارشنبه (۲۸ ژوئن) و همزمان با شروع تعطیلات عید قربان، یک پناهجوی عراقی، مقابل مسجد اصلی استکهلم سوئد، دست به توهین و آتش زدن قرآن کرد؛ اقدامی که البته پیش از این هم در سوئد سابقه داشته است، بهمن سال گذشته، فردی مقابل سفارت ترکیه اقدام به قرآن‌سوزی کرده بود، اهانتی که با واکنش مسلمانان جهان همراه شد و واکنش‌ها تا جایی ادامه پیدا کرد که حتی اسقف ارمنه تهران با قرآن در نشست خبری حضور پیدا کرد. نکته قابل توجه در این میان اما واکنش پلیس سوئد نسبت به این رفتار توهین‌آمیز است. پلیس سوئد مشخصاً مجوز چنین اقدامی را صادر و اعلام کرد یا برگزاری تجمع در نزدیکی مسجد مسلمانان و سوزاندن قرآن موافقت کرده و آن را مصداق حق آزادی بیان دانسته است. فرد هتاک به قرآن همزمان با آغاز روزهای تعطیل عید قربان و در میان اعتراض مسلمانان در سوئد، تحت حفاظت پلیس این کشور اقدام به قرآن‌سوزی کرد؛ اقدامی که مشخصاً با واکنش کشورهای مسلمان همراه شد. اردن، امارات، عراق و ایران سفیر سوئد را احضار کردند و مغرب هم سفیرش را از این کشور فراخواند. در اعتراض به این اقدام، مردم در کشور عراق، مقابل سفارت سوئد در منطقه سبز بغداد تجمع کردند. خشم معترضان باعث شد آنها وارد محوطه سفارت شوند و نشان ملی سوئد را از سر در این سفارت پایین بکشند. دفتر آیت‌الله سیستانی هم در واکنش به قرآن‌سوزی در سوئد، نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل ارسال کرد. در بخشی از این نامه آمده: «... مسلم است که احترام به آزادی بیان، مجوز چنین اقدام شرم‌آوری را که نشان دهنده حمله آشکار به مقدسات بیش از دو میلیارد مسلمان در جهان است و منجر به ایجاد فضایی مساعد برای گسترش افکار افراطی و اعمال نادرست می‌شود، توجیه نمی‌کند.» مقامات عراقی هم به این اقدام توهین‌آمیز واکنش نشان دادند؛ رئیس شورای عالی قضایی عراق مجوز اقدام قانونی علیه فردی را که اقدام به هتک حرمت به قرآن کریم کرده بود، صادر کرد. همچنین هادی العامری، رئیس ائتلاف فتح عراق در اعتراض به این اقدام هتاکانه گفت: «... تکرار اقدام مقامات سوئدی در اعطای مجوز به اقدامات تحریک‌آمیز و نفرت‌انگیز به رویکردی تبدیل شده که بر نقش خصمانه سوئد در هدف قرار دادن مسلمانان تاکید دارد...». یمن نیز دیگر کشور عربی بود که به این اقدام واکنش نشان داد؛ انصارالله یمن در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن این اقدام پیشنهاد کرد مسلمانان کالاهای سوئدی را تحریم کنند. اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه هم در واکنش به این اقدام گفت: «به استیکبار غربی یاد خواهیم داد که توهین به مسلمانان آزادی‌اندیشه نیست.» دامنه اعتراضات به اقدام هتاکانه دولت سوئد در مجوز دادن به تجمع قرآن‌سوزی به مسکو نیز کشیده شد و ولادیمیر پوتین این‌گونه به این اقدام واکنش نشان داد: «در روسیه، بی‌احترامی به قرآن، برخلاف برخی کشورها، جرم است.» وزارت خارجه روسیه مجوز دادن به سوزاندن قرآن در سوئد را محکوم و طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «معاذت از مجازات در چنین مواردی می‌تواند منجر به عواقب فاجعه‌بار غیرقابل پیش‌بینی شود.» دولت سوئد در توجیه حمایت از چنین اقدامی آن را در چهارچوب آزادی بیان مجاز دانست و به اعتراضات جامعه جهانی این‌گونه واکنش نشان داد: «هراس از ملاحظات امنیتی و پیامدهای احتمالی چنین اقدامی بر حق آزادی تظاهرات و تجمع تضمین شده در

که برای پنهان شدن از دید پلیس به یک پست برق پناه برده و دچار برق‌گرفتگی شده بودند. دو افسر خاطلی در این ماجرا ۱۰ سال بعد در دادگاه تبرئه شدند. این اتفاق باعث شده تا مردم بیم‌آن را داشته باشند که در ماجرای ناهل نیز مجدداً این رویه تکرار شده و مقصران حادثه تبرئه شوند. در همین راستا کریمه خاتیم، یکی از اعضای شورای محلی بلن مستیل در شمال شرق پاریس ضمن اینکه صبر مردم را پایان یافته توصیف کرد گفت: «ما قبلاً بارها این بی‌عدالتی را تجربه کرده‌ایم.»

مطابق آنچه که سخنجوی پلیس ملی فرانسه اعلام کرده است، قتل روز سه‌شنبه سومین تیراندازی مرگبار ناشی از توقف‌های ترافیکی از سال ۲۰۲۳ تاکنون بوده است. براساس آماری که رویترز منتشر کرده است اکثر قربانیان پلیس فرانسه از سال ۲۰۱۷ تاکنون را افرادی تشکیل می‌دهند که با سیاه‌پوست یا عرب‌تبار بوده‌اند. در ژانویه سال ۲۰۱۶ آداما تراتوره، یک سیاهپوست فرانسوی ۲۴ ساله، در پی اختلاف بر سر بررسی هویت توسط پلیس دستگیر شد و در خودروی پلیس هوشیاری خود را از دست داد. تراتوره نهایتاً در یک ایستگاه پلیس در همان حوالی جان باخت. وقتی امدادگران آمدند او هنوز دستبند در دست داشت. از زمان مرگ نابهنگام او، خانواده تراتوره برای عدالت مبارزه کرده‌اند. آنها طومارهایی را به راه‌انداختند،

اعتراضات را سازماندهی کردند و کالبدشکافی خصوصی را سفارش دادند تا کشف کنند که چه چیزی باعث شد یک مرد جوان کاملاً سالم چند ساعت پس از دستگیری به دلیل یک موضوع بی‌اهمیت ناگهان جان خود را از دست بدهد. آنها علی‌رغم تلاش‌هایشان، هیچ پاسخ قانع‌کننده‌ای از مسئولان دریافت نکردند. نهایتاً نیز کارشناسان پزشکی سه افسر پلیس را تبرئه کردند و گزارش پزشکی تهیه‌شده از سوی خانواده مرد جوان مبنی بر مرگ وی بر اثر خفگی را رد کردند. هیچ یک از افسران دستگیرکننده هرگز به خاطر مرگ او با هیچ اتهامی مواجه نشدند و در استخدام پلیس فرانسه باقی ماندند. برخی از اعضای تیپ آنها حتی به خاطر نقشی که در سرکوب اعتراضات پس از مرگ تراتوره داشتند، مورد تقدیر قرار گرفتند.

قتل جورج فلویید به دست پلیس مینیاپولیس و اعتراضات گسترده پس از آن، بار دیگر مرگ تراتوره را در کانون توجه مردم فرانسه قرار داد و آنها با برگزاری جمععاتی از پلیس فرانسه خواستند تا به نژادپرستی و وحشیگری در بین نیروهای خود رسیدگی کند. درمقابل مقامات فرانسوی نه‌تنها تلاش کردند تا اعتراض را به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا ممنوع کنند، بلکه با پلیس به دلیل قرار گرفتن در معرض اتهامات ابراز همدردی کردند.

نژادپرستی نهمیدانه‌شده در پلیس فرانسه

بیشترین مرگ‌ومیر در بازداشتگاه‌های پلیس فرانسه در سال‌های اخیر به دلیل خفگی مظنونان بوده است. در سال ۲۰۰۷، لامینه دینگ بر اثر خفگی در ون پلیس جان باخت. در سال ۲۰۰۸، حکیم اجیمی در پی فشاری که دو مامور پلیس به قفسه سینه او وارد کردند جان خود را از دست داد. در سال ۲۰۱۵، آدامو کومه پس از دستگیری بر اثر خفگی درگذشت. یک سال بعد، آداما تراتوره زیر وزن سه نیروی پلیس جان خود را از دست داد. اکثر مظوفیان به غیر از نحوه مرگ‌شان یک چیز مشترک داشتند؛ نامی عربی یا آفریقایی. در سال ۲۰۱۲، دیده‌بان حقوق بشر در گزارشی ۵۵ صفحه‌ای استدلال کرد که «پلیس فرانسه از اختیارات بسیار گسترده‌ای برای انجام بازرسی‌های هویتی ناموجه و توهین‌آمیز درمورد مردان و پسران جوان سیاه‌پوست و عرب استفاده می‌کند. جوانان اقلیت، از جمله کودکان ۱۳ ساله، در معرض بازرجویی‌های طولانی، ضربه‌زدن به بدن و تفتیش وسایل شخصی قرار می‌گیرند. این برخوردهای خورسرنانه می‌تواند حتی در صورت عدم وجود نشانه‌ای از تخلف انجام شود.»

در سال ۲۰۱۱ نیز دادگاه استیناف پاریس، دولت فرانسه را به دلیل اجازه دادن به نیروهای امنیتی برای بررسی هویت خودسرانه شهروندان، صرفاً براساس ویژگی‌های فیزیکی آنها، تحریم کرد. دولت برای لغو حکم از دادگاه تجدیدنظر درخواست کرد و براساس اسناد رسمی به‌دست‌آمده استدلال کرد که نیروی پلیس به‌طور قانونی تعداد نامتناهی از بررسی هویت مردان سیاه‌پوست و عرب را انجام می‌دهد، زیرا بیشتر آنها به احتمال زیاد خارجی و در نتیجه فاقد مدرک هستند. با وجود تلاش‌های دولت برای مشروعیت بخشیدن به اقدامات نژادپرستانه نیروهای امنیتی، دادگاه تجدیدنظر این محکومیت را تایید کرد و بر این واقعیت تاکید کرد که بررسی هویت مبتنی بر نژاد یک واقعیت روزمره در فرانسه است که مرتباً توسط نهادهای بین‌المللی محکوم می‌شود. نهادهای بین‌المللی دادگاه‌ها مدت‌هاست که به دولت فرانسه شواهد فراوانی از اعمال ناشایست نیروهای پلیس ارائه می‌دهند. سال‌ها خودداری دولت فرانسه از برخورد با متخلفان و اصرار بر انکار نژادپرستی نشان می‌دهد دولت فرانسه نه‌تنها از خشونت‌ی که نیروهای امنیتی فرانسه بر جوامع اقلیت تحمیل می‌کنند راضی نیست، بلکه به‌طور ضمنی از آن حمایت نیز می‌کند.

«فرهیختگان» از روز و حال برترین نرم‌افزارهای یادگیری از راه دور دنیا گزارش می دهد

درآمد ۸۵۰ میلیون دلاری ۵ پلتفرم آموزش آنلاین

فرهیختگان دانشگاه

شماره مسلسل ۴۶۲۸ | شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۲ | ۱۲ دیماه ۱۴۴۴ | اول جولای ۲۰۲۳ | شماره ۳۱۰۰

Sat | 1 Jul 2023 | vol.15 | No. 3909 | 16 Pages

www.fdn.ir

رئیس مرکز خزانه‌داری دانشگاه آزاد
در گفت‌وگو با فرهیختگان، تاکید کرد

انضباط مالی و شفافیت محور فعالیت خزانه‌داری دانشگاه

مرور مقالات آینده‌پژوهی ایران چه پیام‌هایی دارد؟

در حوزه زنان سلامت و جمعیت

کمتز آینده‌پژوهی داشتیم

مدیرکل پژوهش و تحصیلات تکمیلی
معاونت علوم انسانی و هنر خبر داد

برگزاری اولین جشنواره گرسی‌های تخصصی و ترویجی دانشگاه آزاد



«فرهیختگان» با بررسی جایگاه دانشگاه‌های کشور در ۳ نظام رتبه‌بندی معتبر دنیا گزارش می دهد

افت دانشگاه‌های دولتی بزرگ در رقابت مرجعیت علمی

یادداشت

دانشجویان بین‌المللی و مساله اجبار آموزش به زبان فارسی

وابستگی ملی و میهنی به ایران دارند. اینکه فردی به‌عنوان گردشگر، دانشجوی یا مسافر چند ماه یا چند سال را در ایران بگذراند و ملیت و تابعیت دیگری داشته باشد شامل این قانون نمی‌شود. البته در صورتی که کسی متقاضی کسب تابعیت ایرانی باشد باید زبان فارسی را بداند و به این زبان درس بخواند و مکاتبه کند. سیاست اجبار به تحصیل دانشجویان غیرایرانی به زبان فارسی توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۶ اتخاذ گردید. با توجه به این مصوبه بسیاری از دانشگاه‌هایی که دروس آنها بر پایه زبان انگلیسی بود به مشکل برخوردند و درخواست‌های متعددی برای تجدیدنظر به‌شورا ارسال شد. در سال ۱۳۸۹ به برخی دانشگاه‌ها (دانشگاه‌های تهران، علوم پزشکی تهران و صنعتی شریف) به‌صورت آزمایشی طی ۵ سال اجازه تدریس به زبان غیرفارسی در واحدهای بین‌المللی داده شد. اگرچه این مصوبه تمدید نگردید اما هنوز هم اغلب دانشگاه‌ها (به‌خصوص در رشته‌های پزشکی، فنی‌مهندسی و علوم پایه) به‌صورت غیررسمی و به‌خصوص در مقاطع تحصیلات تکمیلی کلاس‌های بین‌المللی خود را به زبان انگلیسی برگزار می‌کنند.

متولی اصلی آموزش زبان فارسی به دانشجویان بین‌المللی، مراکز آرفا (آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان) در دانشگاه‌ها است. تاکنون ارزیابی جامعی از عملکرد کیفی این مراکز و موفقیت برنامه‌های آموزشی آنها در توسعه زبان فارسی برای دانشجویان و دانش‌آموختگان بین‌المللی انجام نشده است. اما با توجه به اینکه آنها در یک محیط غیر رقابتی فعالیت می‌کنند، به آفت‌هایی مثل مدرک محوری و درآمد محوری دچار شده‌اند. سازمان‌های متولی دیگر نیز وضعیت قابل قبولی ندارند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و صداوسیما برنامه ویژه‌ای برای ترویج زبان فارسی و فرهنگ ایرانی برای دانشجویان بین‌المللی ندارند. دانشگاه‌ها و استادان به‌خصوص در مقاطع تحصیلات تکمیلی نیز در یک سردرگمی هستند. درحالی که کلاس‌های تحصیلات تکمیلی به زبان انگلیسی برگزار می‌شوند، پایان‌نامه و رساله‌ها باید به زبان فارسی نوشته شوند. اکثر این دانشجویان در نگارش پایان‌نامه و رساله خود دچار مشکل می‌شوند و به روش‌های غیرمعمول روی می‌آورند.

آمار دانشجویان بین‌المللی در ایران نشان می‌دهد که اکثریت دانشجویان بین‌المللی در رشته‌های علوم انسانی تحصیل می‌کنند. این در حالی است که دانشگاه‌های ایرانی در رشته‌های فنی و مهندسی، علوم پزشکی و علوم پایه در منطقه سرآمد بوده و در رتبه‌بندی‌های جهانی دانشگاهی دارای رتبه‌های بالا هستند. اجبار تحصیل به زبان فارسی باعث شده است که متقاضی تحصیل در این رشته‌ها در ایران نیز کاهش یابد.

چه باید کرد؟

ترویج زبان فارسی و تبدیل آن به زبان علم آرزوی هر ایرانی است. باین حال هیچ کار فرهنگی باسیاست اجبار به نتیجه مطلوب و پایدار نمی‌رسد بلکه دلیل اصلی کاهش توجه به یادگیری زبان فارسی، کم‌کاری متولیان و بی‌علاقگی دانشجویان است. در صورتی که سیاست اجبار با یک سیاست تشویقی جایگزین شود و اجازه آموزش به زبان‌های دیگر نیز داده شود، نه‌تنها زبان فارسی تضعیف نمی‌شود، بلکه به جذب بیشتر دانشجو و ایجاد محیط رقابتی و پویا کمک می‌کند. تجربه کشورهای مثل آلمان و فرانسه و دیگر کشورها نشان داده که بهترین سیاست برای ترویج زبان فارسی، رفع موانع جذب دانشجو و سپس اتخاذ سیاستی تشویقی برای هدایت دانشجویان در جهت آموزش و یادگیری زبان فارسی است.

بررسی قوانین، سیاست‌ها و نهادهای متولی

طبق ماده ۱۵ قانون اساسی زبان و خط مردم ایران زبان فارسی است و اسناد، مکاتبات، متون و کتب درسی باید با این زبان باشد. در این ماده صحبتی از اتباع غیرایرانی نیست. هدف قانون‌گذار حفظ و توسعه زبان فارسی به‌عنوان یک عنصر هویت‌بخش و وحدت‌آفرین برای افرادی است که تابعیت، تعلق و

تحصیل به زبان فارسی برای تمام دانشجویان بین‌المللی در ایران اجباری است. تحصیل دانشجویان بین‌المللی در ایران، یک سال بیشتر طول می‌کشد و سال اول صرف آموزش به زبان فارسی می‌شود و تا زمانی که دانشجو مدرک بسندگی یا نمره قبولی در آزمون سامفا (سنجش استاندارد مهارت‌های فارسی) را ارائه نکند اجازه تحصیل در رشته تخصصی خود را نخواهد داشت. این سیاست اجباری نشان‌دهنده موارد زیر است:

متولیان آموزش زبان فارسی توانایی و خلاقیت کافی جهت پاسداشت و ترویج زبان فارسی را ندارند و به اجبار قانونی روی آورده‌اند. برای دانشجویان بین‌المللی گرفتن مدرک بر یادگیری زبان فارسی ارجحیت پیدا کرده است. تخطی از این مصوبه در رشته‌هایی که محتوای غیرفارسی دارند (پزشکی، مهندسی و علوم پایه) اتفاق می‌افتد. فساد در پایان‌نامه‌نویسی و انجام تکالیف درسی برای دانشجویان بین‌المللی رواج پیدا کرده است.

سیاست اجبار به تحصیل به زبان فارسی باعث کاهش تقاضای تحصیل در ایران شده و اتباع خارجی که مایل به تحصیل به زبانی دیگر هستند را از ورود به ایران محروم کرده است. درحالی که با اتخاذ یک سیاست کارآمد، می‌توان دانشجویان را در طول تحصیل، تشویق به یادگیری زبان فارسی کرد. سیاستی که اکثر کشورهای دانشجویپذیر همچون آلمان، فرانسه، روسیه و ترکیه دنبال می‌کنند. برای مثال در کشور ترکیه به دانشجویانی که در طول تحصیل خود زبان ترکی را جایگزین زبان انگلیسی کنند، تخفیف شهریه داده می‌شود. در ایران اما به دلیل زیر از سیاست اجبار آموزش به زبان فارسی برای دانشجویان بین‌المللی دفاع می‌شود.

زبان فارسی باید به زبان علم تبدیل شود. آموزش به زبان‌های دیگر باعث تضعیف زبان فارسی می‌شود. مشتاقان به تحصیل به زبان فارسی بسیار زیاد هستند و ضرورتی برای جذب دانشجوی غیر نیست.

با زیرساخت‌های موجود (به‌خصوص کمبود استاد مسلط) توسعه رشته‌های غیرفارسی‌زبان ممکن نیست. تمامی استدلال‌های بالا نشان‌دهنده ضعف متولیان و مسئولان مربوطه است. در زمینه تبدیل زبان فارسی به زبان علم باید گفت که این موضوع ارتباطی به آموزش دانشجویان بین‌المللی ندارد بلکه به حوزه تولید علم و به‌خصوص معادل‌سازی واژگان، چاپ کتاب و مقاله مربوط می‌شود. کمبود زیرساخت‌ها نبود استاد مسلط به زبان‌های دیگر را نیز می‌توان با جذب استادان توانمند ایرانی و بین‌المللی از میان برد و بالاخره با ارائه آموزش با کیفیت و تبلیغات کافی می‌توان تعداد زیادی دانشجوی بین‌المللی جذب کرد.

چه خبر از دانشگاه

فراخوان جذب اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد تیر تمديد شد

عباس اشرفی، رئیس مرکز جذب و امور هیات‌علمی دانشگاه آزاد از تمدید مجدد مهلت ثبت‌نام فراخوان جذب اعضای هیات‌علمی نوبت اول سال ۱۴۰۲ (عادی-طرح مشمولان وظیفه) این دانشگاه تا چهارشنبه ۱۴ تیرماه خبر داد. وی با بیان اینکه تعدادی رشته جدید در گروه معارف اسلامی و همچنین در رشته‌های غیرپزشکی به فراخوان جذب اضافه شده است، گفت: «متقاضیان می‌توانند تا چهارشنبه ۱۴ تیرماه به مراجعه به سامانه جامع دانشگاه آزاد اسلامی به نشانی <http://sajed.iau.ir> نسبت به تکمیل مدارک و ثبت‌نام اقدام کنند.

مهلت ثبت‌نام طرح دستیاری آموزشی تمديد شد

ثبت‌نام دانشجویان مقطع دکتری دانشگاه آزاد در طرح دستیاری آموزشی تا ساعت ۲۴ روز شنبه دهم تیر سال جاری تمدید شد. گفتنی است متقاضیانی که هنوز پروفایل خود را تکمیل نکرده‌اند و واحدهای دانشگاهی پیشنهادی محل تدریس را انتخاب نکرده‌اند، می‌توانند با مراجعه به سایت باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان به آدرس <http://bpj.iau.ir> و با ورود به سامانه دستیاری آموزشی از قسمت ثبت اطلاعات، نقایص پرونده خود را کامل کنند و ویرایش لازم را انجام دهند.

لازم به ذکر است طرح دستیاری آموزشی مختص دانشجویان مقطع دکتری دانشگاه آزاد بوده و فارغ‌التحصیلان دکتری نمی‌توانند در این طرح ثبت‌نام کنند.

بزرگ‌ترین کارخانه‌های بیوتکنولوژی در منطقه و آرایم

مراسم اختتامیه کنفرانس ملی شیمی، نانو مواد و پلیمر (چالش‌ها و کاربردها)، با حضور جواد محمدی سرپرست دانشگاه آزاد استان تهران، ملک‌نیا مدیرکل کانون‌های دانشگاه، صنعت و جامعه، عظیم حسینی رئیس و جمعی از مسئولان و دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب در سالن آمفی‌تئاتر مرکز آموزش‌های تخصصی شرکت نفت ایران برگزار شد.

در ابتدای مراسم جواد محمدی با اشاره به حدیث امام‌علی (ع) که فرمودند «العلم السلطان» گفت: «در کشور ما با توجه به استعدادهای ارزشمندی

اسپندناشته با استفاده از نانوسیلیکا» ۳. مقاله برتر سوم: امیر بهرامی، عنوان مقاله «یافتن یک کران بالا برای اندیس سومبور در گراف مولکولی فنلین» بخش مقاله-پوستر:

۱. پوستر برتر اول: نوید ربیعی، عنوان پوستر «مدل اصلاح‌شده ایزوترم جذب دوحالته رنگزاهای دیسپرس توسط الیاف پلیمری» ۲. پوستر برتر دوم: سما صابری، عنوان پوستر «The Effect of Adding Thermoplastic» ۳. پوستر برتر سوم: راحیل شکوهمان، عنوان پوستر «تصفیه آب و پساب توسط نانوکامپوزیت‌های بر پایه آلومینوم سولفات» در پایان مراسم نیز دبیر علمی و دبیر اجرایی مراسم از کلیه روسا و معاونان سازمان مرکزی و واحد قدردانی به‌عمل آوردند و از تیم اجرایی که متشکل از ۲۱ دانشجو بودند نیز تقدیر شد.

دستورالعمل برگزاری دوره تابستان علوم پزشکی دانشگاه آزاد ابلاغ شد

محسن نفر، معاون علوم پزشکی دانشگاه آزاد دستورالعمل دوره‌تابستان سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ را برای رشته‌های گروه علوم پزشکی، دامپزشکی و روانشناسی بالینی و سلامت دانشگاه آزاد به‌روسی استان‌ها، واحدها، مراکز آموزشی و واحدهای ویژه این دانشگاه ابلاغ کرد. این دستورالعمل در راستای استفاده از توان و قابلیت‌های منابع انسانی، صرفه‌جویی در زمان و نیز استفاده از تمام ظرفیت‌ها، پتانسیل‌های موجود دانشگاه آزاد درخصوص برگزاری دوره آموزشی تابستان در مقاطع مختلف تحصیلی و در راستای اجرای بند ۲ راه‌کنش‌ها و اقدامات کلان‌کاری با موضوع ارتقای کیفیت و کارآمدی دوره‌های تحصیلی سند تحول و تعالی دانشگاه، ابلاغ شد.

براساس این دستورالعمل، ثبت‌نام دوره تابستان از تاریخ ۱۴۰۲/۴/۱۷ لغایت ۱۴۰۲/۴/۲۲ و شروع کلاس‌های درسی دوره نیز از تاریخ ۱۴۰۲/۴/۲۴ لغایت ۱۴۰۲/۵/۲۴ (پنج‌هفته آموزشی) بدون احتساب زمان ثبت‌نام و امتحانات است. زمان برگزاری امتحانات از تاریخ ۱۴۰۲/۵/۲۸ لغایت ۱۴۰۲/۶/۲ است.



رئیس مرکز خزانه‌داری دانشگاه آزاد در گفت و گو با «فرهیختگان» تاکید کرد

انضباط مالی و شفافیت محور فعالیت خزانه‌داری دانشگاه

مدیرکل پژوهش و تحصیلات تکمیلی معاونت علوم انسانی و هنر خیر داد

برگزاری اولین جشنواره کرسی های تخصصی و ترویجی دانشگاه آزاد



معاونت علوم انسانی و هنر دانشگاه می‌خواهد اولین «جشنواره کرسی‌های تخصصی و ترویجی دانشگاه آزاد اسلامی» را برگزار کرده و در جهت راه‌اندازی کمیته‌های اجرایی، نظارتی، داوری و تبلیغاتی مربوط به جشنواره در دو سطح اعضای هیات‌علمی و دانشجویان دکتری تخصصی مربوط به رشته‌های علوم انسانی، معماری و هنر، منطبق با دستورالعمل برگزاری جشنواره ملی کرسی‌های دانشگاه آزاد اقدام کند. جشنواره ملی «کرسی‌های تخصصی، ترویجی و مناسبتی»، علمی دانشجویی و هیات‌علمی با تاکید بر مفاهیم کلیدی همچون گام دوم انقلاب و خانواده، تعلیم و تربیت ایرانی-اسلامی، پژوهش‌های هدفمند و راهبردی دانشگرای فعال جهاد تبیین و ایده‌های خلاق وفق مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی حکمی و معارف اسلامی و همچنین ایجاد فضای جنب‌وجوش و نقد، منظره‌توام با نوآوری همه‌ساله با انتخاب کرسی‌های برتر توسط واحدهای دانشگاه آزاد در سراسر کشور برگزار می‌شود.

در همین راستا فاطمه حمیدی فر، مدیرکل پژوهش و تحصیلات تکمیلی معاونت علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره جزئیات برگزاری جشنواره ملی کرسی‌های (تخصصی و ترویجی) دانشگاه‌آزاد ۱۴۰۲ سخن گفت. او درباره موضوعات مطرح در رشته‌های علوم انسانی و هنر و اولویت‌های موضوعی مبتنی بر اسناد بالادستی که در این جشنواره ارائه می‌شود، گفت: «گام دوم انقلاب و دانشگاه، رسانه و عدالت اجتماعی، مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی علوم انسانی و اسلامی و علوم انسانی و حکمت اسلامی از جمله موضوعات است. همچنین علوم انسانی و حکمت اسلامی، انقلاب اسلامی ایران و دانشگاه، امامت و مهدویت، مردم‌سالاری دینی، خانواده، تعلیم و تربیت در نظام ایرانی-اسلامی، انقلاب اسلامی ایران و دانشگاه و امامت و مهدویت نیز از موضوعات مطرح در رشته‌های علوم انسانی و هنر است.»

حمیدی فر با بیان اینکه مردم‌سالاری دینی و انقلاب اسلامی و آزادی از دیگر موضوعات است، خاطرنشان کرد: «امنیّت ملی جمهوری اسلامی ایران، انقلاب اسلامی و جهاد تبیین، مقاومت اسلامی و ایثار، امیدآفرینی، نشاط، پویایی و مشارکت، انتخابات ایران، یادگیری عمیق و ارتقای کیفی سبک زندگی ایرانی-اسلامی، هویت و سبک زندگی ایرانی-اسلامی، هوش مصنوعی و دانشگاه و... از دیگر موضوعات خواهد بود.»

او درباره بخش‌های جشنواره نیز صحبت به میان آورد و توضیح داد: «در بخش رقابتی آثار برگزیده دانشگاهی پس از دریافت، ارزیابی و داوری می‌شوند. برگزیدگان در مراسم اختتامیه جشنواره معرفی و از آنها تقدیر خواهد شد.»

حمیدی فر با بیان اینکه این بخش جشنواره در سه مرحله صورت می‌گیرد، ادامه داد: «در مرحله اول آثار برگزیده کرسی‌های تخصصی و ترویجی از طریق کمیته‌های سازمان‌یافته به جشنواره دریافت می‌شود. در مرحله دوم تمام آثار دریافتی داوری و آثار برتر برای مرحله نهایی (در هر گروه از هر حوزه رقابتی) انتخاب می‌شود.»

به گفته او در مرحله سوم برگزیدگان جشنواره کرسی‌های ترویجی و پژوهشی در مراسم اختتامیه از میان آثار راه‌یافته به مرحله نهایی معرفی می‌شوند. حمیدی فر با بیان اینکه بخش دوم جشنواره بخشی نمایشگاهی است، درباره این بخش نیز توضیح داد: «در این بخش دستاوردهای علمی که در بخش رقابتی شرکت کرده‌اند به صورت نگارخانه‌ای در معرض نمایش قرار می‌گیرند. دستورالعمل این بخش متعاقباً به دانشگاه‌ها ارسال می‌شود و تمام دانشگاه‌ها موظفند براساس دستورالعمل ابلاغی در این بخش حضور پیدا کنند.» حمیدی فر در ادامه افزود: «بخش سوم اطلاع‌رسانی جشنواره است که تلاش می‌کند با استفاده از ظرفیت‌های اداره کل روابط عمومی، تبلیغات گسترده با ارتباط جزایر صورت گیرد.»

مدیرکل پژوهش و تحصیلات تکمیلی معاونت علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد درباره زمان‌بندی جشنواره نیز گفت: «در مرحله اول دستورالعمل اجرایی جشنواره ابلاغ شده و فراخوان شرکت در جشنواره در بهار ۱۴۰۲ اعلام می‌شود. در مرحله دوم آثار دانشگاه‌ها از طریق دبیرخانه استانی جشنواره از آبان ۱۴۰۲ دریافت‌شده و در نهایت این جشنواره همزمان با دهه فجر انقلاب اسلامی با ایام خجسته شعبانیه در زمستان ۱۴۰۲ برگزار می‌شود.»

حمیدی فر درباره داوری جشنواره نیز توضیح داد: «معیارهای داوری آثار و دستاوردهای علمی دانشجویی و هیات‌علمی در زمینه کرسی‌های تخصصی و ترویجی در چهار دسته تقسیم‌بندی شده و در فرم‌های داوری مورد نظر قرار می‌گیرد.» به گفته او ارزیابی نقش دانشجویان با تاکید بر نقش گروهی آنها، ارزیابی علمی، محتوایی و خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها در فعالیت‌ها، ارزیابی کمی و کیفی دستاوردها حاصل از متن مکتوب کرسی‌ها و ارزیابی گزارش و مستندسازی کرسی‌ها چهار دسته معیارهای داوری هستند. او در پایان گفت: «در مراسم اختتامیه جشنواره از کرسی‌های برتر تخصصی، ترویجی و مناسبتی (دانشجویان و اعضای هیات‌علمی) برگزیده در هر یک از حوزه‌های رقابتی تقدیر و به هر کدام تندیس جشنواره، لوح تقدیر و هدیه نقدی اهدا می‌شود.»

ابوالفضل مظاهری - سارا طاهری

شکل و شمایل حوزه مالی دانشگاه آزاد مانند بخش‌های دیگر درطول سال‌های گذشته دچار تغییرات و تحولات مختلفی شده است. شاه‌بیت همه تغییرات جدید را هم می‌توان در انضباط بخشی مالی عنوان کرد که با تمرکز بیشتر و سامانه‌سپاری زمینه شفافیت و مدیریت به لحظه مالی در مجموعه بزرگ دانشگاه آزاد فراهم کرده است. کیفیت عملکرد حوزه مالی به شکل فعالیت خزانه‌داران وابسته است؛ بخشی که در طول سال‌های اخیر از عنوانی کلی به یک حوزه فعال در مدیریت مالی دانشگاه تبدیل شده است. نخستین گام‌های این مسیر را می‌توان در سال ۹۸ دید. زمانی که به گفته دکتر طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد برای نخستین بار نظام خزانه‌دهی محور در این دانشگاه ایجاد شد؛ چراکه تا پیش از این دانشگاه خزانه‌ای به این معنا نداشت و منابع مالی در همان جایی که حساب درآمدی بود، هزینه می‌شد.

حسین جوادی، رئیس مرکز خزانه‌داری دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از رویکرد خزانه‌داران دانشگاه آزاد، شفافیت مالی و انضباطی و نظارت بر عملکرد مالی دانشگاه، برنامه پیش‌روی خزانه‌داری دانشگاه آزاد و... سخن گفت که در ادامه می‌خوانید.

فعالیت خزانه‌داری متفاوت از گذشته دنبال می‌شود و به نظر می‌رسد بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. خزانه‌داری و فعالیت‌های مربوط به آن در روند اداری مالی دانشگاه چه تغییرات محسوس داشته است؟ مسئولیت اصلی خزانه‌داران چیست؟

در آیین‌نامه مالی معاملاتی دانشگاه، خزانه‌دار به پیشنهاد رئیس دانشگاه و توسط هیات‌امنا دانشگاه تعیین می‌شود. در ماده ۱۷ آیین‌نامه، وظایف برعهده خزانه‌دار گذاشته شده، یعنی هرگونه نظارت بر تنظیم اسناد مالی، اجرای برنامه‌های مالی، صورت‌های مالی، اظهارنامه‌های عملکرد مالی و... برعهده خزانه‌داری دانشگاه است. خزانه‌دار حین اجرا دو کار را انجام می‌دهد؛ اول انجام کنترل تخصیص و دوم اراضی صدور چک، یعنی هر گونه دریافت و پرداخت باید با نظر خزانه‌دار انجام می‌شود و این وظیفه‌ای است که هیات‌امنا برعهده‌اش گذاشته شده است. وظیفه بعدی خزانه‌دار تمام کارهای معاملاتی است که در دانشگاه انجام می‌شوند. وی عضو کمیسیون معاملات است و اصلی‌ترین کارش نظارت بر امین اموال است که ریاست دانشگاه به خزانه تفویض کرده و ما در راستای این موارد کارها را انجام می‌دهیم، یعنی تشخیص برعهده رئیس واحد، رئیس استان و رئیس دانشگاه است و تطبیق با آیین‌نامه مالی معاملاتی وظیفه خزانه‌دار است.

تمام پرداخت‌ها در سامانه حسابیار قابل کنترل است

رویکرد خزانه‌دارهای دانشگاه در دوره جدید تغییر خواهد کرد؟

برای اینکه شفافیت ایجاد شود و در پرداخت‌ها انضباط مالی و اداری داشته باشیم به سمت سامانه‌سپاری حرکت کرده‌ایم، یعنی سامانه‌هایی را در حوزه اموال منقول و غیرمنقول طراحی کرده‌ایم. دانشگاه برخط و همه اموال آن قابل‌رصد است. سامانه حسابیار نیز اجرا شده و تمام پرداخت‌ها و اسناد برخط و قابل کنترل هستند. همچنین طرح آموزش خزانه‌داران را طراحی کرده‌ایم تا سطح این افراد را از نظر حرفه‌ای و فنی بالا ببریم. تاکنون اقداماتی که انجام داده‌ایم کیفی‌سازی کارهای مالی‌ای است که در برنامه‌های ما قرار دارند.

می‌شود، این ترازهای مالی هم به دارایی، بیمه، هیات‌امنا، حسابرسان توسط خزانه‌داری ارائه می‌شوند.

مسئله حسابرسی چندسال پیش توسط دکتر طهرانچی مطرح شد، اکنون حسابرسی با موسسه حسابرسی مفید راهبر صورت می‌گیرد؟

حسابرس هرسال توسط هیات‌امنا تعیین می‌شود و الان چندسال است که توسط موسسه حسابرسی مفید راهبر تعیین می‌شود.

کماکان دوره‌ای این اتفاق می‌افتد؟

بله، هرسال مالی این اتفاق می‌افتد. در سال‌های اخیر نیز موسسه حسابرسی مفید راهبر گزارش کار خود را به هیات‌امنا ارائه می‌دهد.

آخرین دوره مربوط به چه محدوده زمانی است؟

آخرین آن مربوط به سال ۹۷ بوده اما سال‌های ۹۸، ۹۹، ۲۰۰۰ و ۱۴۰۰ قرار بود به صورت اجمالی انجام شود، چون در دانشگاه حسابرسی انجام نشده بود. از زمان دکتر ولایتی و آمدن دکتر طهرانچی این موسسات را دعوت کردند تا حسابرسی را انجام دهند. قراردادهای ۹۸، ۹۹، ۲۰۰۰ و ۱۴۰۰ بسته شده و برای سال ۱۴۰۱ به صورت کلی و ریز درحال حسابرسی هستند.

گزارش‌های این حوزه در فضای کلی خزانه‌داری هم اثرگذار خواهد بود؟

صدها درصد، همین طور خواهد بود و اگر از لحاظ شکلی، آیین‌نامه‌های اشکالاتی وجود داشته باشد، حتماً آنها را رفع می‌کنیم.

انضباط مالی و شفافیت برنامه پیش‌روی خزانه‌داری دانشگاه

با توجه به اینکه اخیراً هم معاونان توسعه و خزانه‌دارهای استان‌ها نشست‌هایی را برگزار کرده‌اند، برنامه پیش‌روی خزانه‌داری دانشگاه آزاد چگونه دنبال خواهد شد؟

یکی از اولویت‌های ما این است که به یک فیم مشترک در زمینه مالی برسیم که همان انضباط مالی و شفافیت است، یعنی برای اینکه برداشته‌های مختلفی صورت بگیرد، عموماً دوره‌های آموزشی مشترک برگزار می‌کنیم و براساس

ارزیابی خزانه‌داران دانشگاه توسط کمیته فنی

در انتخاب خزانه‌دارها در دوره جدید فاکتور خاصی در نظر گرفته می‌شود؟

درحال حاضر یک کمیته فنی تشکیل دادیم که وظیفه‌اش ارزیابی خزانه‌دارانی است که حاضرند، همچنین دانشگاه یک کانون ارزیابی دارد که همه این خزانه‌داران را به آن معرفی کرده‌ایم. وظیفه کانون ارزیابی اعلام نقاط ضعف و قوت خزانه‌داران است. ما حتماً نقاط قوت آنها را تقویت می‌کنیم و برای نقاط ضعف‌شان نیز کارگاه‌های آموزشی و توانمندسازی ارائه می‌دهیم تا خودشان را به روز کنند. فرآیند این است که اول باید در کمیته فنی، صلاحیت‌های عمومی و فنی حرفه‌ای آنها احراز و تایید شوند، بعد از این مرحله به سطح هیات‌امنا در استان ارائه می‌شود و در دانشگاه نیز خزانه‌دار کل اگر بخواهند به هیات‌امنا مرکزی ارائه می‌شود ولی اینهایی که در استان هستند همه به سامانه‌های استانی رفته و رای‌گیری می‌شود و سپس حکم آنها توسط رئیس دانشگاه ابلاغ می‌شود.

به سامانه حسابیار اشاره کردید. این سامانه چه نقشی در فرآیندهای خزانه‌داری ایفا می‌کند؟

سامانه حسابیار زیرمجموعه معاونت توسعه و مدیریت منابع فعالیت می‌کند و توسط مدیرکل امور مالی مدیریت می‌شود، چون فرآیند از مالی می‌آید، بخش‌هایی که کنترل است در سامانه اعمال کردیم، یعنی فرآیند نظارتی در سامانه را انجام دادیم تا خروجی آن اشکالاتی نداشته باشد. جلسات مشترکی داریم و آن‌گاه‌هایی که خزانه‌داری نسبت به کنترل حساب‌ها یا کنترل اسناد دارد در سامانه رعایت شده است.

آموزش‌یار نظام شهریه را شفاف کرد

انضباط مالی اخیراً طرح شده و جزئی از بیرون‌خواست‌های دکتر طهرانچی بوده است. از بیرون نیز ماجرای شفافیت و نظارت عملکرد مالی دانشگاه همیشه یکی از دغدغه‌های دانشجویان و به‌طور کلی خانواده دانشگاه آزاد بوده است. در خصوص این شفافیت توضیح می‌دهید؟

گروه‌های نظارتی در دانشگاه حضور دارند، به‌طور مثال حسابرس هیات‌امنا، موسسه حسابرسی مفید راهبر و... مراکز خیلی استاندارد فنی و حرفه‌ای در کشور هستند که گزارش کار را به هیات‌امنا ارائه می‌دهند. بازرسی حسابرسی و خزانه‌دار وجود دارد و سیستم نیز شفاف است. وقتی ما سامانه آموزشی را راه‌اندازی کردیم، یعنی نظام شهریه را شفاف کردیم. وقتی سامانه اموال راه‌اندازی کردیم، یعنی نظام اموال را ساماندهی کردیم. پژوهش‌یار وقتی شروع به کار کرد به جهت شفافیت انضباط کاری بود. در واقع این سامانه‌ها برای شفافیت مالی و انضباطی ایجاد شده‌اند و همه دانشگاه‌ها را پوشش می‌دهند. این روند قبلاً تا حدودی جزیره‌ای بود و کنترل از ستاد وجود نداشت اما الان در

ستاد همه اینها قابل‌رصد است و می‌توانیم اسناد را در اختیار هر گروه نظارتی قرار دهیم که تابع هیات‌امنا باشد.

بحث حسابرسی با تعامل با مجموعه شما اتفاق می‌افتد؟

بله، چون ترازهای مالی را ما باید به هیات‌امنا ارائه دهیم، وقتی ترازهای مالی درست

هماهنگی صورت گرفته هم معاون توسعه و هم خزانه‌داری در جلسات شرکت می‌کنند تا اگر جایی در اجرای آیین‌نامه‌های مالی و مالیاتی اشکالاتی وجود دارد، از این طریق رفع شود. دومین اولویت ما استفاده از تجربیات این دوستان است؛ چراکه همه آنها تخصص‌های مالی دارند و براساس کمیته‌های مالی که ما شکل می‌دهیم، به‌نوعی هم‌افزایی و هم‌فکری ایجاد می‌شود. همچنین اگر در بخشی برای پیشبرد کارها نیاز به آیین‌نامه یا بخشنامه داریم، این کار را انجام می‌دهیم. سومین اولویت‌مان این است که همکاران ما باید به‌روز شوند و این کار هم به‌مرور آیین‌نامه و مقررات انجام می‌شود. طرح‌های جدیدی داریم که یکی از آنها حسابیار بود که سیستم مالی به‌شمار می‌رود و طرح دیگر هم برنامه جامع اموال است؛ طرح سوم نظارت و کنترل خزانه‌داران است که هرکدام سامانه خودش را دارد.

سامانه‌هایی که نام بردید، درحال حاضر راه‌اندازی شده‌اند؟

بله، راه‌اندازی شده‌اند اما جزء سامانه‌های داخلی محسوب می‌شوند و مورد استفاده قرار می‌گیرد. این سامانه‌ها انحراف بودجه‌ها را نشان و به متولیان هشدار می‌دهند که بیشتر از بودجه‌شان درحال هزینه کردن هستند.

این سامانه امکان نظارت برخط بودجه‌ای را هم برای دانشگاه آزاد فراهم می‌کند؟

بله و از این طریق همه در یک چهارچوب حرکت می‌کنند.

پیش‌تر عنوان کرده بودید که خزانه‌دارها هم امضا کردن و هم امضا نکردن‌شان برای دانشگاه مسئولیت دارد. در این خصوص توضیح بیشتری می‌دهید؟

ما حق نداریم برای دانشگاه هزینه ایجاد کنیم و اگر یک خزانه‌داری، موضوعی را امضا می‌کند، حتماً باور مالی خواهد داشت و اگر هم امضا نکند، باید دلایلی اقناع‌کننده برای آن ارائه دهد، به‌طورمثال وقتی قرار است دستگاهی وارد شود و اگر امضای لازم برای خرید آن به‌موقع صورت بگیرد، با توجه به نوسانات دلاری مشکل ایجاد می‌شود و در چنین شرایطی اگر مشکل آیین‌نامه‌ای داشته باشیم، مسئولان خزانه‌داری‌ها باید در کمترین زمان آن را حل کنند.

دکتر طهرانچی به استفاده علمی از پتانسیل‌های استادی خود دانشگاه در فرآیندهای مختلف مانند بحث مسکن قائل است، در حوزه خزانه‌داری این مسئله چطور دنبال می‌شود؟ در حوزه دانشجویی هم برنامه‌ای برای بهره‌مندی از توان دانشجویان دارید؟

در بحث خزانه‌داری امروز هدف جانشین‌پروری را دنبال می‌کنیم و به همه گروه‌های حسابداری و مدیریت هم آن را اعلام کرده‌ایم، همچنین فرصت‌هایی را در سامانه خزانه‌داری ثبت کرده‌ایم تا افرادی که علاقه‌مند به همکاری در این حوزه هستند، فرم‌ها را کامل کنند و بعد هم از آنها برای مصاحبه دعوت می‌شود و براساس ضوابط موجود از ظرفیت آنها استفاده می‌کنیم.

باید بگویم ما در خزانه‌داری امتداد هستیم و شهریه دانشجویان حق الناس به‌شمار می‌رود، همچنین تاکید ریاست دانشگاه و ریاست هیات‌امنا برای حفظ و استفاده درست از شهریه دانشجویان است و تمام تلاش‌مان این است که شهریه در جای درست هزینه شود و اگر جایی ترک فعلی صورت بگیرد، تذکرات لازم را می‌دهیم.

درخصوص دانشجویان در برخی فرآیندهایمان می‌توانیم از این پتانسیل استفاده کنیم، به‌طورمثال در بحث اموال‌گردانی که امروز برای بستن حساب‌ها دنبال می‌شود، به دوستان این اختیار را داده‌ایم تا از دانشجویانی که به این حوزه علاقه‌مندند و زمینه کاری‌اش را هم دارند، بهره بگیرند.



مبلغ تضمین: مبلغ ضمانتنامه: ۱۹,۶۶۴,۳۸۷,۰۰۰ ریال (معادل یک میلیارد و نهصد و شصت و شش میلیون چهار صد و سی و هشت هزار هفتصد تومان)

۷- شماره حساب سپرده: ۰۷۱۴۷۳۳۸۶۰۷۱۹۹۹۰۱۴۰۱۰۰۰۴۰۱ (IRVT) نزد بانک شیبای

مرکزی به نام مرکز آموزشی، پژوهشی، درمانی سل و بیماری‌های ریوی دکتر مسیح دانشجویی جهت واریز وجه نقد.

۸- شماره فراخون در سامانه ستاد

ایران ۰۰۲۰۰۵۸۶۰۰۰۰۰۰۰۲ می‌باشد.

۹- هزینه انتشار آگهی به عهده برنده مناقسه می‌باشد.

نوبت اول آگهی مناقسه عمومی یک‌مرحله‌ای

۳- آخرین مهلت بازگذاری پیشنهادها: تا ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۲۴/۱۴ می‌باشد.

۴- زمان باز گشایی پاکت‌ها: پیشنهادات واصله راس ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۲۴/۱۴ در کمیسیون مناقصات واقع در دفتر مدیریت بیمارستان باز و قرائت خواهد شد.

۵- صرفاً اسناد پاکت‌های پیشنهاد (ب، ج، د) دارای امضای الکترونیکی مورد پذیرش است. در جلسه بازگشایی پاکت‌های (ب) و (ج)، اسناد فیزیکی و اسناد فاقد امضای الکترونیکی (دارای مهر گرم) به هیچ وجه مورد پذیرش نخواهد بود.

۶- میزان و نوع تضمین شرکت در مناقسه: ضمانتنامه بانکی - واریز وجه نقد- گواهی تادیه مطالبات قطعی تایید شده قراردادها

مرکز آموزشی، پژوهشی، درمانی سل و بیماری‌های ریوی دکتر مسیح دانشجویی در نظر دارد تهیه و تامین اقلام غذایی مورد نیاز و طبخ غذای بیماران، همراهان و کارکنان را به اشخاص حقوقی واجد شرایط از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir واگذار نماید.

۱- موضوع مناقسه: تهیه و تامین اقلام غذایی مورد نیاز و طبخ غذای بیماران، همراهان و کارکنان بر اساس شرایط مندرج در اسناد مناقسه

۲- زمان دریافت اسناد مناقسه: از ساعت ۸ صبح روزشنبه مورخ ۱۴۰۲/۲۴/۱۴ لغایت تا ساعت ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۲۴/۱۴



دانشگاه



«فرهیختگان» با بررسی جایگاه دانشگاه‌های کشور در ۳ نظام رتبه‌بندی معتبر دنیا گزارش می‌دهد

افت دانشگاه‌های دولتی بزرگ در رقابت مرجعیت علمی



زهرار مضانی

خبرنگار گروه دانشگاه

نظام‌های رتبه‌بندی مختلفی در دنیا وجود دارد که هر کدام براساس مولفه‌های خاص به خود که بعضا هم شباهت‌هایی با یکدیگر دارند، اقدام به رتبه‌بندی دانشگاه‌ها می‌کنند. اقدامی که هر سال منجر به معرفی برترین آکادمی‌های دنیا در حوزه‌های مختلف می‌شود و قطعاً قرارگیری در میان اسامی منتشر شده از سوی نظام‌های رتبه‌بندی از اهمیت خاصی برای دانشگاه‌ها برخوردار است. از طرف دیگر با بررسی وضعیت دانشگاه‌های مطرح کشور با ملاحظه قرار دادن همین نظام‌های رتبه‌بندی طی چند سال می‌توان برآورد کلی تری از نظام آموزش عالی کشور داشت؛ چراکه قطعاً قرار گرفتن در لیست برترین‌های دنیا فارغ از نظام رتبه‌بندی که اقدام به این کار کرده، به معنی داشتن اعتبار جهانی است. اعتباری که اصلی‌ترین مولفه هر دانش‌سجوی داخلی و خارجی برای انتخاب محل تحصیل قرار گرفته و ملاک اصلی برای تعاملات بین‌المللی و همچنین نام بردن از ایران به‌عنوان یکی از کشورهای مرجع در حوزه‌های مختلف علمی می‌شود. علی‌رغم اینکه ملاک معرفی دانشگاه‌ها از سوی نظام‌های رتبه‌بندی و حتی سال میلادی مدنظر آنها تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد، اما طی ۱۰ روزی که از تیرماه امسال می‌گذرد؛ چند نظام رتبه‌بندی از جمله لایدن و QS رتبه‌بندی جدید خود را اعلام کردند که در بین دانشگاه‌های مطرح دنیا، اسامی دانشگاه‌های بنام ایرانی هم دیده می‌شود.

۱۱۱

مرجعیت علمی دانشگاه‌های برتر در معرض خطر

رتبه‌بندی لایدن، دانشگاه‌های دنیا را در ۴ شاخص مرجعیت علمی، دیپلماسی علمی، دسترسی آزاد به انتشارات و تنوع جنسیتی مورد بررسی قرار می‌دهد که هر کدام از آنها خود دارای شاخص‌های متفاوتی هستند. در بخش مرجعیت علمی که دانشگاه‌ها را از حیث تاثیر علمی آنها در دنیا بررسی می‌کند و به همین دلیل هم دارای اهمیت بیشتری است، با ملاحظه قرار دادن تعداد کل انتشارات، مقالات یک درصد برتر، مقالات ۵ درصد برتر، مقالات ۱۰ درصد برتر، مقالات ۵۰ درصد برتر، و میانگین تعداد استنادهای انتشارات یک دانشگاه و همچنین مجموع و میانگین تعداد استنادهای نرمال شده (به رشته و سال) مورد بررسی قرار داده است که در این بخش ۴۶ دانشگاه کشور در زمره برترین‌های دنیا معرفی شده‌اند که براساس آن دانشگاه‌های تهران، علوم پزشکی تهران، تربیت مدرس، صنعتی امیرکبیر و علم و صنعت جزء برترین‌های ایران هستند؛ در حالی که در سال گذشته این جایگاه به ترتیب در اختیار تهران، علوم پزشکی تهران، صنعتی امیرکبیر، تربیت مدرس و علم و صنعت ایران بوده است. با نگاهی به ۱۰ دانشگاه مهم کشور باید عنوان کرد رتبه آنها به نسبت سال گذشته میلادی با سقوط همراه بوده است. یعنی دانشگاه تهران که در سال ۲۰۲۲ در رتبه ۱۳۳ دنیا قرار گرفته، حالا در جدیدترین رتبه‌بندی به

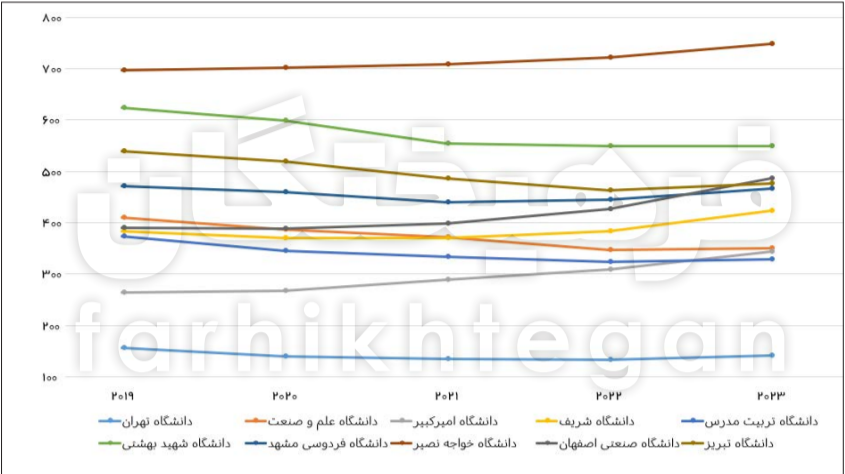
۱۴۲ رسیده که نشان از سقوط ۹ پله‌ای دارد، در حالی که این دانشگاه در سال ۲۰۲۱ در رتبه ۱۳۴ دنیا قرار داشته است. دانشگاه تربیت مدرس هم از رتبه ۳۲۳ دنیا در سال ۲۰۲۲ به رتبه ۳۲۸ جهان در سال میلادی فعلی رسیده، هر چند به نسبت سال ۲۰۲۱ با رتبه ۳۳۳ امروز جایگاه بهتری را تجربه می‌کند. امیرکبیر دانشگاهی است که جایگاه آن از لحاظ مرجعیت علمی به شدت تحت تاثیر قرار گرفته است، به طوری که جایگاه ۳۰۹ آن در سال گذشته میلادی به ۳۴۴ در سال جدید میلادی رسیده که به معنی ریزش ۳۵ پله‌ای آن در دنیا است، در حالی که در سال ۲۰۲۱ توانسته بود در پله ۲۶۳ دنیا بایستد. علم و صنعت ایران هم که یکی از معروف‌ترین و مهم‌ترین دانشگاه‌های صنعتی کشور به شمار می‌رود، از جایگاه ۳۴۷ که در سال ۲۰۲۲ به دست آورده بود، به جایگاه ۳۵۰ دنیا رسیده، هر چند چنین رتبه‌ای برای این دانشگاه که در سال ۲۰۲۱ در پله ۳۷۲ دنیا قرار داشت یک نوع دستاورد محسوب می‌شود.

سقوط دو پله‌ای صنعتی شریف در میان برترین‌ها

دانشگاه صنعتی شریف که براساس اعلام این رتبه‌بندی، در جایگاه هفتم دانشگاه‌های کشور قرار دارد و رتبه جهانی‌اش هم ۴۲۳ اعلام شده که با نگاهی به رتبه آن در سال ۲۰۲۲، نشان از ریزش ۳۹ پله‌ای آن است؛ چراکه رتبه شریف‌ها در آن سال ۳۸۴ بوده است. از طرفی این دانشگاه در سال ۲۰۲۱ به دلیل دارا بودن رتبه ۳۷۱ جهانی در زمره ۵ دانشگاه برتر کشور قرار گرفته بود. از میان دانشگاه‌های مرکز استان هم فردوسی مشهد با رتبه ۸ کشوری، توانسته در جایگاه ۴۶۶ دنیا بایستاد، هر چند این رتبه هم به نسبت سال گذشته با ریزش همراه بوده؛ چراکه سال ۲۰۲۱ این دانشگاه در میان ۴۴۵ دانشگاه برتر دنیا قرار گرفته بود.

رشد منفی دسترسی آزاد به انتشارات دانشگاه‌ها

در بحث دسترسی آزاد به انتشارات که به‌عنوان یکی دیگر از معیارهای رتبه‌بندی لایدن محسوب می‌شود شاخص‌هایی مانند تعداد کل انتشارات، انتشارات دسترسی آزاد، تعداد انتشارات دسترسی آزاد طلایی، انتشارات دسترسی آزاد هیبرید، انتشارات دسترسی آزاد برنز، انتشارات دسترسی آزاد سبز و انتشارات دسترسی آزاد با وضعیت دسترسی آزاد نامشخص را شامل می‌شود. در این معیار هم جایگاه تهران، علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی شهید بهشتی، تربیت مدرس و صنعتی امیرکبیر در زمره ۵ دانشگاه برتر کشور قرار دارند که سال گذشته دانشگاه تربیت مدرس سوم و بعد از آن دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی قرار داشت. با این حال با نگاهی به جایگاه جهانی آنها باید عنوان دانشگاه تهران هم سقوط ۵ پله‌ای را تجربه کرده و از جایگاه ۱۹۵ به جایگاه ۲۰۰ در سال جاری میلادی رسیده است. دانشگاه علوم پزشکی تهران اما جایگاه‌اش کمی بهتر شده و از ۲۵۹ در سال ۲۰۲۱ به ۲۵۱ در سال جاری رسیده، وضعیتی که برای دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به‌مراتب بهتر است و این دانشگاه توانسته از جایگاه ۲۵۹ جهان به ۲۵۱ برسد؛ اتفاقی



جایگاه ۱۰ دانشگاه کشور بر اساس نظام رتبه‌بندی لایدن در مرجعیت علمی

که دوبار در دانشگاه‌های وزارت علوم روند برعکس به خود گرفته است. به عبارت دیگر رتبه دانشگاه تربیت مدرس از ۴۰۷ به ۴۱۲ دنیا رسیده و این وضعیت با اختلاف قابل توجه در دانشگاه صنعتی امیرکبیر هم ادامه دارد، به طوری که جایگاه جهانی امیرکبیر‌ها با ریزش ۲۹ پله‌ای از ۴۵۶ در سال ۲۰۲۲ به ۴۸۵ در سال جدید میلادی رسیده است. وضعیت شریف‌ها هم چندان تعریفی ندارد و این دانشگاه که الان در جایگاه ۵۴۹ دنیا ایستاده، در سال گذشته میلادی در سکوی ۵۱۷ ایستاده بود.

روند مثبت جایگاه دانشگاه‌های ایران بر اساس QS

نظام رتبه‌بندی QS، هم از دیگر نظام‌های رتبه‌بندی معتبر دنیا است که سالانه هزار دانشگاه برتر جهانی را رتبه‌بندی می‌کند. براساس این رتبه‌بندی وضعیت دانشگاه‌های برتر کشور روند صعودی را پیش گرفته است. به طوری که رتبه اول به دانشگاه صنعتی شریف با جایگاه ۳۳۴ جهان و رتبه دوم هم به دانشگاه تهران با جایگاه ۳۶۰ دنیا تعلق گرفته است. صنعتی امیرکبیر هم با حفظ جایگاه سومی توانسته در پله ۴۵۱ دنیا بایستد و بعد از آن دانشگاه شیراز با جایگاه ۶۹۰-۶۸۱ دنیا است. در این میان بد نیست به رتبه دانشگاه‌های نام برده شده طی سال‌های گذشته هم نیم‌نگاهی داشته باشیم تا براساس آن روند رو به رشد این دانشگاه در کسب جایگاه‌های دنیا ملموس‌تر شود. دانشگاه صنعتی شریف از رتبه ۳۸۱ در سال ۲۰۲۲ با رشد یک پله‌ای به ۳۸۰ در سال ۲۰۲۳ رسید و حالا براساس آخرین اعلام این نظام رتبه‌بندی، رتبه ۳۳۴ را از آن خود کرده است. اما این تغییر وضعیت برای دانشگاه تهران بیشتر به چشم می‌آید؛ چراکه جایگاه تهرانی‌ها در سال ۲۰۲۲، بین ۵۲۱ تا ۵۳۰ دنیا بود؛ اما ظرف یک‌سال این جایگاه به ۵۱۰-۵۰۱ دنیا رسید و حالا توانسته در رتبه ۳۶۰ دنیا بایستد. اتفاقی که نشان از روند چشمگیر و رو به رشد این دانشگاه دارد. صنعتی امیرکبیر هم براساس این نظام رتبه‌بندی، جایگاه سوم دانشگاه‌های کشور را از آن خود کرده و در سکوی ۳۷۵ دنیا در سال ۲۰۲۴ قرار دارد که سرعت ارتقای جایگاهش هم قابل توجه است؛ چراکه جایگاه این دانشگاه در سال ۲۰۲۳، ۴۴۳ دنیا بود که به معنی کاهش ۶۸ پله‌ای است. جایگاه این دانشگاه صنعتی

کشور در سال ۲۰۲۲ هم ۴۶۵ دنیا بود که نشان می‌دهد این دانشگاه از نگاه QS توانسته به اعتبار جهانی خود بیفزاید. دانشگاه علم و صنعت هم که از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ روند نزولی به خود گرفته بود و از جایگاه ۵۰۰-۴۹۱ دنیا به ۶۰۱-۶۵۰ تنزل یافت، توانست با یک جهش معنادار به سکوی ۴۵۱ دنیا در سال ۲۰۲۴ برسد؛ البته این روند کاهشی از سال ۲۰۲۱ آغاز شده بود. جایگاه این دانشگاه در سال ۲۰۲۲ بین ۵۵۰-۵۴۱ قرار داشت اما یک سال بعد به ۵۴۰-۵۳۱ رسید و حالا هم در میان ۴۶۰ دانشگاه برتر دنیا قرار دارد.

جایگاه‌های برتر تایمز به علوم پزشکی هارسید

جایگاه دانشگاه‌های کشور در رتبه‌بندی تایمز که مربوط به بخش کشورهای آسیایی در سال ۲۰۲۳ می‌شود هم حاوی نکات قابل توجهی است. براساس آخرین به‌روزرسانی این نظام رتبه‌بندی، دانشگاه صنعتی شریف رتبه ۶۴ دنیا را به دست آورده و بعد از آن دانشگاه علوم پزشکی مازندران ۶۸، صنعتی امیرکبیر هم ۷۴ دنیا رسیده است. دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل هم با جایگاه ۷۸ در میان ۱۰ دانشگاه برتر کشور از نگاه تایمز قرار گرفته است، در حالی که همین دانشگاه سال گذشته میلادی رتبه ۵۷ جهانی را داشت و بعد از آن دانشگاه علوم پزشکی کردستان با جایگاه ۶۴، دانشگاه علوم پزشکی مازندران ۶۸، صنعتی شریف با رتبه ۷۰، امیرکبیر با رتبه ۹۰ و علم و صنعت با جایگاه ۹۶ دنیا قرار داشت. با مقایسه همین دو سال می‌توان نتیجه گرفت که دانشگاه‌های علوم پزشکی دست برتر را در میان برترین‌های ایران با معیارهای رتبه‌بندی تایمز در سال ۲۰۲۳ داشته‌اند، وضعیتی که در سال ۲۰۲۱ هم به‌نفع وزارت علوم‌ها بوده؛ هر چند همان سال رتبه اول دانشگاه‌های ایران در اختیار دانشگاه علوم پزشکی کردستان با جایگاه ۴۵ دنیا بود، اما بعد از آن دانشگاه صنعتی شریف با جایگاه ۵۸، صنعتی نوشیروانی بابل با رتبه ۵۹، صنعتی امیرکبیر با رتبه ۷۰ و دانشگاه علم و صنعت با رتبه ۷۶ بود.

در حوزه زنان، سلامت و جمعیت کمتر آینده‌پژوهی داشتیم

در دنیای امروز که همه‌چیز به‌سرعت تغییر می‌کند کشورها و نظام‌های مختلف باید بتوانند برای آینده خود برنامه‌ریزی‌های دقیقی داشته باشند. یکی از موضوعاتی که می‌توان در این راستا به‌سیاستگذاران و قانون‌گذاران کمک کند پژوهش‌های علمی است. به عبارت دیگر این آینده‌پژوهی و آینده‌پژوهان هستند که می‌توانند ایده‌های خود را در حوزه آینده‌نگری در اختیار سیاستمداران بگذارند. در ادامه این گزارش به خوانشی از مقاله «خوشه‌بندی و تحلیل وضعیت مقالات علمی در حوزه آینده‌پژوهی» که توسط محسن طاهری دمنه استادیار دانشگاه اصفهان، ابوالفضل اسدینیا و فاضله ابراهیمی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی این دانشگاه در مهرماه ۱۴۰۱ به نگارش درآمده پرداخته‌ایم.

مقالات آینده‌پژوهی روند صعودی دارد

در ابتدا باید به این موضوع اشاره کرد که تدوین هر نقشه‌ای که بتواند رفتار علم را در بستر زمانی از گذشته تا آینده نشان دهد مساله بسیار مهمی به شمار می‌رود و به همین دلیل آینده‌پژوهی در ده‌ها اخیر رشد بسیاری داشته است. هدفی که علم آینده‌پژوهی دنبال می‌کند شناخت عوامل موثر بر شکل‌دهی آینده و برنامه‌ریزی برای آن است. قدمت تولید مقاله در حوزه آینده‌پژوهی در ایران به حدود دو دهه و در جهان به نیم قرن می‌رسد. با این وجود که در این دو دهه شاهد مقالات بسیاری با موضوع آینده‌پژوهی بودیم اما باز هم می‌توان گفت که این حوزه از دید پژوهشگران ایرانی دور مانده است. جامعه آماری که در این گزارش در نظر گرفته شده شامل کلیه مقالات علمی در نورمگز، مگ ایران و ICS می‌شود. این مقالات علمی از طریق جست‌وجوی‌ها و تهیه‌های مانند آینده‌پژوهی، آینده‌شناسی، آینده‌نگاری، آینده‌اندیشی، تحلیل آینده و... به دست آمده‌اند. با یک نگاه کلی می‌توان درباره رشد مقالات در حوزه آینده‌پژوهی در ایران گفت که همواره با سیر صعودی همراه بوده است. در واقع از دهه ۹۰ به بعد با رشد این مقالات مواجه هستیم. از نیمه دهه ۸۰ به بعد رشد مقالات صعودی بوده و در عرض ۱۴ سال ۲۰۰ برابر شده است.

سناریو؛ در صدر کلیدواژه مقالات آینده‌پژوهی

در مقالات آینده‌پژوهی ۲۰ کلیدواژه با بیشترین فراوانی بررسی شده و براساس آن پرکارترین کلیدواژه، کلمه سناریو با فراوانی ۱۵۶ است. در رتبه بعدی جمهوری اسلامی با فراوانی ۳۵ و آینده‌نگری با فراوانی ۲۷ قرار دارد. رت موضوعی حوزه آینده‌پژوهی در ایران کلیدواژه سناریو است که کمی جلوتر به بررسی معنای آن خواهیم پرداخت. به‌منظور شناسایی ساختار فکری حاکم بر حوزه آینده‌پژوهی در ایران ارتباط مفهومی واژگان کلیدی مورد نظر تحلیل شده و در نهایت می‌توان به ۸ خوشه موضوعی رسید. اولین خوشه‌ای که در این گزارش به آن پردازیم چشم‌انداز آبی سی‌تی است. ۴ کلیدواژه فناوری اطلاعات، فضای مجازی، چشم‌انداز و دلفی در این خوشه در کنار هم قرار دارند. در روش چشم‌انداز و دلفی احتمالاً در مقالاتی که در حوزه آینده فناوری اطلاعات بوده به کار رفته است. دومین خوشه، جغرافیایان‌های عاشق آینده است که در آن ۳ کلیدواژه میک‌مک، تحلیل ساختاری و تیریز در کنار هم قرار دارند. در حوزه برنامه‌ریزی جغرافیایی استفاده از نرم‌افزار میک‌مک بسیار زیاد است. درباره واژه تیریز نیز باید گفت که گروه‌های دانشگاهی در حوزه برنامه‌ریزی شهری و جغرافیایی در دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی شهر تیریز توجه بسیار ویژه‌ای روی آینده‌پژوهی داشته‌اند.

آموزش عالی آینده‌گرا؛ دغدغه آینده‌پژوهان آموزش

خوشه موضوعی بعدی خوشه توسعه دانشی است. در این خوشه ۲ کلیدواژه توسعه، مدیریت دانش و آینده آورده شده است. تمرکز بیشتر این خوشه روی موضوع دانش است و همچنین باید گفت که توسعه و آینده جزء واژگانی هستند که استفاده از آنها در کنار هم رایج است. خوشه دیگری که در این مقاله به این بررسی شده آموزش عالی آینده‌گراست که از ۳ واژه آموزش عالی، برنامه‌ریزی و سرمایه‌انسانی تشکیل شده است. دغدغه پژوهشگران حوزه آموزش و علوم تربیتی در خصوص آینده در سال‌های اخیر در مقالات آنها پیداست. خوشه موضوعی آینده دینی از واژه‌های آینده‌شناسی، سیاست، روش‌های آینده‌پژوهی، آینده‌پژوهی اسلامی، آینده‌های مطلوب، مطالعات آینده، عدم قطعیت، مهدویت، پیش‌بینی و برنامه‌ریزی تشکیل شده است. روابط منطقی این خوشه موضوعی بعدی مورد توجه قرار گرفته در این مقاله است. این خوشه با ۱۲ کلیدواژه بزرگ‌ترین خوشه موضوعی در بین ۸ خوشه ذکر شده است. جمهوری اسلامی ایران، عربستان، تحلیل سناریو، داعش، برنامه‌ریزی سناریو، عدم قطعیت، صنعت گردشگری، سناریو‌ریز، انقلاب اسلامی، امنیت، پیشران‌ها، سیاست‌گذاری و منابع انسانی از کلیدواژه‌های این خوشه هستند. به‌صورت کلی این خوشه به روابط منطقه‌ای ایران می‌پردازد. باتوجه به چالش‌های فراوانی که جمهوری اسلامی در روابط بین‌المللی و منطقه‌ای خود دارد یکی از دغدغه‌های مهم پژوهشگران این موضوع است. خوشه هفتم آینده‌نگاری راهبردی است. این خوشه از ۳ کلیدواژه آینده‌نگری راهبردی، فناوری و راهبرد تشکیل شده است. آینده‌نگاری راهبردی به‌عنوان یکی از رویکردهای غالب در مطالعات آینده‌پژوهی در جهان شناخته می‌شود. خوشه موضوعی آخر وزن سنگین‌ترین بخش است. کلیدواژه‌های توسعه گردشگری، تحلیل اثرات متقابل و عوامل کلیدی و پیشران‌های راهبردی، از جمله کلیدواژه‌های این این خوشه هستند. دلیل نام‌گذاری این خوشه وزن سنگین، روش تحلیل اثرات متقابل است که منجر به شناختن عوامل کلیدی می‌شود.

سناریونویسی؛ روش محبوب آینده‌پژوهان

در نهایت باید گفت که روند رشد مقالات آینده‌پژوهی در ایران نشان می‌دهد که این حوزه مانند مطالعات جهانی که در این حوزه انجام می‌شود در حال رشد است. به لحاظ فراوانی نیز ۳ واژه سناریو، جمهوری اسلامی و آینده‌نگاری پرکاربردترین واژه‌ها در بین پژوهش‌های این حوزه هستند. همچنین ساختار کلی شبکه کلیدواژه‌ها نیز نشان دهنده این موضوع است که بیشترین لینک ارتباطی مربوط به واژه سناریو است و می‌توان این استدلال را داشت که روش سناریونویسی بیشترین سهم را در بین پژوهش‌ها و مقالات آینده‌پژوهی به خود اختصاص می‌دهد. البته کلیدواژه سناریو به لحاظ کاربرد در مطالعات آینده‌پژوهی در سطح جهان نیز رتبه سوم را به خود اختصاص می‌دهد که این موضوع نشان دهنده همسویی مطالعات ایران و جهان در حوزه آینده‌پژوهی است.

در حوزه زنان، سلامت و جمعیت کمتر به سراغ آینده‌پژوهی رفته‌ایم

برای تحلیل ۸ خوشه مطرح شده هم باید عنوان کرد در برخی از مسائل مانند روابط منطقه‌ای که نوعی مساله سیاسی و حکومتی است مطالعات فراوانی صورت گرفته است. می‌توان ۳ دلیل برای این موضوع متصور شد؛ اول اینکه وجود اندیشه‌های نظامی دغدغه‌مند آینده‌است که گفت‌مان آینده‌پژوهی در ایران برای اولین بار در آنها شکل گرفته است. دوم اینکه بودجه‌های حکومتی نیز به سمت این نوع موضوعات سرازیر است. همچنین باید به این موضوع اشاره کرد که با ورود دانشگاه‌های دولتی به عرصه آینده‌پژوهی، برخی از نشریاتی در این حوزه مجوز گرفتند که رویکردهای سیاسی داشتند و این دلایل بود که موجب ایجاد چنین خوشه بزرگی شد. از جمله حوزه‌هایی که کمتر به سمت آینده‌پژوهی رفته‌اند می‌توان از حوزه بهداشت، سلامت، محیط‌زیست، صنعت، زنان، مشاغل، انرژی، جمعیت، انقلاب صنعتی چهارم و فناوری‌های نوظهور یاد کرد. با این وجود که این موضوعات به‌مراتب در دنیا برای مقالات آینده‌پژوهی کاربرد دارد اما پژوهشگران ایرانی از آن مغفول مانده‌اند. به نظر می‌رسد باید مطالعات آینده‌پژوهانه انجام‌شده در ایران از نگاه روش و با دیدگاهی انتقادی بررسی شود و خوشه‌های روشی در این حوزه استخراج شود.

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی زابل در نظر دارد شاخ و برگ و چوب ناشی از هرس درختان سایت این واحد دانشگاهی را از طریق مزایده به فروش برساند. از متقاضیان دعوت می‌شود تا تاریخ انتشار آگهی به مدت ۱۰ روز با روزیاریز مبلغ ۲۱۰۰۰۰۰ ریال و ضمن تکمیل فیش واریزی مندرج در آستانه مزایده به دفتر حقوقی مراجعه فرمایند. تضمین شرکت در مزایده مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است که باید نقداً یا در قالب ضمانت‌نامه معتبر بانکی به حساب ۰۸۱۶۰۰۸۱۵۸۶۰ نزد بانک صادرات به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی زابل واریز گردد و فیش آن ضمیمه مدارک (با کتف تحویل دفتر حقوقی دانشگاه گردد. ضمناً پرداخت هزینه انتشار آگهی و هزینه کارشناسی، هرس جمع آوری، توزین، حمل‌ونقل و نظافت کلی بر عهده برنده مزایده عمومی می‌باشد. شمای توانید جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت آستانه مزایده به دفتر حقوقی مراجعه یا با تلفن ۰۵۳۲۳۲۲۷۹۷ و همراه ۰۹۱۵۱۴۴۸۴۳ اداره حقوقی دانشگاه تماس حاصل فرمایید.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی زابل

صدای نخبگان، نگاه جوانان

WWW.FDN.IR روزنامه فرهیختگان

فرهیختگان

@farhikhtegandaily

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر در نظر دارد مجتمع‌های خود را به‌عنوان یکی از شاخص‌های رتبه‌بندی لایدن محسوب می‌شود شاخص‌هایی مانند تعداد کل انتشارات، انتشارات دسترسی آزاد، تعداد انتشارات دسترسی آزاد طلایی، انتشارات دسترسی آزاد برنز، انتشارات دسترسی آزاد سبز و انتشارات دسترسی آزاد با وضعیت دسترسی آزاد نامشخص را شامل می‌شود. در این معیار هم جایگاه تهران، علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی شهید بهشتی، تربیت مدرس و علم و صنعت ایران بوده است. با نگاهی به ۱۰ دانشگاه مهم کشور باید عنوان کرد رتبه آنها به نسبت سال گذشته میلادی با سقوط همراه بوده است. یعنی دانشگاه تهران که در سال ۲۰۲۲ در رتبه ۱۳۳ دنیا قرار گرفته، حالا در جدیدترین رتبه‌بندی به

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر



«فرهختگان» از روز و حال برترین نرم‌افزارهای یادگیری از راه دور دنیا گزارش می‌دهد

درآمد ۸۵۰ میلیون دلاری ه‌پلتفرم آموزش آنلاین



ندا اظهري
مترجم

پلتفرم‌های آنلاین سال‌ها پیش روانه بازار شدند اما هیچ زمانی به اندازه دوران همه‌گیری کرونا نتوانستند اقبال و طرفدار پیدا کنند. در این دوران که مدارس و دانشگاه‌ها تعطیل بود و همه آموزش‌ها به صورت مجازی و از راه دور پیش می‌رفت، بسیاری از شرکت‌های فناوریانه اقدام به طراحی و توسعه نرم‌افزارها و پلتفرم‌های یادگیری آنلاین کردند تا بتوانند با ورود به بازار پلتفرم‌های آموزش آنلاین، با آنها به رقابت بپردازند. در جدیدترین بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل‌هایی که صورت گرفته، پژوهشگران به شناسایی بهترین پلتفرم‌های یادگیری الکترونیک و آنلاین پرداخته‌اند. این داده‌ها براساس تجربه استفاده کاربران از این پلتفرم‌ها به دست آمده و کاربران تجربه شخصی استفاده از این پلتفرم‌ها را منعکس کرده‌اند.

درآمد ۳ هزار میلیاردی «کدآکادمی» در سال

«کدآکادمی» Codecademy یک پلتفرم شناخته شده برای یادگیری آنلاین و فراگرفتن فرآیند کدنویسی است که بدون شک توانسته بعد از سال‌ها مشروعبیت خود را اثبات کند. از زمان آغاز به کار آن در سال ۲۰۱۱، شمار کاربران این پلتفرم از ۵۰ میلیون نفر هم فراتر رفته، اما هنوز هم جزء پرفرودارترین پلتفرم‌های آنلاین در دنیا است. در حال حاضر ده‌ها هزار کاربر از این پلتفرم آنلاین استفاده می‌کنند. ارزش چشمگیر این شرکت در سال ۲۰۲۱ به حدود ۵۲۵ میلیون دلار رسید. علاوه بر این، شرکت کدآکادمی به‌طور مداوم درآمد سالانه‌ای معادل ۵۹ میلیون دلار معادل ۳ هزار میلیارد تومان تولید می‌کند. این پلتفرم آموزشی، فرصت‌های خوبی را پیش‌روی دانشجویان برای یادگیری فرآیند کدنویسی و یادگیری آنلاین فراهم می‌کند و در انتهای آموزش‌های آنلاین، آزمونی را برای فراگیران برگزار کرده و تاییدیه‌ای به آنها اعطا می‌کند. البته تاییدیه و مدرکی که این پلتفرم به دانشجویان می‌دهد معادل مدرک دانشگاهی نیست، اما بدون شک نمی‌توان ارزش این مدرک را نادیده گرفت که به‌ویژه در مراحل ابتدایی شروع به کار آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. دانشجویان با فراگرفتن این پلتفرم و مفاهیم آموزشی آن، با اختیار داشتن چنین گواهینامه شناخته شده‌ای در صنعت می‌توانند در دنیای فناوری گام برداشته و از مزیت‌های رقابتی آن هم برخوردار شوند. پلتفرم کدآکادمی، مجموعه غنی از ویژگی‌ها و ارائه می‌دهد که به‌رغم تسهیل در فرآیند آموزش، به افراد در یافتن شغل

همکاری پلتفرم «کورسرا» با ۲۰۰ دانشگاه دنیا

در سال ۲۰۲۲ قریب به ۵۲۴ میلیون دلار برآورد شده است. کورسرا، دروازه ورود فراگیران به دنیایی از امکانات برای رشد شغلی و پیشرفت شخصی است که با همکاری با دانشگاه‌های مشهور دنیا، فراگیران قادر خواهند بود مدارک آنلاین کاملاً معتبری در زمینه‌های مختلف IT، طراحی، تجارت، تجزیه و تحلیل داده‌ها، بهداشت، آموزش، یادگیری زبان، مدیریت پروژه، بازاریابی دیجیتال، هوش مصنوعی و امور مالی دریافت کنند که هم از سوی کارفرمایان و هم از سوی دانشگاه‌های دنیا شناخته شده و ارزش گذاری شده‌اند. این گواهینامه‌ها، فراگیران را به مهارت‌های موردنیاز مجهز کرده و آنها را برای مسیر شغلی موردنظر خود آماده می‌کنند. این پلتفرم با بیش از ۲۰۰ دانشگاه و سازمان معتبر مانند دانشگاه استنفورد، جانز هاپکینز، گوگل، IBM و دانشگاه کلرادو همکاری و مشارکت می‌کند. این پلتفرم معروف ویژگی‌هایی را برای توسعه یادگیری ارائه می‌دهد. از جنبه‌های برجسته آن می‌توان به تعهد این پلتفرم برای توسعه اشتغال در فراگیران اشاره کرد. در قالب دوره‌های این پلتفرم، منابعی برای ایجاد مهارت‌های موردنیاز به‌منظور مشاغل سطح IT، تجزیه و تحلیل و ارزیابی شفاف مهارتی ارائه می‌شود و در نهایت به موفقیت فراگیران در مشاغل موردعلاقه آنها می‌انجامد. مدارکی که فراگیران از سوی کورسرا دریافت می‌کنند قانونی بوده و این مزیت بزرگی در بازار کار برایشان به‌شمار می‌رود. این پلتفرم دارای یک داشبورد مرکزی است که به فراگیر اجازه می‌دهد روند پیشرفت خود را پیگیری کرده و مهارت‌های خود را با دیگران مقایسه کنند.

درآمد ۸۷ میلیون دلاری «اجوکی‌تیو» با ارائه ۵۰۰ دوره

پلتفرم «اجوکی‌تیو» Educative به‌عنوان یک پلتفرم پیش‌رو در یادگیری الکترونیکی است که به دلیل دوره‌های عملیاتی و مبتنی بر پروژه‌ای که توسعه مهارت‌های فناوری مورد تقاضا را در اولویت قرار می‌دهند، شهرت دارد و عملکردی بسیار تحسین‌برانگیز داشته است. با گسترش سریع کاربران به بیش از ۵۰۰ هزار فراگیر، این پلتفرم یکی از مقاصد قابل اعتماد برای آموزش آنلاین به‌شمار می‌رود که شامل ارائه یک انتخاب از بیش از ۵۰۰ دوره در زمینه‌های مختلف مانند توسعه وب، مهندسی نرم‌افزار، یادگیری ماشینی و علم داده می‌شود. از جمله ویژگی‌های استاندارد این پلتفرم می‌توان به محیط‌های گنگذاری تعاملی آن اشاره کرد که محیطی بدون دردرس برای تمرین کدنویسی در اختیار فراگیران قرار می‌دهد. با حذف نیاز به نصب نرم‌افزار، این ویژگی منحصربه‌فرد، یادگیری را ساده‌تر کرده و فراگیران را قادر می‌سازد تا صرفاً بر تقویت توانایی‌های کدنویسی خود تمرکز کنند. در واقع، پلتفرم اجوکی‌تیو تجربه یادگیری الکترونیکی جامع و تعاملی را ارائه می‌دهد که پاسخگوی نیاز فراگیرانی است که به دنبال افزایش مهارت‌های فنی خود هستند. این پلتفرم در حال حاضر بیش از یک میلیون کاربر دارد که از آن استفاده می‌کنند و در جدیدترین آمار ارائه شده از میزان درآمد این شرکت، حدود ۸۷ میلیون دلار درآمد کسب کرده است. آنچه این پلتفرم را متمایز می‌کند، رویکرد تعاملی آن برای یادگیری است. این فراتر از یک تئوری صرف است و به فراگیران قدرت می‌دهد تا دانش به‌دست‌آورده را در سناریوهای دنیای واقعی به کار ببرند. آنها با درگیر شدن در مفاهیم این

پلتفرم ۳۱ میلیون نفری یادگیری الکترونیکی

«پلورال سایت» Pluralsight یک پلتفرم یادگیری الکترونیکی با تأیید جامع است که از فناوری برای ارائه یک مسیر یادگیری شخصی، موثر و جذاب برای فراگیران استفاده می‌کند. پلورال سایت در واقع یک پلتفرم یادگیری آنلاین به حساب می‌آید که دوره‌های ارزیابی‌هایی را در زمینه‌های مختلفی چون توسعه نرم‌افزار، عملیات‌های IT، علوم داده و امنیت سایبری ارائه می‌دهد. این پلتفرم برای کمک به افراد و کسب‌وکارهای مختلف برای توسعه مهارت‌های فناوریانه و به‌روز ماندن آنها همزمان با پیشرفت فناوری‌ها در صنعت طراحی شده با بیش از ۷ هزار دوره آموزشی که موضوعات مختلف مرتبط با فناوری را پوشش می‌دهد و توسط بیش از ۲۱ میلیون فراگیر در سراسر جهان مشاهده شده است. علاوه بر این، این پلتفرم در سال گذشته بیش از ۱۵۰۰ مبربی خیره در صنعت به‌طور حرفه‌ای و با تجربه بالای خود، با ۱٫۷ میلیون ساعت آموزش، باعث رشد بیش از صد درصدی در بحث ارزیابی مهارت‌ها شده است. این پلتفرم طیف متنوعی از دوره‌های صدور گواهینامه میکروسافت را ارائه می‌دهد که موضوعات ضروری مانند حسابات ابری، مدیریت داده‌ها، نرم‌افزار، عملیات IT و امنیت سایبری را در برمی‌گیرد. این دوره‌ها به‌طور خاص برای تجهیز فراگیران به مهارت‌ها و دانش لازم برای برتری در آزمون‌های خاص طراحی شده‌اند. این پلتفرم طیف وسیعی از ویژگی‌ها مانند اندازه‌گیری مهارت‌های تطبیقی، مسیرهای یادگیری شخصی‌سازی شده و آزمایشگاه‌های تعاملی را ارائه می‌دهد که کسب و به‌کارگیری مهارت‌های جدید را برای فراگیران آسان‌تر می‌کند. این شرکت در سال ۲۰۰۴ تأسیس شد و از آن زمان به یک پلتفرم مهارت‌های فناوری‌های پیش‌رو تبدیل شده است که به

۱۰۰ میلیون دلار درآمد با ۱۷ میلیون دانشجوی آنلاین

حقوق قابل توجهی از ۱۰ تا ۳۸ درصد را تجربه کرده‌اند که نشان‌دهنده تاثیر ملموس آموزه‌های این پلتفرم بر رشد و موفقیت حرفه‌ای آنهاست. این شرکت گواهینامه‌های معتبری را برای پیشرفت شغلی فراگیران در زمینه فناوری و زمینه‌های مرتبط ارائه می‌دهد. این گواهینامه‌ها که شامل گواهی‌های دوره، گواهینامه‌های برنامه‌نویسی و گواهینامه‌های معتبر صنعتی می‌شود از ارزش بالایی برای افرادی برخوردار است که به دنبال ارتقای مهارت‌ها و پیشرفت در حوزه‌های کاری هستند. تمرکز دوره‌های این پلتفرم روی مهارت‌های کاربردی و موردتقاضای بازار کار است و فراگیران با گذراندن این دوره‌ها در این مهارت‌ها تخصص لازم را پیدا می‌کنند که در نهایت آنها را به سمت نیاز فناوریانه جامعه و صنایع مرتبط سوق می‌دهد. دوره‌های این پلتفرم در حوزه‌های علوم کامپیوتر، علوم داده، کسب‌وکار و هوش مصنوعی و در همکاری با دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی مختلف دنیا

۱۰۰ میلیون دلار درآمد با ۱۷ میلیون دانشجوی آنلاین

«یوداسیتی» Udacity یک پلتفرم شناخته‌شده و معروف بین موسسات و سازمان‌های مختلف دنیا است که ۱۴ میلیون فراگیر را در جامعه جهانی به خود جذب کرده است. اینکه طبق آمار، حدود ۷۹ درصد از فراگیران دوره‌های این پلتفرم را به انتها می‌رسانند، نشان‌دهنده ارزش بالای آن بین فراگیران است. این دوره‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که جذاب، مرتبط و سودمند بوده و تضمین‌کننده آن است که آنها می‌توانند مهارت‌های عملی مورد تقاضا در بازار کار را کسب کنند. مشارکت یوداسیتی با شرکت‌های معتبر فناوری مانند گوگل، IBM، سیسکو، آمازون و سایر شرکت‌ها، اعتبار این پلتفرم را بیشتر هم کرده است. این همکاری‌ها به دانشجویان و متخصصان اجازه دسترسی به جدیدترین فرآیندهای صنعتی و مهارت‌های عملی را می‌دهد که در بخش‌های فناوری و کسب‌وکار بسیار مورد توجه هستند. برنامه‌های نانومقیاس این پلتفرم به‌عنوان یکی از دوره‌های معتبر از سوی کارفرمایان به رسمیت شناخته شده است. فارغ‌التحصیلان این دوره‌ها، با توجه به اعتباری که مدرک اعطاشده از سوی شرکت یوداسیتی دارد، افزایش



پلیس آلبانی در کمتر از ۱۰ روز برای دومین بار وارد اردوگاه منافقین شد

ناگفته‌های عملیات تیرانا



فرهیختگان پلیس آلبانی پنجشنبه هشتم تیر برای دومین بار به سراغ پایگاه گروهک تروریستی منافقین (اشرف ۳) در حومه تیرانا رفت. براساس گزارش‌ها که روزنامه آلبانی دیلی نیوز به نقل از رسانه‌های محلی نوشته، پلیس تمامی خودروهای خروجی از این اردوگاه را کنترل می‌کند. در این خبر به دلیل اقدام پلیس آلبانی اشاره نشده اما منابع خبری یورونیوز در آلبانی گفته‌اند نیروهای پلیس این کشور از عصر چهارشنبه ۷ تیر در اردوگاه اشرف ۳ مستقر شده‌اند و تمامی خودروهای ورودی و خروجی را بازرسی می‌کنند. منابع این رسانه می‌گویند بازرسی‌های پلیس با هدف جلوگیری از ورود تجهیزات رایانه‌ای به اردوگاه اشرف ۳ انجام می‌شود تا از ادامه فعالیت سایبری توسط اعضای این گروه مخالف حکومت ایران جلوگیری شود. مقام‌های پلیس آلبانی دلیل حضور نیروهای تحت امرشان در جلوی دروازه ورودی اردوگاه سازمان مجاهدین را افزایش تدابیر امنیتی در این اردوگاه اعلام کردند. این دومین باری است که پلیس آلبانی به سراغ این گروهک تروریستی می‌رود. حدود ۹ روز پیش، در سی ام خردادماه یعنی سالروز تغییر فاز گروهک منافقین به نظامی پلیس با حکم دادگاه برای بازرسی وارد اردوگاه اشرف ۳ شد. برخلاف دفاعیات پیشین، این بار پلیس با هدف مشخصی وارد اردوگاه شده بود تا ضمن بازرسی سرورهای مخصوص عملیات سایبری منافقین را جمع‌آوری کند. مخالفت و ممانعت منافقین برای بازرسی از این ساختمان منجر به درگیری می‌شود و پلیس برای متفرق کردن منافقین از اسپری اشک‌آور استفاده می‌کند. خیرگزاری تسنیم دلیل حضور مجدد پلیس در این اردوگاه را بازرسی بیشتر خوانده است. به نوشته تسنیم، پلیس آلبانی پس از بررسی و گزارش مشترک اطلاعات موجود در سرورهای به دست آمده از مقر منافقین، دریافته است که برخی اطلاعات مهم دیگر توسط این گروهک مخفی شده‌است، به همین دلیل صبح روز پنجشنبه مجدداً برای بازرسی بیشتر وارد اردوگاه اشرف ۳ شده و در بررسی‌های مجدد اطلاعات بیشتری به دست پلیس آلبانی افتاده است. اینکه چه شد که پلیس آلبانی به سراغ منافقین و ساختمان عملیات سایبری آن رفت و مهم‌تر از آن اینکه چرا آنها روز سی ام خرداد از برای عملیات برگزیدند پرسش‌هایی است که خبرنگار «فرهیختگان» نواست به بخشی از پاسخ آن دست پیدا کند.

هزینه عملیات سایبری

با انتقال گروهک تروریستی منافقین از عراق به آلبانی و عدم دسترسی‌های سابق، با آموزش‌های سرویس‌های اطلاعاتی غربی این گروهک اقدام به ایجاد یگان سایبری برای عملیات علیه تهران کرد. اگرچه این یگان در ابتدا در شبکه‌های اجتماعی فعال بود اما به مرور با آموزش سرویس‌های امنیتی غربی و تهیه پیشرفته‌ترین تجهیزات و سرورهای برای این گروهک، پروژه حمله به زیرساخت‌های حیاتی ایران در دستور کار این گروهک قرار گرفت. با پشتیبانی از منافقین، کشورها از تبعات حملات سایبری به زیرساخت‌های ایران نیز در امان بودند چراکه به جای دولت واحد عملیات‌کننده یک گروهک تروریستی بود و این گروهک عملاً زیرساختی نداشت که تهران بتواند اقدام مقابله‌مطلب کند. به دنبال حمله سایبری در آبان سال ۱۴۰۰ به جایگاه‌های مهم‌ترین در ایران که منجر به اختلالات جدی در روند سوخت‌گیری در سراسر کشور شد منافقین و سرویس‌های امنیتی حامی آنها در سال ۱۴۰۱ سرمایه‌گذاری بیشتری روی این اقدامات انجام دادند و بیش از ۸ هزار و ۳۲۱ بار به شبکه زیرساختی کشور حمله سایبری کردند. نهاد‌های امنیتی آماري از اینکه مشتاق این حملات کدام کشور بوده و چه میزان از این حملات توسط منافقین انجام گرفته، ارائه نداده‌اند اما گفته می‌شود هک سایت شهرداری تهران، وزارت خارجه، وزارت آموزش و پرورش و... توسط این گروهک انجام شده است. به گفته منابع آلبانیایی در جریان بازرسی سی ام خردادماه از اردوگاه منافقین، آنها سرورهای را در داخل این اردوگاه کشف کردند که از طریق آنها برخی موسسات خارجی هک شده‌اند.

هدف آلبانی در میزبانی از گروهک منافقین، کسب اعتبار و جایگاهی

بین‌المللی در منطقه با کمک از طریق همراهی با سیاست‌های آمریکا بود. این کشور ضمن تقویت نقش خود در منطقه و روابط بین‌الملل و موقعیتش در قبال آمریکا و متحدان غربی، از کمک‌های مالی میلیونی آمریکا و سازمان ملل و برخی کشورهای عرب نیز برخوردار شد. برای مقامات آلبانی پذیرش منافقین یک بازی دو سر برد بود و در این بین زیرساخت‌های ایران بود که یک‌به‌یک زیر حملات گسترده سایبری از آلبانی قرار می‌گرفت و هیچ کشور و دولتی نیز در برابر آن پاسخگو نبود. کمتر از یک سال پس از حمله سایبری به مهم‌ترین‌های ایران در تیر و شهریور ۱۴۰۱ دو حمله بسیار سنگین سایبری بخشی از زیرساخت‌های آلبانی را از کار انداخت. در یکی از این حملات به‌طور موقت تمام سیستم‌ها از جمله سامانه جامع مدیریت اطلاعات که ورود و خروج در گذرگاه مرزی را ثبت می‌کند، تعطیل و در پی آن صف‌های طولانی که در گذرگاه مرزی این کشور تشکیل شد. با گذشت نزدیک به یک سال پس از این حمله هنوز بخشی از شبکه خدمات‌رسانی آلبانی نتوانسته به چرخه خدمات‌رسانی بازگردد. آلبانی ایران را به این عملیات سایبری متهم و به دنبال آن به قطع رابطه سیاسی با تهران اقدام کرده اما ایران همواره این اتهامات را رد کرده و جمهوری اسلامی را بخش مهمی از تلاش‌های مسئولانه بین‌المللی در مقابله با تهدید حملات سایبری خوانده است. هنوز منشأ حملات سایبری به آلبانی مشخص نشده است اما دو حمله بی‌دری آن هم در بازه‌ای دوماهه، تیرانا را متوجه ضعف اساسی در زیرساخت‌هایش کرده است. احتمالاً پس از این ضربه در مذاکرات، مقامات آلبانیایی متوجه شدند که اگر جلوی اقدامات سایبری گروهک تروریستی منافقین را نگیرند عواقب سختی در انتظارشان است و ایران مجاز به اقدام متقابل با هدف حمایت از خود، واداشتن دولت مسئول به پیروی از تعهداتش و جبران خسارت دولت زیان دیده است. پس از حملات سایبری به آلبانی و قطع روابط دیپلماتیک تهران و تیرانا به نظر می‌رسد دو طرف مذاکرات محرمانه‌ای در این باره داشته‌اند که خروجی آن منجر به جمع‌آوری سرورهای یگان سایبری منافقین شده است. علاوه بر این با توجه به اینکه آلبانی بدون چراج سبب ایالات متحده امکان اقدام علیه این گروهک را نداشته، احتمالاً در قالب مذاکراتی که منجر به آزادی چند زندانی از دو طرف شده است طرف غربی همچون سابق این گروهک را معامله کرده باشد. حمایت دولت بایدن از حق آلبانی برای تحقیق درباره احتمال فعالیت غیرقانونی در خاک این کشور نیز در همین چهارچوب قابل ارزیابی است. با توافقات قبلی پلیس آلبانی

در سرورها چه اطلاعاتی وجود دارد؟

یکی از میانداناران ناآرامی‌های سال گذشته، گروهک تروریستی منافقین بود. از طریق این سرورها که به احتمال زیاد بررسی آنها با حضور کارشناسان ایرانی خواهد بود و حتی این احتمال وجود دارد که آنها به ایران انتقال داده شوند، سرشبه‌ها و اعضای مرتبط با این گروهک در داخل کشور نیز مشخص می‌شوند. این افراد که عمدتاً از طریق شبکه‌های اجتماعی به دام منافقین افتاده‌اند و در ازای همکاری با این گروهک، مبالغ قابل توجهی نیز به دست آورده‌اند، دست به اقدامات تروریستی و خرابکارانه در کشور زدند. سال گذشته این گروهک کانون‌های شورشی را در سرتاسر کشور سامان داد که اعضای آن وظیفه دامن زدن به التهابات در کشور را برعهده داشتند. تصاویر پهپادهای پلیس آلبانی از مقر منافقین نشان می‌داد که اعضای این گروهک برخی اسناد را پیش از آنکه به دست پلیس برسد، به آتش کشیدند و برخی نیز با ایجاد سپر انسانی ۳۰۰ نفره، مانع بازرسی چند ساختمان مهم این گروهک تروریستی شدند. دسترسی به اطلاعات در درون آن ساختمان‌ها بسیاری از گره‌ها درباره این گروه جنایتکار را باز خواهد کرد.

پایان مدارا

روز سی ام خرداد که احتمالاً انتخاب این روز به پیشنهاد طرف ایرانی بوده است به مقر منافقین مراجعه می‌کند. این بازرسی اگرچه مسبق بوده سابقه بوده است اما برخلاف دفعات پیشین که کادر منافقین آشپزخانه و سالن غذاخوری و مکان‌هایی در این سطح از اهمیت را به پلیس نشان می‌دادند پلیس آلبانی دست روی ساختمان یگان سایبری منافقین می‌گذارد و مصرانه خواستار بازرسی از این مکان می‌شود. این درخواست با مخالفت کادر رهبری منافقین مواجه می‌شود و آنها به اعضا دستور ایجاد سپر انسانی در مقابل ساختمان را می‌دهند و همین موضوع نیز منجر به درگیری طرفین می‌شود که در جریان آن منافقین به بیش از ۱۵۰ خودروی پلیس خسارت وارد می‌کنند و پلیس نیز ۷۰ منافع را دستگیر و ۴۶ نفر را زخمی کرده و یک نفر را به هلاکت می‌رساند. با وجود این درگیری‌ها، پلیس تمام کامپیوترها و سرورهایی که در ساختمان سایبری منافقین قرار داشته را جمع‌آوری کرده و به خارج از اردوگاه منتقل می‌کند. از محتویات این سرورها و کامپیوترها اطلاعاتی در دست نیست اما منابع غیررسمی می‌گویند اطلاعات بسیار ارزشمندی در این سرورها و کامپیوترها ذخیره شده است که یکی از آنها می‌تواند افراد مرتبط با این گروهک در ایران باشد.

چه اتفاقی باید بیفتد؟

براساس آنچه نجات‌یافتگان از اردوگاه اشرف می‌گویند، اگر اعضای این گروهک حق انتخاب داشته باشند، حاضر به ادامه زندگی به شکل کنونی نیستند. آنها تحت‌تأثیر عملیات روانی منافقین، گمان می‌کنند در صورت خروج از اردوگاه و بازگشت به ایران به‌طور حتم اعدام خواهند شد. اگر آنها در جریان عفو سایر اعضای این شبکه قرار گیرند خواهان بازگشت به ایران هستند. تهران اگرچه خواهان استرداد رهبران ایران گروهک به جرم اقدامات تروریستی است اما خواستار حق انتخاب سایر اعضا برای ادامه زندگی است. به‌طور حتم پایان دادن به حضور منافقین به صورت یک تشکیلات در آلبانی مهم‌ترین برنامه‌های است که ایران آن را دنبال می‌کند. اما کثرت آن ایران مصرانه خواهان بررسی پرونده فردی اعضای منافقین برای اعطای کیس پناهندگی به آنهاست. به عبارت ساده‌تر، اعضای این شبکه باید اجازه داشته باشند بدون حضور نماینده منافقین با نماینده کمیساری سازمان ملل در امور پناهندگان گفت‌وگو کنند تا مشخص شود چند درصد اعضای این گروهک، حاضر به ادامه زندگی با سازمان هستند. پیش از این کمیساری سازمان ملل در آلبانی دارای یک دفتر بود اما با فشار آمریکا این دفتر تعطیل شد تا منافقین پس از فرار از اشرف سرگردان شوند. براساس اظهارات افراد جده‌اش از سازمان در صورت چنین اقدامی گروهک منافقین دچار فروپاشی خواهد شد.

دومین موضوعی که باید آلبانی درباره آن تصمیم بگیرد اجازه رفت‌وآمد به درون اردوگاه اشرف مثل بقیه اماکن موجود در آلبانی است. با برداشته شدن دیوارهای بلند که از اردوگاه اشرف یک پادگان مخوف نظامی ساخته است و ارتباط اعضا با مردم این گروهک شانس برای بقا ندارد.

سومین موضوع نیز پایان دادن به دسترسی خاص این گروهک است تا آنها دیگر مجال اقدام سایبری و تروریستی علیه مردم کشورمان رانداشته باشند.

چهارمین موضوع اما مرتبط با خانواده این افراد است. صبح روز گذشته بسیاری از خانواده‌های اعضای گرفتار در فرقه منافقین، برای قدرانی از اقدام دولت آلبانی در مقابل سفارت ترکیه به‌عنوان دفتر حافظ منافع کشور آلبانی در تهران تجمع کردند. انجمن نجات خانواده‌های اعضای گرفتار در فرقه تروریستی منافقین خواسته‌های خود از جمله آزادی عزیزان‌شان از بند سران گروهک تروریستی منافقین و نیز اجازه سفر به آلبانی برای دیدار با عزیزان‌شان را بعد از حدود چهار و چند سال مطرح کردند. خانواده این افراد می‌خواهند با فرزندان‌شان دیدار و گفت‌وگو کنند و به آنها اطمینان بدهند در صورت بازگشت اتفاقی بدتر از زندگی در اشرف برایشان نخواهد افتاد. با وجود این درخواست حقوق بشری تا به امروز خانواده این افراد نتوانسته‌اند با عزیزان‌شان صحبت کنند.



افزایش هزینه‌های مربوط به سلطنت در انگلیس



طبق گزارش سالانه کاخ سلطنتی انگلیس هزینه‌های مربوط به سلطنت در این کشور برای دومین سال متوالی افزایش یافته است. به گزارش تسنیم، طبق گزارش سالانه کاخ سلطنتی انگلیس مخارج خالص در سال مالی ۲۳-۲۰۲۲ یا ۵٫۱ میلیارد پوند یا ۵ درصد افزایش به ۱۰۷٫۵ میلیون پوند رسید. مشاوران سلطنتی یکی از این دلایل افزایش را تغییر تاج و تخت پس از مرگ ملکه الیزابت دوم در ماه سپتامبر دانستند. علاوه بر این به گفته آنها تورم و هزینه‌های مداوم بازرسی چندساله کاخ با کینگ‌هام باعث افزایش هزینه‌ها می‌شود. هزینه‌های اضافی توسط ذخایر در نظر گرفته شده تأمین می‌شود. از آنجا که افزایش هزینه‌های زندگی مردم بریتانیا به گسترش نارضایتی‌ها در این کشور دامن زده است، برخی از بریتانیایی‌ها از خانواده سلطنتی به دلیل سازماندهی مراسم پرهزینه تاج‌گذاری چارلز سوم انتقاد کرده‌اند.

پنتاگون موشک دوربرد به اوکراین نمی‌دهد



در واکنش به گزارش وال اس‌تریت ژورنال مبنی بر اینکه چیزی تا فروش موشک‌های دوربرد آمریکا به اوکراین نمانده، پنتاگون گفت از هیچ تصمیم نهایی برای فروش موشک‌های دوربرد به کی‌یف اطلاع ندارد. به گزارش ایستا، مدت‌هاست کی‌یف به دنبال دستیابی به موشک‌های دوربرد آمریکایی سامانه موشکی تاکتیکی ارتش است که به اختصار ATACMS نام گرفته. کی‌یف مدعی است این موشک‌ها به نیروهای مسلح اوکراین کمک می‌کنند تا نیروهای روسیه را از کیلومترها عقب‌تر از خطوط مقدم هدف قرار دهند. اما این نگرانی در غرب وجود دارد که اوکراین از این موشک‌ها برای حمله به خاک روسیه استفاده کرده و غرب را در تقابل مستقیم با مسکو قرار دهد. ژنرال پاتریک رایدنر، سخنگوی پنتاگون گفت: «درباره این موشک‌ها چیزی برای گفتن ندارم و به هیچ‌وجه از تصمیمی جدی برای فروش این موشک‌ها به اوکراین آگاه نیستیم.»

العالمی: ایران نقش بزرگی در حفظ عراق داشت



رئیس ائتلاف الفتح عراق گفت که جمهوری اسلامی ایران نقش بزرگی در حفظ عراق در جریان یورش تروریست‌های داعش داشت. به گزارش فارس، هادی العامری در سخنانی در جمع عشاير منطقه سیددخیل در استان ذی‌قار گفت: «برخی هم‌زمان با یورش تروریست‌های داعش کار عراق را یک‌سره می‌دانستند اما فتوای مرجعیت دینی این توطئه را خنثی کرد.» وی افزود: «به فضل فتوایی که منجر به تشکیل الحشد الشعبی شد، فرقه‌گرایی و طائفی‌گری از میان رفت و هماهنگی خوبی میان همه نیروهای مسلح عراق پدید آمد.» دبیرکل سازمان بدر عراق همچنین به نقش جمهوری اسلامی ایران در این کارزار اشاره کرد و گفت: «جمهوری اسلامی نقش بزرگی در حفاظت از عراق داشت و خون‌های پاکي را فدا کرد که در رأس این فداکاران‌ها شهید حاج قاسم سلیمانی قرار دارد.»

درخواست ترامپ از بایدن برای توقف جنگ اوکراین



رئیس‌جمهور سابق آمریکا گفت وقت آن رسیده است که واشنگتن با میانجیگری بین روسیه و چین به برقراری صلح در اوکراین کمک کند. به گزارش فارس، دونالد ترامپ در یک مصاحبه با روتیزر با طرح این ادعا که قدرت ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در پی شورش ناکام اخیر واگنر تضعیف شده است، در این خصوص گفت: «من خواهان توقف کشتار به‌خاطر این جنگ مسخره‌هستم.» رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده در ادامه این قضیه را منتفی ندانست که دولت کی‌یف مجبور به واگذاری برخی از قلمروهای اوکراین به روسیه شود تا در نهایت جنگ در اوکراین متوقف شود. ترامپ بار دیگر از عملکرد خود به‌عنوان رئیس‌جمهور سابق آمریکا انتقاد کرد و گفت اگر همچنان رئیس‌جمهور آمریکا بود، درخصوص همه چیز مذاکره صورت می‌گرفت. ترامپ ادامه داد: «شما به میانجی‌دستی یا مذاکره کننده درستی نیاز دارید و ما درحال حاضر چنین کسی را نداریم.»



چه کسانی از نرخ گذاری جدید خوراک پتروشیمی‌ها خبر داشتند؟

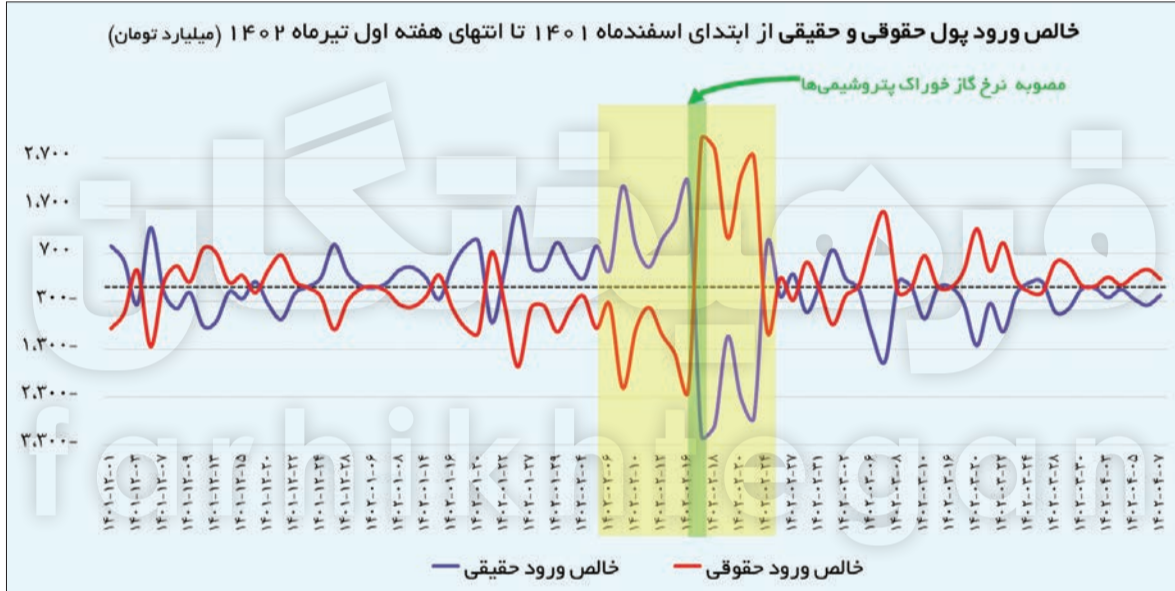
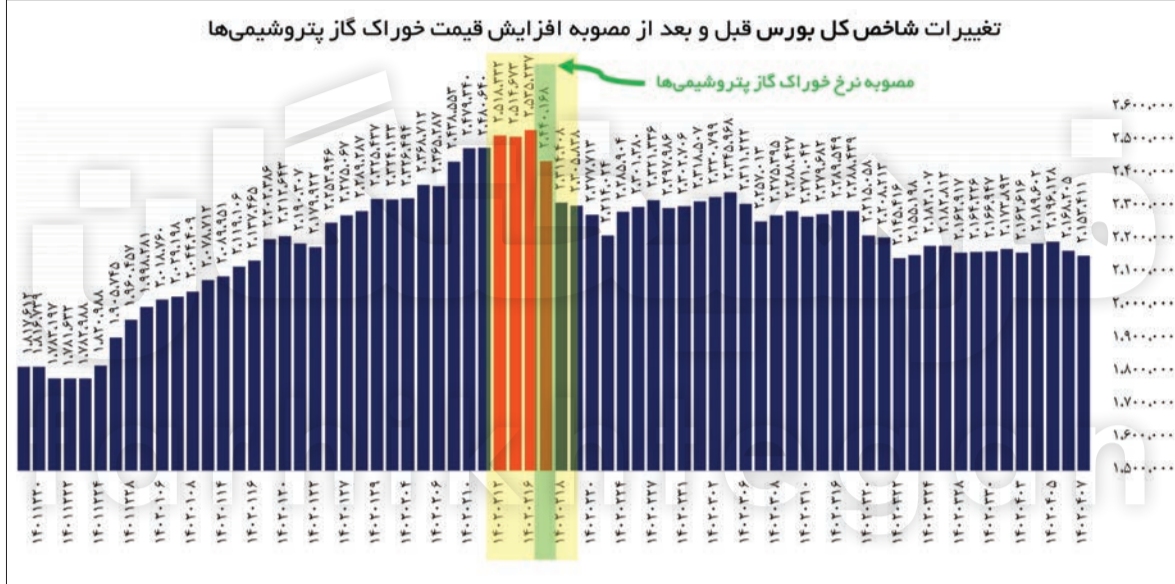
سرنخ ماجرای مشکوک ریزش شدید بورس

یکشنبه سیاه بورس

جدای از تأثیری که اعلام نرخ خوراک گاز پتروشیمی‌ها بر بازار سهام به‌خصوص بر نمادهای شیمیایی دارد، ناراحتی و دلخوری فعالان بازار مربوط به تاریخ ابلاغ و انتشار این نامه است. همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر شد، نرخ خوراک گاز پتروشیمی‌ها و سایر صنایع در سال ۱۴۰۲ در روز ۱۷ اردیبهشت در جلسه هیات وزیران تعیین و تصویب شد و این نامه پس از ۵۱ روز برای عموم انتشار یافت. روز ۱۷ اردیبهشت مصادف با ریزش ۱۲۵ هزار واحدی شاخص بازار سهام بود که وقوع چنین ریزشی در تاریخ بورس ایران بی‌سابقه بوده است و در همان زمان نیز بسیاری سازمان بورس، شرکت‌های حقوقی و بازارگردانان را متهم این ریزش می‌دانستند. در چنین وضعیتی انتشار این نامه و همخوانی تاریخ آن با ریزش بورس باعث شد این شائبه دوباره بر سر زبان‌ها قرار گیرد و در محافل نقل شود که بسیاری از افراد و شرکت‌ها از این رانت اطلاعاتی باخبر بوده و با علم بر این مصوبه در قسمت فروش سهام قرار گرفته‌اند. بررسی خالص ورود حقوقی و حقیقی نشان می‌دهد که در روزهای منتهی به تاریخ ۱۷ اردیبهشت خالص ورود حقوقی منفی بوده و سرمایه‌گذاران حقوقی از بازار خارج شده‌اند. خروج سرمایه‌گذاران حقوقی به منزله ورود سرمایه‌گذاران حقیقی است و در روزهای منتهی به ۱۷ اردیبهشت شاهد خالص ورود حقوقی مثبت به بازار سهام بوده‌ایم. به عبارت بهتر شواهد نشان می‌دهد که در تاریخ ۱۶ اردیبهشت، سرمایه‌گذاران حقوقی ۸ میلیارد و ۶۲۲ میلیون برگه سهام را فروش و ۴ میلیارد ۱۸ میلیون برگه سهام را خریداری کرده‌اند که این اعداد حاکی از آن است تغییر مالکیت از حقوقی به حقیقی در این روز معادل ۴ میلیارد و ۶۰۳ میلیون برگه سهام به ارزش ۲٫۱ هزار میلیارد تومان اتفاق افتاده است. اطلاعات و آمار نشان می‌دهد که تغییر مالکیت از حقوقی به حقیقی تنها در این روز رخ نداده و این روند از تاریخ ۱۱ اردیبهشت آغاز شده است. وجود چنین شواهد و آماری باعث می‌شود که نتوان به سادگی از وجود رانت اطلاعاتی موجود در بازار سهام عبور کرد و تطابق تاریخ انتشار نامه نرخ گاز خوراک با ریزش تاریخی شاخص بازار سهام و معاملات مشکوک اواسط اردیبهشت ماه گویای شائبه وجود رانت اطلاعاتی است و این موضوع را به ذهن می‌آورد که شاید برخی از سرمایه‌گذاران حقوقی با علم بر مصوبه تعیین نرخ خوراک پتروشیمی در اردیبهشت ماه در بازار سهام فعالیت کرده‌اند.

انکار وجود رانت از سوی وزیر اقتصاد

وجود شائبه رانت اطلاعاتی درحالی از سوی فعالان بازار سرمایه مطرح می‌شود که «سیداحسان خاندوزی»، وزیر امور اقتصادی و دارایی و سخنگوی اقتصادی دولت با رد این ادعا گفت: «این سوپرداشت ناشی از عدم دقت حوزه اداری دبیرخانه هیات دولت بود و اگرچه این موضوع در جلسه ۱۷ اردیبهشت هیات وزیران مطرح شد، اما تصویب نشد و برای بررسی و اعلام نظر کارشناسی به یک کارگروه و کمیته ارجاع شد. وی گفت: «کمیته و کارگروه مذکور اواخر خرداد ماه نتیجه بررسی‌ها را به هیات دولت اعلام کرد و در واقع زمان نهایی تصویب و ابلاغ مصوبه مذکور اواخر خرداد ماه بوده است و در جلسه ۱۷ اردیبهشت هیات دولت، هیچ تصمیم قطعی در این خصوص غیر از ارجاع امر به یک کارگروه و کمیته اتخاذ نشده بود.»



وزارتخانه‌های نفت، امور اقتصادی و دارایی، نیرو، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان هدفمندی یارانه‌ها و سازمان برنامه و بودجه کشور، نرخ خوراک مربوط به گاز پتروشیمی‌ها و سایر صنایع در سال ۱۴۰۲ را تعیین و تصویب کرده‌اند. براساس این نامه نرخ گاز خوراک پتروشیمی‌ها ۷ هزار تومان، گاز سوخت پتروشیمی، گاز سوخت پالایشگاه‌ها و خوراک احیا فولاد ۴ هزار تومان، گاز سوخت فلزات ۳ هزار تومان، گاز سوخت سیمان یک هزار تومان و سایر صنایع ۶۰۰ تومان به ازای هر متر مکعب در نظر گرفته شده است. همچنین برای تولیدکنندگان متانول نیز ۱۰ درصد تخفیف در نظر گرفته شده است. انتشار چنین نامه‌ای

موجب شد معاملات روز سه‌شنبه ۶ تیر ماه با افزایش فشار فروشندگان آغاز شود. در معاملات این روز شاخص بازار سهام ۲۷ هزار و ۹۲۳ واحد افت را تجربه کرد و تا سطح ۲ میلیون ۱۶۸ هزار واحد پایین آمد. شاخص هم‌وزن نیز در این روز افتی ۵ هزار و ۵۴۴ واحدی را پشت سر گذاشت تا در نهایت در رقم ۷۵۰ هزار و ۶۳۷ واحدی آرام بگیرد. کلیت بازار سهام در این روز با پیشرانی گروه پتروشیمی قرمز بود و انتشار این نامه که حاکی از نتیجه نهایی نرخ خوراک و سوخت پتروشیمی‌ها و صنایع است، باعث شد که نمادهای بزرگ گروه شیمیایی در صفوف فروش قرار گیرند و اثر آن نیز تا پایان بازار باقی بماند.

محتوای نامه مهم‌تر از حاشیه‌ها بود

و فضای پایدار و قابل پیش‌بینی کردن عملیات شرکت‌ها است تا هم خوراک خود را به نرخ منصفانه دریافت کنند و هم ترس از تصمیمات ناگهانی نداشته باشند.»

اصل اولیه بازار سرمایه شفافیت است

اما احسان همتی در بخش دیگری از صحبت‌های خود درخصوص نامه دولت و احتمال ایجاد فرصت برای برخی از مطلقان از تغییر نرخ اعتقاد دارد که قطعا این عدم اطلاع‌رسانی تصمیمات، موضوعی است که نمی‌توان آن را در نظر نگرفت اما در عین‌آنکه عدم انتشار افشای تصمیم اتخاذشده مساله منفی است، نیت تغییر نرخ هم جای بحث جدی دارد و چه‌بسا مهم‌تر از عدم افشای آن باشد. وی می‌گوید: «واقعیت آن است که به‌شخصه مساله اصلی را این موضوع نمی‌دانم. به نظر من اساسا موضوع این است که چرا در واقع دولت این تصمیم را گرفت. یعنی اگر بخواهیم به مساله اصلی بپردازیم خوب است که دیدگاه این تصمیم را واکاوی کنیم و به عبارتی به این سوال پاسخ دهیم که چرا دولت مجبور بود نرخ را تغییر دهد. این موضوع مهم‌تری است چون موضوع مطرح در مقطع کنونی در رسانه‌ها آن است که عده‌ای از این جریان خبر داشتند و عده‌ای دیگر خبر نداشتند که حرف درستی هم هست. چرا که وقتی می‌بینید تاریخ نامه مذکور با ریزش شاخص مطابقت دارد قابل کتمان نیست و عده‌ای از این نامه مطلع شده و سهام خود را فروختند. البته باید گفت علت اصلی ریزش بازار این موضوع نبوده اما افرادی که از وجود این نامه مطلع بودند حتما تصمیمات بهتری طی دو سه ماه اخیر گرفتند و این به جای خود درست. حتی به‌نوعی می‌توان گفت خوب شد این اصلاح اتفاق افتاد و روند یکسان رشد متوقف گردید چون وضعیت به شکلی شده که تمام سهام‌های بازار روند رو به رشدی داشتند و طبیعتا منطقی نبود. همچنین همتی درخصوص مسئله شفافیت افشا که با دبیرخانه هیات دولت بود یا با شرکت‌ها یا سازمان بورس معتقد است: نکته‌ای که در این موضوع باید بدان توجه داشت این است که آقای مخبر یا آقای خاندوزی که باید نامه را افشا می‌کردید، چرا نشد؟ یعنی اگر تصمیمی در رابطه با هر قسمت از بازار سرمایه می‌گیرید باید آن را افشا کنید و حرف درستی است. خوب در این زمان شرکت‌ها و سازمان بورس که می‌گویند به ما چیزی ابلاغ نشده و به جهت قانونی مسئولیتی گردن این دهنده چون چیزی اتفاق نیفتاده بوده ابلاغ نشده بود. کمابینکه پس از نامه ۱۷ اردیبهشت تلاش‌های زیادی برای اصلاح نرخ انجام گرفت اما منجر به این امر نشد و در نهایت انتهای خردادماه تصویب شد. به‌نظر بنده اهمیت موضوع در این حد است که هر اتفاق و تصمیمی ولو اینکه نهایی و مصوب نشده باشد باید انتشار یابد و افشا گردد کمابینکه آقای خاندوزی گفتند که نهایی نشده و به کارگروهی جهت بررسی بیشتر رفته که باید گفت اشکالی ندارد، حتی اگر تصویب نشده و به کارگروهی جهت بررسی بیشتر رفته باید اطلاع‌رسانی شود که قرار بر بررسی مجدد در کارگروه اقتصادی دارد و این نقد درستی است.»

احسان همتی، کارشناس بازار سرمایه در واکاوی نامه معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به این موضوع که باید به اصل نامه هم توجه شود و تصمیم تغییر نرخ خوراک مساله مهمی است که در این میان مورد غفلت قرار گرفته می‌گوید: «موضوع در این خصوص، خود نرخ است که آیا این نرخ، نرخ درستی است یا خیر؟ آیا اینکه خوراک را برای همه شرکت‌های پتروشیمی با یک نرخ محاسبه کنیم مساله قابل قبولی است یا نه؟ این یک بحث که به‌نظم موضوع مهمی است و جای پرداختن دارد. بحث دیگر آن است که اساسا چه محدودیت‌هایی الان برای دولت به وجود آمد که راه دررویی را برای کاهش این نرخ ندارد. اگر بخواهیم به صورت کلان به موضوع نگاه کنیم باید گفت که دولت با یک کسری بودجه‌ای مواجه است و آن مبنای محاسبه روی نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان جهت تثبیت نرخ مبنای محاسبه خوراک گاز و غیرگازی است. یعنی دولت خوراک مایع و سایر را به شرکت‌های پتروشیمی با این نرخ می‌فروشد و می‌خواهد که با این نرخ بفروشد. درحالی که این شرکت‌ها با محصولات خود را با دلار بالاتری می‌فروشند یا در بورس کالا رقابت می‌شود. به‌هرحال بازار نقش مهمی در تعیین نرخ محصولات دارد اما دولت آمد و نرخ مواد اولیه و خوراک را روی ۲۸۵۰۰ آورد. دقت کنید که خوراک گاز با خوراک غیرگاز متفاوت بوده و آن ۷ هزار تومانی که صحبت آن است خوراک گاز پتروشیمی‌ها و خوراکی که منظور بنده است خوراک مایع شرکت‌های پتروشیمی یا خوراک مایع است که دیگر ریالی نیست و فرمولی دارد و نرخ دلار در آن مهم است که آمدند گفتند براساس نرخ دلار ۲۸۵۰۰ محاسبه شود. در اینجا دولت با این تصمیم اشتباه حداقل ۱۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه (در تبصره ۱۴) برای خودش درست کرد. یعنی با این تصمیم (کاهش نرخ محاسباتی خوراک) ۱۰۰ هزار میلیارد تومان از منابع دولت کم شد و رانتی را به شرکت‌های پتروشیمی داد. خوب اینجا تصمیم غلطی گرفته شد و کسری بودجه مضاعفی برای خود ایجاد کرد و الان روی نرخ ۲۰۰۰ تومان خوراک گازی دیگر خیلی نمی‌تواند انتعافی داشته باشد و عملیاتی نتواند نرخ را تغییر دهد چون کسری‌ای که ایجاد کرده این اجازه را نمی‌دهد. خلاصه آنکه در این نرخ ۲۸۵۰۰ یک رانت واضحی وجود دارد. حتی پتروشیمی‌ها نیز قائل به اعطای رانت هستند ولی در انتها ممکن است چندماه دیگر دولت به شکل دیگری از آنان کسر کند؛ لذا منطق حکم می‌کند که این رانت را به پتروشیمی‌ها داده نشود. با این وضعیت کسری بودجه تبصره ۱۴، این سوال مطرح است چرا خوراکی که به پتروشیمی داده می‌شود با نرخ ۲۸۵۰۰ محاسبه می‌گردد. به عبارت دیگر دولت نرخ خوراک را یک دلار می‌دهد اما به نرخ هر دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ و در زمان فروش هم مثلا به نرخ ۱٫۵ دلار به فروش می‌رود اما دیگر نرخ دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ نیست و ۳۹ هزار تومان است که نشان دهنده رانت اعطایی در این مسیر بوده است. همان‌گونه که گفته شد به سبب کسری بودجه ایجادشده دولت ممکن است در انتها به شیوه دیگری که غیرقابل پیش‌بینی است مثلا با مالیات بیشتر یا انتشار اوراق بخواهد این کسری را کمتر کند؛ حال آنکه راه‌حل در عدم اعطای رانت

سهامداران را کلافه نکند

داشت که این موضوع تصویب نشده و به کارگروه رفته است اما به این موضوع نیز می‌توان انتقاد داشت که اگر تصویب نشده بود و به کارگروه هم می‌رفت باید شفاف می‌شد، همان‌طور که شرکت‌های پتروشیمی و سازمان بورس هم از عدم اطلاع خود در این خصوص خبر می‌شود. در رابطه با این موضوع اعصاری اعتقاد دارد: «متأسفانه انتقادی که تمام فعالان بازار سرمایه دارند، این است که مثلا صداوسیما در جلسات هیات دولت نماینده دارد اما رئیس سازمان حضور ندارد و این نشان از عدم شناخت نسبت به حساسیت این بازار است. بازار سرمایه به‌واسطه نقد شوندگی بالا و حساسیت‌هایی که دارد خیلی سریع از اخبار تاثیر می‌گیرد و مثل طلا، دلار و مسکن نیست که زمان ببرد و با کوچک‌ترین اخبار حتی فیک تاثیر بگیرند. وی ادامه می‌دهد داستان از جایی شروع می‌شود که عده‌ای از این اخبار استفاده کردند و بعد از دوامه این اخبار منتشر می‌شود. سازمان بورس اگر از این اخبار اطلاع ندارد، اظهارنظر رئیس سازمان عجیب است؛ چرا که اعتقاد دارد سهامداران سود را شناسایی کرده‌اند و ذخیره سود را انجام داده‌اند. این اظهارات از رئیس سازمان واقعا عجیب است!

راهکار نهایی شفافیت است

متأسفانه اختیارات ریاست سازمان بورس در حد حجم مینا و دامنه نوسان خلاصه می‌شود، به‌نظر بنده بخشی از مشکل، از اختیارات رئیس سازمان است. رئیس سازمان بورس در ایران حتی در نهادها و جلسات رسمی کسری ندارد تا حداقل از اخبار مستند و جدید مطلع باشد؛ چرا که اخبار بازار سرمایه‌داری بیشترین حساسیت را نسبت به اخبار دارد و یکی از اصول کارایی بازار، کارایی اطلاعاتی است و شفافیت در این مسیر نقش بزرگی دارد. اگر حتی رئیس سازمان قدرت و اختیاراتی در این خصوص ندارد، حداقل می‌تواند شفاف باشد، چنانکه اگر در اردیبهشت می‌گوید سهامداران ذخیره سود کرده‌اند، ادعایش باید مستند باشد. این موضوعات جزء مواردی هستند که نه‌تنها مساله را حل نمی‌کنند، بلکه بعد از چندماه فقط بی‌اعتمادی را تبدیل به کلافگی سهامداران می‌کنند و بازار را هم که می‌بینید در مقایسه با سایر بازارها نه‌تنها رشد نکرده، بلکه دچار ریزش شده است.

پاسخ وزیر اقتصاد قانع‌کننده نیست

اگرچه وزیر اقتصاد درخصوص نامه تغییر نرخ خوراک اظهار

بلا تکلیفی تم دیدی ها یحیی را شاکی کرد

شروع تمرین پرسپولیس تحت تاثیر طلب بازیکنان

شماره مسلسل ۴۶۳۸
شبهه ۱۰ تیر ۱۴۰۲
۱۲ ذیحجه ۱۴۴۴
اول جولای ۲۰۲۳
شماره ۳۹۰۰

فرهنگستان ورزشی

| Sat | 1 Jul 2023 | vol.15 |
No. 3900 | 16 Pages

پس از درخواست افزایش ۱۰۰ درصدی دستمزد
دستیاران ایرانی گل محمدی
رفتگی می شوند؟

گزارش «فرهنگستان» از وضعیت نماینده رفسنجان در نقل و انتقالات
بمب همی ها برای ساکت



سرمربی آبی ها به هواداران مضروب هدیه داد

دلجویی معنادار نکو



جان نثار گیت

مدیریت استقلال یکی از تراژیک ترین دورانها را می گذراند تا جایی که منتقدان مدیر توسط او باش کتک خوردند
وزارت ورزش و سازمان خصوصی سازی چرا اشتباه خودشان را اصلاح نمی کنند



مدیریت استقلال یکی از تراژیک ترین دوران‌ش را می‌گذراند تا جایی که منتقدان مدیر توسط او باش کتک خوردند وزارت ورزش و سازمان خصوصی سازی چرا اشتباه خودشان را اصلاح نمی کنند

جان نثار گیت

فرهنگستان نخستین تمرین استقلال با سرمربی جدید این تیم یعنی جواد نکونام، آبستن حواشی بزرگ و عجیب و غریبی بود. درجایی که عده‌ای از لیدرهای این باشگاه با افرادی شناخته‌شده، روی سکوهای کمپ مرحوم ناصر حجازی، با فحاشی به هواداران که علیه سرپرست مدیرعاملی باشگاه شعار می‌دادند، برخورد فیزیکی داشتند و فضای تمرین را به تشنج کشاندند. **جالب اینکه در همین خصوص، وزیر ورزش و جوانان با دستور به حراست وزارتخانه اعلام کرد: بدون مماشات با عوامل داخل و خارج از باشگاه استقلال که مسبب اتفاقات تاسف‌بار روز پنجشنبه بودند، برخورد کنید.**

||

آقای وزیر، اصلی ترین مسبب را بشناسید

وزارت ورزش و جوانان با ابراز تأسف از آنچه در جریان تمرین تیم استقلال رخ داد و با تاکید بر اینکه تکریم هواداران در ورزش از دستورات و تاکیدات همیشگی وزیر ورزش و جوانان بوده، در بیانیه‌ای که در آن به مسببان اصلی حادثه اشاره‌ای نشده بود، اعلام کرد: «با دستور صریح و موکد مقام عالی وزارت، حراست این وزارتخانه ماموریت دارد به‌طور دقیق و کارشناسی اتفاقات رخ داده و تأسف‌برانگیز در جریان تمرین دیروز (پنجشنبه) تیم استقلال را پیگیری کند. براساس این دستور، برخورد جدی با عوامل داخل باشگاه که مسبب اتفاقات بودند نیز باید انجام پذیرد و در این بین نباید هیچ‌گونه مماشاتی به دلیل سمت احتمالی مقرران این اتفاق در کار باشد. همچنین حراست وزارت ورزش و جوانان ماموریت دارد با همکاری دستگاه‌های ذی‌صلاح، عوامل خارجی که خارج از مجموعه باشگاه استقلال از دیگر مسببان برخورد زشت و زنده با هواداران بودند، شناسایی و نسبت به برخورد قانونی با آنها از طریق محاکم مربوطه اقدام کند.»

نکته قابل توجه اینکه وزارت ورزش درحالی چنین بیانیه پرطمراقی را صادر و تقصیرها را از گردن خود باز می‌کند که بدون شک مسبب اصلی این اتفاقات زشت و وقت‌انگیز همان‌هایی هستند که افراد را بدون داشتن کارنامه مدیریتی و بدون داشتن کمترین سودی در ابتدا به‌عنوان عضو هیات‌مدیره، سپس رئیس هیات‌مدیره و درنهایت هم به‌عنوان سرپرست مدیرعاملی انتخاب کرده و بدون درس از گذشته حال‌لام شنیده می‌شود قصد دارند این افراد را به‌عنوان مدیرعامل انتخاب کنند.

درست در همان روزهایی که برخی با نقشه از قبل تعیین شده خود را به‌عنوان جان نثار وزیر ورزش به‌صندلی مدیریتی استقلال نزدیک کردند و با مصاحبه‌هایی در مدح و سنای سجادی سعی کردند تا به لیست مدیران بی‌کفایت یک دهه اخیر اضافه شوند، می‌شد این پیش‌بینی را کرد که چه سرنوشتی در انتظار استقلال و هواداران مظلومش خواهد بود.

حالا هم بهتر است آقای وزیر که زمره‌های خداحافظی او با صندلی

وزارت به گوش می‌رسد کلاه خود را کمی بالاتر گذاشته و اتفاقات تمرین پنجشنبه‌ی عصر استقلال را که به نوعی دست‌پخت خودش محسوب می‌شود با نگاهی واقع‌بینانه به تماشا ننشسته و خودش کلاهش را قاضی کند که آیا ارادل معروف تهران بدون هماهنگی و دعوت راهی تمرین پرافتخارترین تیم ایران شدند یا از آنها خواسته شده تا برای پیشبرد برخی اهداف و حفاظت از برخی نفرت‌ها به کمپ ناصر حجازی بروند.

امسال جواد نکونام با یک اجماع تقریباً صددرصدی از بین هواداران و پیشکسوتان استقلالی به نیمکت استقلال رسیده اما اینکه چرا حالا همان‌هایی که به اکراه او را به‌عنوان سرمربی انتخاب کردند، اجازه نمی‌دهند او در همین ابتدای مسیر به‌درستی و با آرامش کار را پیش برده و از همان تمرین ابتدایی، فضا را متشنج می‌کنند، سوالی است که فعلاً آقای وزیر باید پاسخگوئی آن باشد. درنهایت هم مشخص شد جان‌نثاری که قبل از تمرین پسر خود را به در و دیوار زده بودند، بیشتر جان‌نثار صندلی و مدیران بالادستی هستند تا جان‌نثار پیراهن آبی و هواداران‌ش.

درخواست ارادل از لیدرها: حجت را تشویق کنید!

تمرین پنجشنبه‌ی عصر استقلال به‌عنوان نخستین تمرین این تیم در حالی برگزار شد که از حضور پرشور هواداران از یک سو و حضور پرشمار برخی افراد معلوم‌الحال از سوی دیگر، می‌شد این حدس را زد که چه اتفاقاتی در شرف رخ دادن است. اگر چه از همان ابتدا برخی سعی داشتند به‌صورت خودجوش علیه مدیران استقلال شعار بدهند اما با حضور نکونام و تیمش شعارها به سمت و سوی هواداری و تشویق سرمربی و بازیکنان کشیده شده و فضا تا حدودی تغییر کرد. در ادامه به طرز مشکوکی برخی لیدرها از دور هواداران کنار می‌روند، سکوها با شدت و حرارت زیادی علیه سرپرست مدیریتی این باشگاه مشغول شعار دادن شده و در همین زمان ارادل حاضر در تمرین با هدایت و حمایت برخی لیدرها به سمت سکوها حمله‌ور شده و با استفاده از زور سعی می‌کنند تا جلوی شعارها علیه کریمی را بگیرند که درنهایت و با کتک زدن چند هوادار، نکونام تمرین را نیمه‌کاره گذاشته و به احترام سکوها تمرین را تعطیل می‌کند.

در این بین یکی از لیدرها این‌طور تعریف می‌کند: «هانی گُرده در تماسی از ما خواست تا کریمی را تشویق کنیم و من به او گفتم بی خیال! همین که اجازه نمی‌دهیم علیه او شعار بدهند انگار او را تشویق کرده‌اند!»

قرابازده و وزیر استقلال را به این روز انداختند

این در حالی است که هواداران استقلال بعد از تمرین با گلایه در جمع خبرنگاران حاضر شده و از برخوردی که روی سکوها و در حین تمرین با آنها صورت گرفته ابراز تأسف می‌کنند. یکی می‌گوید با همین کارها استقلال را به یک تیم معمولی تبدیل کرده‌اند و دیگری اعتراض می‌کند که دوهزار

کیلومتر از جنوب کشور نیامده‌ایم تا روی سکوها کتک بخوریم. ای کاش هیچ‌وقت این صحنه‌ها را با چشم خود نمی‌دیدیم.

روی صحبت همه آنها با وزارت ورزش و حجت کریمی است و دسته‌جمعی اعتقاد دارند این دو طیف به همراه سازمان خصوصی فصل گذشته قهرمانی را از استقلال گرفتند و حالا این تیم را به این روز انداخته‌اند. یک نفر از این جمع با فریاد می‌گوید: «قرابازده که مدام از دادگاهی شدن مدیران قبلی و اعضای هیات‌مدیره استقلال صحبت می‌کرد امروز کجاست و چرا به این اتفاقات ورود نمی‌کند؟ به نظر می‌رسد او می‌خواست تیم را تضعیف کرده و از قهرمانی دور کند که درنهایت هم به هدف خود رسید و دو قهرمانی را از استقلال گرفت.»

منوع‌الورودی مدیر مجموعه‌های استقلال

از مدت‌ها قبل از تمرین در جلساتی مقرر می‌شود تا به‌منظور شروع تمرینات، در باشگاه تقسیم وظایف انجام شود تا روز نخست که قرار است تمرینات استقلال با جواد نکونام آغاز شود، کار به بهترین شکل ممکن پیش برود. در این بین و در یکی از همین جلسات یکی از ارکان مهم اجرایی استقلال به مدیران مرتبط به این امر اعلام می‌کند لطفاً دیگر در مسائل مربوط به کمپ حجازی دخالت نکرده و وظایف محوله را به عهده ایشان بسپارد. نکته عجیب اینکه از چند روز قبل از آغاز تمرینات و به بهانه اینکه دیگران امور را عهده‌دار شوند، فرهاد موفق، مدیر مجموعه‌های ورزشی باشگاه استقلال از ورود به کمپ حجازی منع شده و به او اعلام می‌شود که مجوز ورود به این مجموعه را ندارد.

حال اینکه این فرد مهم اجرایی در این چند روز چه تصمیماتی گرفته که خروجی آن منجر به بروز آشوب و تشنج در نخستین تمرین رسمی استقلالی‌ها می‌شود، خود ایهامی است که همین فرد باید پاسخ آن را بدهد. این در حالی است که حاضران در تمرین آبی‌ها این‌طور روایت می‌کنند که در همه دقایقی که استقلال تمرین داشت هیچ شعاری علیه این فرد یا سمت مهم اجرایی داده نشده و از سوی دیگر درخواست‌های هواداری مبنی بر جذب ستاره‌ها و تداوم همکاری با نفرتی چون قایدی و محبی از این فرد مطرح می‌شود تا او را در حد و اندازه‌های یک قهرمان در استقلال بالا ببرند.

موافق: مسببان این ماجرا با فراخوان آمدند

حالا این سوال مطرح است که چه کسی پشت پرده این ماجراست؟ فرهاد موفق، مدیر مجموعه‌های ورزشی استقلال از جمله کمپ حجازی به «فرهختگان» می‌گوید: «برخی افراد از یک هفته قبل مسائلی را درباره کمپ به وجود آوردند و از ۴۸ ساعت قبل همه تلاش خود را کردند تا من را به این کمپ ممنوع‌الورود کنند. همین افراد و در راس آنها فردی که بالاترین سمت اجرایی را در باشگاه دارد قبل از اولین تمرین به من اعلام کردند شما به کمپ نیا چون مسئولیت آنجا با ماست و حالا هم که مسئولیت صد در صد با ایشان است، تبعات و عواقب این اتفاقات را هم باید خودشان پذیرا باشند. جالب اینکه همین افراد اعلام می‌کنند بنرها به صورت خودجوش از سوی مدیران کمپ نصب شده و ایشان در جریان نبوده است.»

وی می‌افزاید: «این موضوع اصلاً مورد قبول نیست، چون خودشان صراحتاً اعلام کردند مدیریت آنجا با ماست و دیگر شما ورود نکنید. بنابراین من به‌عنوان مدیر و مسئول مجموعه‌های باشگاه این موضوع را تمام قد پیگیر هستم و گزارش کامل این مسائل را به نهاد‌های نظارتی اعلام خواهم کرد چرا که باید مشخص شود چه کسانی اینها را فراخوانده و سبب این شدند که به کنار زمین تمرین بیایند و تمرین را به آشوب بکشند و باید نفرتی که آنها را دعوت کردند شناسایی شوند. در واقع مقصر اصلی کسانی هستند که این افراد را دعوت کردند. این در حالی است که از آنجایی که سال‌هاست این افراد در کنار تیم نبوده‌اند، آمدن‌شان حتماً با فراخوان بوده، در غیر این صورت هرگز پیشان به اماکن ورزشی باز نمی‌شد.»

چوب حراج به اموال آبی‌ها خطر انحلال استقلال!

اگر چه استارت گرفتن وام به‌منظور پرداخت بدهی‌های باشگاه استقلال را مصطفی آجورلو زده و او اولین بار از بانک شهر وامی میلیاردی را به این منظور دریافت کرد، اما مدیرعامل سابق آبی‌ها به‌جای وثیقه ملکی، یک سپرده بانکی به مبلغ ۱۲۳ میلیارد تومان را وثیقه تسهیلات ۱۵۰ میلیارد تومانی قرار داد. اما در زمان علی فتح‌الله‌زاده و زمانی که عضو اقتصادی باشگاه و تیمش، ناتوان از تزریق منابع مالی به باشگاه شدند به‌ناچار فتح‌الله‌زاده وثیقه ۱۲۳ میلیارد تومانی را خارج و به‌جای آن ورزشگاه مرغوبکار را در رهن بانک شهر قرار داد.

درواقع بعد از آنکه عضو اقتصادی و رئیس هیات‌مدیره سرپرست مدیرعاملی باشگاه شد و از آوردن اسپانسر و درآمدزایی ناتوان ماند، مجدداً درخواست تسهیلات از بانک شهر را مطرح کرده و با افزایش مبلغ رهن ورزشگاه مرغوبکار دوونیم میلیون دلار تسهیلات مجدد گرفت و در ادامه نیز شنیده می‌شود برای پرداخت بدهی احمد موسوی و پیش‌پرداخت کادرفنی و بازیکنان جدید مجدداً از بانک شهر درخواست وام دیگری صورت گرفته شد.

حال اگر برای تسویه بدهی فصل گذشته بازیکنان و پیش‌پرداخت بازیکنان این فصل مجدداً از بانک شهر تسهیلات گرفته شود به‌معنی آن است که مرغوبکار کاملاً از دست رفته است؛ چراکه باشگاه از پرداخت اقساط ماهیانه ۱۸ میلیارد تومانی ناتوان است.

به‌نظر می‌رسد در ادامه این روند تا پایان فصل استقلال مجبور به وثیقه گذاشتن تنها دارایی باقی‌مانده‌اش یعنی کمپ حجازی شود و این یعنی حرکت جدی به سمت ورشکستگی و انحلال باشگاه.

راهکارهای سرمربی آبی‌ها برای کاهش حواشی نکو فرمان آرامش را صادر کرد

با سپری شدن حدود ۴۸ ساعت از اتفاقات زشت و منجرکننده در اولین تمرین استقلال و بعد از تبعات آن، حالا خبر می‌رسد جواد نکونام رأساً دست به کار شده و با صدور برخی دستورها موجبات فراهم شدن آرامش در تمرینات پیش‌فصل تیمش را فراهم کرده است. در مهم‌ترین بخش‌های ابلاغیه جدید نکونام او حضور افراد غیررسمی و غیرمدیریتی را ممنوع اعلام کرده و همچنین درخواست کرده است تا حضور لیدر، خدمه، ارکان کارمندی و کارگری باشگاه و هر ارگان دیگری در زمان تمرینات ممنوع اعلام شود. نکونام همچنین تمرین استقلال را تا اطلاع ثانوی پشت درهای بسته برگزار خواهد کرد تا به این ترتیب آرامش در تمرینات و پیرامون باشگاه حکمفرما شود.

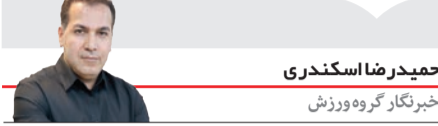
این اتفاق درحالی رخ داده که شبیه چنین رفتارهایی را در تمرینات تیم ملی در زمان سرمربیگری کارلوس کی‌روش از وی سراغ داریم تا جایی که گفته می‌شد کی‌روش اردوهای تیم ملی را چندان با نظم برگزار می‌کرد که فضای تمرینی بیشتر شبیه به پادگان شده و هیچ کس بدون اجازه سرمربی وقت تیم ملی اجازه ورود و خروج را پیدا نمی‌کرد. این رفتار مدیریتی در ادامه مسیر فعالیت نکونام این‌بار در عرصه سرمربیگری به وی سرایت کرده و او از همان آغاز کار در تیم خونه‌بونه‌بایل در لیگ دسته‌اول ایران با سختگیری فراوان در زمان برگزاری تمرینات و اردوها باعث می‌شد تا کمترین اخبار از اردوی این تیم شمالی به بیرون درز پیدا کند. در ادامه و در سایر تیم‌هایی که نکونام نیمکت هدایت آنها را عهده‌دار بود نیز مشابه چنین رفتارهایی بود تا جایی که سرمربی وقت فولاد با فرمان‌های ۱۱ بندی در زمان حضورش در اهواز سعی کرد تا فضا را به‌سمتی که دلخواه خود بوده پیش ببرد تا کمترین حواشی از تیم تحت هدایتش به‌وجود بیاید.

نکته قابل توجه اینکه این فرمان‌ها و دستوراتی که موجب خواهد شد تا اطراف تیم خلوت شود و فقط نفرت تاثیرگذار و مرتبط و البته معتمد در این حلقه‌ها ورود پیدا کنند قبلاً هم در استقلال دیده شده است. پیش از این نمونه موفق آن از سوی فرهاد مجیدی در استقلال اجرا شده که به این ترتیب و با همین فرمول مجیدی موفق شد تا تیمش را قهرمان ایران کند و چه‌سایه تکرار همین فرمول و خالی کردن اطراف باشگاه استقلال از افرادی که روند حرکتی این تیم را مختل می‌کنند می‌تواند بهترین راهکار برای موفقیت دوباره در این تیم باشد.

پس از درخواست افزایش ۱۰۰ درصدی دستمزد

دستیاران ایرانی یحیی رفتنی می‌شوند؟

باشگاه پرسپولیس در تعطیلات اخیر طبق انتظاری که می‌رفت با دستیاران خارجی یحیی گل‌محمدی به توافق رسیدند، اما این اتفاق در مورد دستیاران ایرانی این مربی رخ نداد. در مورد کریم باقری که فعلاً هیچ چیز مشخص نیست و به‌نوعی می‌توان گفت او سرنوشتی نامشخص در پرسپولیس برای فصل آینده خواهد داشت. اما در مورد محمد عسگری و مهرداد خانبان باخیر شدیم که آنها دیگر حاضر نیستند با قرارداد کم در پرسپولیس کار کنند. این دو مربی مدعی شده‌اند به‌عنوان طراح تمرینات پرسپولیس نباید فاصله دستمزدشان با مربیان خارجی و حتی کریم باقری و سیدجلال حسینی خیلی زیاد باشد. دستمزد این دو مربی فصل گذشته یک میلیارد تومان بود و آنها برای فصل آینده خواهان افزایش صددرصدی دستمزدشان هستند. این درحالی است که باشگاه پرسپولیس دستمزد دستیاران خارجی یحیی را ۳۰ تا ۴۰ درصد نسبت به فصل گذشته افزایش داده است. در هر صورت باشگاه پرسپولیس با خواسته دستیاران ایرانی یحیی موافقت نکرده و ممکن است دور جدید تمرینات سرخپوشان بدون حضور مربیان ایرانی این تیم استارت بخورد؛ هرچند در این میان سرمربی پرسپولیس از خواسته دستیارانش حمایت کرده و خواهان تمدید قرارداد آنها شده است. نکته جالب توجه اینکه یکی از سرمربیان تیم‌های تهرانی که سابقه سرمربیگری یکی از تیم‌های پرطرفدار پایتخت را دارد، مبلغ قراردادش برای فصل آینده دو میلیارد تومان است، اما حالا دستیاران یحیی در پرسپولیس چنین مبلغی را درخواست کرده‌اند.



حمیدرضا اسکندری

خبرنگار گروه ورزش

باشگاه پرسپولیس بعد از گذشت تقریبا یک‌ماه از فینال جام حذفی هنوز بازیکن جدیدی به خدمت نگرفته و تکلیف ۵ بازیکن این تیم نیز برای تمدید قرارداد مشخص نیست و از همه مهم‌تر اینکه سرخپوشان هنوز دور جدید تمرینات خود را شروع نکردند. این یعنی اینکه وضعیت فرمز پوشان پایتخت اصلا مساعد نیست و شاید بهتر باشد بگوییم وضعیت در تیم فه‌رمان دو جام فصل گذشته حسایی فرمز است.
شاید در این مورد باید به یحیی گل محمدی حق داد که حسایی از وضعیت موجود شاک‌ی باشد. هر چند در به وجود آمدن چنین شرایطی خود او هم نقش دارد، از این جهت که برای ارائه برنامه‌ها به باشگاه‌ها به باشگاه‌ها نقل و انتقالات دیر اقدام کرد، به این خاطر که برای ادامه کار در پرسپولیس مردد بود. در ادامه مروری بر آخرین وضعیت سرخپوشان و اتفاقات اخیر این تیم خواهیم داشت.

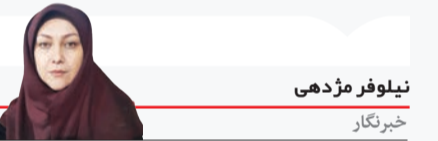
بازگشت درویش از کربلا

مدیرعامل باشگاه پرسپولیس که تقریبا هر سال برای روز عرفه راهی کربلا می شود در تعطیلات اخیر هم فرصت را غنیمت شمرده و به این سفر زیارتی رفت. با رفتن درویش به این سفر به‌نوعی فعالیت‌های نقل و انتقالاتی در باشگاه پرسپولیس متوقف شد. درویش روز گذشته به ایران بازگشت و قرار است از امروز مذاکرات با بازیکنان مدنظر گل محمدی و همچنین تمدیدی‌ها را به نتیجه برساند. هر چند ممکن است این شرایط هم چند روزی زمان ببرد تا به نتیجه لایم برسد.

اغتصاب ادامه دارد

همان‌طور که قبلا در خبرها داشتیم بازیکنان پرسپولیس حاضر نشدند از روز هفتم تیر ماه در تمرینات تیم‌شان حاضر شوند و دلیلش این بود که آنها هنوز بابت قراردادهای فصل پیش خود

گزارش



نیلوفر مژدهی

خبرنگار

تیم مس‌رفسنجان بعد از ۳ سال حضور در لیگ برتر به همراه محمد ربیعی تصمیم گرفت ساکت الهامی را جانشین او کند. این تغییر برای مسی‌ها تا حدودی عجیب بود؛ چرا که مدیران این باشگاه که در این مدت با ربیعی آرام، کار کرده بودند حالا باید با ساکت الهامی یکی از جنجالی‌ترین مربیان لیگ برتر کنار بیایند. البته تغییرات مدیریتی که در ابتدای فصل قبل رخ داد نیز در این تغییر بی‌تأثیر نیست.

چرا الهامی جانشین ربیعی شد؟

بدون‌شک این تغییر می‌تواند پایه‌گذار اتفاقات تازه برای تیم مس باشد. چیزی که ذهن ما را بسیار به خود مشغول کرده دلائل جدایی ربیعی است. جدایی او که از نظر فنی یکی از معقول‌ترین مربیان لیگ بود بدون‌شک به‌نفع مس نیست. با این حال چون طرفین برسر مبلغ قرارداد و بودجه باشگاه به توافق نرسیدند بسا الهامی توافق کردند. الهامی از همین ابتدا با جذب محمد خداینده لو استارت قدرتمندی در نقل و انتقالات زد و این نشان می‌دهد تیم‌مس به‌سر دخیل آگهی‌ها دارد و بدون‌شک آت‌مسی‌ها به ربیعی هم وعده جذب بازیکنی چون خداینده‌لورا می‌دادند او هم می‌ماند و دیگر اختلافی بر سر بستن تیم و بودجه به‌وجود نمی‌آمد. به‌نظر می‌رسد چون ربیعی از ابتدا با مدیران قبلی به توافق رسیده بود و بعد از تغییرات مدیریتی نیز قصد جدایی

از باشگاه طلب‌کارند و از طرفی پاداش‌های مربوط به دو قهرمانی و آپشن‌های دیگر قراردادشان را دریافت نکرده‌اند. در این مورد قرار بود باشگاه پرسپولیس تا قبل از هفتم تیر حداقل ۱۰ تا ۱۵ درصد از باقی‌مانده قراردادشان را بپردازد و آپشن و پاداش‌ها را به قبل از شروع فصل آینده موکول کند که این اتفاق هم رخ نداد. با توجه به همین وضعیت سرخپوشان تصمیم گرفتند تا زمانی که باشگاه‌با آنها تسویه‌حساب نکنند در تمرینات حاضر نشوند. از این رو آغاز دور جدید تمرینات سرخپوشان از امروز هم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ چرا که تا زمانی که واریزی به سرخپوشان انجام نشود آنها کوتاه نخواهند آمد. البته درویش در تلاش است تا پایان وقت اداری امروز حدود ۱۰ درصد قرارداد سرخپوشان را واریز کند و اگر این اتفاق رخ دهد آن وقت احتمال اینکه شاگردان یحیی گل محمدی کوتاه‌بیاند وجود دارد. هر چند یک‌سری از این نفرات شرط کرده‌اند که باشگاه باید پاداش‌ها و آپشن‌های قرارداد را هم واریز کند تا راضی به حضور در تمرینات شوند که این مساله کار مدیریت این باشگاه را به مراتب سخت‌تر از قبل می‌کند.

زاهدی می‌آید، پریپرا رفتنی می‌شود

باشگاه پرسپولیس در چند روز اخیر درگیر انتقال دائمی شهاب زاهدی به جمع سرخپوشان بود و از طریق ایمیل نیز به توافقات نهایی با باشگاه زوریا لوهانسکا اوکرانین دست یافته است. جذب زاهدی برای باشگاه پرسپولیس یک سهمیه خارجی این باشگاه را پر خواهد کرد و آن وقت است که یحیی مجبور خواهد شد راهی برای کنار گذاشتن لئاندرو پریپرای برزیلی پیدا کند. از این جهت که سرمربی پرسپولیس به‌دنبال این است تا برای خط‌حمله حتما یک مهاجم خارجی با کیفیت جذب کند. در این صورت پریرا تنها مزاحم او برای رسیدن به خواسته‌اش است. اگرچه یحیی هفته گذشته خیلی سر بسته اعلام کرد که پریرا در لیست مازادش نیست اما با آمدن زاهدی شرایط تغییر خواهد کرد.

مذاکرات از سر گرفته می‌شود

مدیریت باشگاه پرسپولیس قبل از سفر به کربلا مذاکراتی را با

ورزش

شروع تمرین پرسپولیس تحت تأثیر طلب بازیکنان

بلاتکلیفی تهدیدی‌ها یحیی را شاک‌ی کرد



ایجت‌های سعید صادقی، میلادسرلک و عیسی آل‌کثیر داشت و منتظر بود تا این بازیکنان از سفر آمده و نشستنی هم با خود این نفرات برای تمدید قرارداد داشته باشد. در همین راستا درویش از امروز با این نفرات و البته فعلا ایجت‌های آنها مذاکراتش را ادامه خواهد داد تا به نتیجه‌نهایی برسند. در مذاکرات اولیه اختلاف مالی بین طرفین زیاد بود و به همین خاطر هم نتیجه مثبتی در بر نداشت. در این میان حتی دلخوری‌هایی هم بین آنها به‌وجود آمد که ممکن است اگر یکی از طرفین کوتاه نیاید منجر به عدم تمدید قرارداد هر یک از این نفرات شود.

درویش در مورد گولسیانی تصمیم می‌گیرد

باشگاه پرسپولیس برای پذیرفتن خواسته گولسیانی مشکل چندانی ندارد و اگر اتفاق خاصی رخ ندهد قرارداد این بازیکن تمدید خواهد شد. البته در این مورد باید رضا درویش تصمیم

گزارش «فرهیختگان» از وضعیت نماینده رفسنجان در نقل و انتقالات

بهب هسی‌ها برای ساکت

بازیکن با هم رقابت می‌کردند، ساکت الهامی، درخواست جذب خداینده‌لورا به مدیران باشگاه نارنجی پوش لیگ برتر ارائه کرده است و آنها هم به‌سرعت وارد عمل شده و با پیشنهادی جذاب‌تر او را از دست این دو تیم مدعی ربودند. خداینده‌لو یکی از بمب‌های نقل و انتقالات بود؛ چرا که این ملی‌پوش جوان به‌شدت مستعد نشان داده و در هر تیمی که بازی کرد یکی از تأثیرگذارترین بازیکنان بوده است.

خدا حافظی نارنجی حسینی

سکوت روزهای اخیر سیدحسین حسینی این ذهنیت را به‌وجود آورده بود که او باز هم در استقلال می‌ماند. مخصوصا اینکه عصبانیت هواداران استقلال از او فروکش کرده و گزینه‌هایی چون رشید مظاهری، حسین پورحمیدی و محمدرضا اخباری هم با تیم‌های دیگری قرارداد بستند. درست در همین زمان حسینی با یک خدا حافظی کوتاه با هواداران استقلال در فضای مجازی در این تیم قطع همکاری کرد و مشخص شد در جمع آنها نمی‌ماند. در همین زمان صحبت از حضور حسینی در مس‌رفسنجان مطرح شد. با توجه به اینکه مسی‌ها به غیر از حامد لک، داوود نوشی صوفیانی را نیز در اختیار دارند بعید بود حسینی به رفسنجان برود. با این حال به‌نظر می‌رسد این

موضوع صحت دارد و به احتمال زیاد باید او را بازیکن فصل بعد ساکت الهامی بدانیم. البته هنوز هیچ خبر رسمی در این مورد منتشر نشده اما سازش عجیب مدیران مس با ساکت الهامی به شکلی پیش می‌رود که آنها هر بازیکنی که او بخواهد برایش جذب می‌کنند. به‌نظر می‌رسد مشکلات مالی این باشگاه که از فصل پیش زمزمه‌هایش شنیده می‌شد پایان یافته و حالا آنها روی هر بازیکنی دست بگذارند، جذب می‌کنند.

جابه‌جایی‌های احتمالی

از خط دفاعی مس، جعفرسون باهیا راهی فولادخوزستان شده و می‌گویند رامتین سلیمان‌زاده نیز با ذوب‌آهن به توافق رسیده است که البته تاوجه به حضور ربیعی در این تیم اصفهانی چنین انتقالی اصلا بعید نیست. مخصوصا که ربیعی اعتقاد زیادی به انتقالی دفاعی این تیم ندارد. شاهین تولکی، ایمان سلیمی و سیدمهدی حسینی از تأثیرگذارترین بازیکنان خط‌میان‌می‌مس نیز وضعیت مشخصی ندارند و از آنجا که مورد توجه سپاهان قرار گرفتند بعید نیست رفسنجان را ترک کنند. حسینی از بهترین بازیکنان مس بود و هنوز با این باشگاه قرارداد دارد، اما با پرداخت ۴ میلیارد می‌تواند قراردادش را یک طرفه فسخ کرده و به تیم دیگری برود. بدون‌شک عملکرد خوب این بازیکن شرایطی را فراهم کرده تا

باشگاه پرسپولیس آغاز کرد و پیشنهاد اولیه را نپذیرفت. پیشنهاد پرسپولیس به عالیشاه تمدید قرارداد با مبلغ ۲۰ درصد بیشتر از قرارداد مسال پیش بود که با مخالفت شدید این بازیکن و ایجتش همراه شده است. این در شرایطی است که او بازیکن ثابت سرخپوشان به حساب نمی‌آید. در این مورد باخبر شدیم که عالیشاه اندازه ملی پوشان پرسپولیس و به‌نوعی سقف قرارداد را از این باشگاه می‌خواهد که بعید است با موافقت درویش همراه باشد.

مربیان پرسپولیس تا فردا در ایران

باشگاه پرسپولیس همان‌طور که روز چهارشنبه هفته گذشته در خبرها داشتیم به‌دنبال این بوده و هست که شرایط را برای حضور مربیان خارجی‌اش از روز اول دور جدید تمرینات سرخپوشان فراهم کند. در همین راستا بلیت پرواز برای این مربیان گرفته‌شده و ظرف امروز و فردا آنها در ایران خواهند بود. به این ترتیب اگر شرایط برای حضور سرخپوشان در تمرینات فراهم شود، مربیان خارجی این تیم نیز استارت خواهند زد. این مربیان تا الان ۹۵ درصد قرارداد فصل پیش خود را دریافت کرده‌اند و فقط مانده پاداش‌هایشان که قرار شده ظرف چند روز آینده به آنها پرداخت شود. قرارداد فصل پیش آنها تقریبا ۱۸۰ هزار دلار بود که گفته می‌شود برای این فصل ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش داشته است.

یحیی شاک‌ی از وضعیت موجود

سرمربی پرسپولیس در نظر داشت تا دور جدید تمرینات تیمش از پنجم تیر ماه استارت بخورد، اما به‌خاطر اینکه شرایط مهیا نشد او دوباره مجبور شد دو روز تاخیر در این مورد به‌وجود بیاورد تا بلکه اوضاع تغییر کند که این اتفاق رخ نداد. امروز ۱۰ تیر ماه است و هنوز باشگاه پرسپولیس نتوانسته شرایطی که یحیی خواسته را برای آغاز تمرینات فراهم کند و این مساله حسایی او را عصبانی کرده است. هیچ‌بعید نیست که یحیی امروز واکنش تندی به این قضیه داشته باشد. باید منتظر ماند و دید که واکنش این مربی به اتفاقات پیرامون باشگاهش چه خواهد بود.

مسورد توجه تیم‌های بالای جدولی قرار بگیرد و با توجه به تورم بازار نقل و انتقالات می‌تواند به راحتی با اجارایی کردن این بند ۴ میلاردی، رفسنجان را ترک کرده و به یک‌تیم بالای جدولی ملحق شود. حامد لک و محسن آذرباد که در مس با ربیعی کار کرده بودند، د‌وب بازیکن مهم دیگری بودند که گفته‌می‌شد احتمال دارد جمع نارنجی پوشان راه به مقصد ذوب‌آهن ترک کنند. این دو نیز در تمرین تیم‌مس حضور داشتند و به‌نظر می‌رسد جدایی آنها نیز منتفی است. مگر اینکه برخی تغییرات در جذب بازیکنان جدید، این دو بازیکن را برای جدایی و پیوستن به ذوب‌آهن مجاب کند.

چالش پیرزن

مهرداد رضایی، اما با توجه به چالش پیرزنی که با ساکت الهامی داشت یکی از بازیکنانی بود که به‌نظر می‌رسید از مس جاسود.

این بازیکن که بعد از اظهارات الهامی که گفته بود با چند پیرزن هم تیم‌مس را شکست می‌دهد واکنش نشان داده و به‌نوعی جواب این مربی را داده بود، یکی از پر تنش‌ترین هفته‌های خود را بعد از مریدگری الهامی در مس گذراند. با این حال اولین جلسه تمرینی مس برای این بازیکن و مربی به‌خوبی پیش رفت. همه فکر می‌کردند رضایی به‌خاطر شادای بعد از گل خود در بازی فصل گذشته تیمش مقابل هوادار مورد غضب ساکت الهامی قرار داد و این تیم را ترک می‌کند. اما از آنجا که این بازیکن با مس قرارداد دارد و مدیران نیز نمی‌خواهند او را از دست بدهند بین دو طرف آشتی به راه انداختند. دو طرف بعد از آشتی با هم در این خصوص صحبت کرده و س‌وتفاهم بین آنها برطرف شد.

آگهی اختصاصی تعیین حدود حوزه ثبتی شهر چمستان

پيرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون وامده ۱۳۰۰ آیین‌نامه قانون اخیرالذکر تعیین حدود پلاک ۳۲۰ فرعی از اصلی واقع در قریه سالده علیا بخش ۱۱ به نام عظیم و الهام وفاقی جوان نسبت به چهار و دو دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین‌بانی احدائی به‌مساحت ۲۰۹/۰۱ مترمربع طبق رای شماره ۷۰ و ۶۹۹ و ۳۱۰۰۰۱۳ و ۲۶۰۳۱۰۰۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۰ هیئت قانون تعیین تکلیف در ساعت ۹ صبح روز سه‌شنبه ۱۴۰۲/۰۵/۱۰ در محل وقوع ملک به عمل خواهد آمد.

لذا از متقاضی و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ازنفاقی دعوت می‌شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند.
بدیهی است درصورت عدم حضور متقاضی یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا یا حدود اظهارشده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد.
معترضین می‌توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت مواد ۷۴ و ۸۶ آیین‌نامه قانون ثبت طرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع قضائی نمایند.
در غیر این صورت یا ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی یا نماینده قانونی وی وبدون توجه به اعتراض واصله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می‌یابد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

میم‌الف: ۱۵۱۹۹۱۳

عین الله تیموری - کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهر چمستان

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

نظـر بـه دسـتور مـواد ۲۰ و قانون تعیین تکلیف وضعیت و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۷ و برابر برای شماره۳۳۹۸ و ۱۳۰۰ و ۱۶۰۳۱۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۳۰ هیات قانون تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مستقر در واحد ثبتی چمستان تصرفات مالکانه و بلاعراض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد.
املاک متقاضیان واقع در قریه امیررود پلاک ۲۶ اصلی بخش ۲ شلاقی ۸۸۳ فرعی آقاخاتم،قریه اسحق نیموری فرزند هبت‌الله نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی (کاربری باغات) به مساحت ۲۹۰،۲۳ مترمربع خریداری بدون واسطه با واسطه از رهرا احدائی

لذا به موجب قانون ۳ تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و وساده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام‌شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت‌موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا مصلحت قانونی نباشد اقدامات ثبت‌موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

م‌الف: ۱۵۱۳۵۳۲

عین‌الله تیموری- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

نظـر بـه دسـتور مـواد ۲۰ و قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۷ املاک متقاضیانی که در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی امل مورد سوبدیگی و تصرفات مالکانه و بلاعراض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد.
املاک متقاضیان واقع در بخش دوئیت امل- دهستان دابو ۰۲- اصلی (قریه کمانگر کلاسنگر)

۵۰۲ فرعی آقای عبدالله محمودپور در شش‌دانگ یک قطعه زمین با ساختمان احدائی با کاربری مسکونی به مساحت ۲۶۲/۶۶ مترمربع خریداری شده بلاواسطه از عزیز محمودپور.
لذا به موجب ماده ۳- قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام‌شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت‌موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا مصلحت قانونی نباشد اقدامات ثبت‌موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین‌نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته‌نشده و احدثبتی باری هیئت پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود مزاب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به‌صورت همزمان به اطلاع عموم می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به‌صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

م‌الف: ۱۵۱۹۰۳۳

حسن صالحی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک امل

گزارشی از جلسه هنرمندان، مدیران سینمایی و شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره ماجرای ساترا

راه نظارت عقلانی از گفت‌وگو می‌گذرد



پس از یک هفته حرف و حدیث بر سر مصوبه ۳۰ خرداد شورای عالی انقلاب فرهنگی، بالاخره عبدالصالحین خسروپناه، دبیر این شورا طی یک جلسه فوری تصمیم گرفت بهترین مسیر برای نزدیکی به مفاهیم طرفین را انتخاب کند؛ مسیر گفت‌وگو. خسروپناه در همان ابتدای جلسه تاکید کرد که این اولین و آخرین نشست هم‌اندیشی در موضوع شبکه نمایش خانگی نیست و از رسانه‌ها به خصوص تلویزیون خواست که فضای تعامل و گفت‌وگو را برای ذی‌نفعان شبکه نمایش خانگی و هنرمندان فراهم کنند تا جمیع نظرات برای بهبود وضعیت این مادیوم تصویری نقش و حضور داشته باشند. ترکیبی هم که این بار در صبح چهارشنبه، ۷ تیرماه، در محل دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی جمع شده بود و دور یک میز نشستند در نوع خود جالب بود و در عین حال غریب. برای ما که چند وقتی است عادت مان داده‌اند بدون شنیدن یکدیگر نسبت به هم قضاوت کنیم، خیلی بعید به نظر می‌رسید که بالاخره جایی هست که هنرمندان، کارشناسان رسانه و همچنین ذی‌نفعان بخش نمایش خانگی دعوت شوند و بدون سوءظن‌های سیاسی در موضوع فرهنگ، بگویند و بشنوند تا شاید راه به جایی ببرند. از بس هنرمندان چهره‌هایی همچون فریدون جیرانی، غلامرضا موسوی، پیمان باغی، محمدرضا تخت‌کشیمان و عبدالرضا منجزی بودند و از جانب تیم مدیران به غیر از خسروپناه که میزبان جلسه بود، سعید مقیسه، رئیس ساترا و سیدمحمد هاشمی، قائم‌مقام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی حضور داشتند. محمدرضا جعفری جلوه هم از جمله حضاران در این نشست بود که تیم نظارت بر محتوای شبکه نمایش خانگی را نمایندگی می‌کرد. افراد دیگری هم حضور داشتند اما اهم نظرات بین همین دوستان گذشت که در ادامه بخش‌هایی از آن را آورده‌ایم.

|||

در ابتدای این جلسه دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی با گله‌مندی از پرداخت غیردقیق به مصوبه اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: «مصوبه (تعیین الزامات ساماندهی حوزه صوت و تصویر فراگیر)، هنوز توسط رئیس جمهور ابلاغ نشده و متن آن در فضای مجازی نیامده است اما می‌بینیم که در فضای رسانه، دوری‌های متعددی در مورد آن صورت می‌گیرد. درحقیقت پنج بند از این ماده واحده ناظر بر حل اختلاف و ایجاد تفاهم بین این دو دستگاه صداوسیما و وزارت ارشاد و تقسیم کار بین این دو دستگاه است. بر مبنای آن، بخشی از مسئولیت‌های صوت و تصویر فراگیر برعهده وزارت ارشاد و بخشی به عهده صداوسیما است. البته این ماده واحده، بند ششمی دارد که مربوط به تدوین اصول و سیاست‌های حوزه صوت و تصویر فراگیر است. در این اصول و سیاست‌ها مشخص می‌شود که چقدر ما معتقد به حکمرانی بخش خصوصی هستیم و تدوین سیاست‌هاست که مشخص می‌کند چقدر آزادی عمل به پلتفرم‌ها بدهیم.»

خسروپناه تاکید کرد: «بنده شخصا به این معتقدم همان‌طور که مردم‌سالاری دینی در عرصه سیاست و اقتصاد مطرح است، درحوزه فرهنگ هم باید مطرح باشد. اینکه بار فرهنگ فقط

به دوش دولت باشد قطعاً تصمیم حکیمانه‌ای نیست. باید بخش خصوصی، تعاونی‌ها، مجموعه‌های فرهنگی و حلقه‌های میانی و گروه‌های جهادی فرهنگی ورود کنند و در عرصه فیلم و سریال و حوزه مختلف فرهنگ و هنر حضور داشته باشند.» خسروپناه در بخش پایانی صحبت‌هایش از هنرمندان و ذی‌نفعان پلتفرم‌ها خواست که با ارائه نظرات کارشناسی خود، به فرآیند تدوین بند ششم این ماده واحده کمک کنند. او تاکید کرد: «تدوین سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر صوت و تصویر فراگیر و شبکته نمایش خانگی» بخش کلیدی این ماده‌واحد است و مابقی بندها تقسیم وظایف بین دو دستگاه وزارت ارشاد و صداوسیما است که آن بخش مشخص شده است.»

■ باز همان بحث قدیمی نظارت صداوسیما یا وزارت ارشاد

سکوت عمیقی بر جلسه حکمفرما شد به خصوص که خسروپناه تاکید کرده بود پنج بند اول این مصوبه در مورد تفاهم سازمان صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و اگر مورد اختلافی هست در موضوع بند ششم و «تدوین سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی» است. اما سیدغلامرضا موسوی، تهیه‌کننده سینما، همان اول کار آب‌پاکی را روی دست دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی ریخت. او که در این جلسه جامعه تهیه‌کنندگان را نمایندگی می‌کرد خطاب به خسروپناه گفت راه‌حل بند ششمی که می‌گویید به پنج بند قبلی آن برمی‌گردد و اینگونه ادامه داد: «واقعیت این است که در کشور ما این افرادند که موثر و تصمیم‌گیرنده هستند. در مورد آن سیاست‌های بند ششم هم کاملاً بستگی به این دارد که چه کسی بر سر کار باشد.» غلامرضا موسوی در توضیح حرف‌هایش اینگونه گفت: «چه خوش‌مان بیایید چه نه، شما کار نظارت شبکه نمایش خانگی را به دست رقیب می‌دهید. ضمن اینکه واقعیتی وجود دارد که در بحث نظارت، این افراد هستند که موثر و تصمیم‌گیرنده هستند. الان در شورای پروانه فیلمسازی هم در تلویزیون و هم در سینما برادران پایداری تشریف آوردند و پدر ما را درآوردند. تلویزیون که تعداد بینندگانش گواه وضعیتش هست. در سینما هم می‌بینیم که در صدور پروانه ساخت و نمایش، دنبال یک سری فیلم‌های خاص می‌روند که دیگر سینمای اجتماعی نداشته باشیم و آنها را بزنند. حرفم این است که ما یک قانون اساسی بسیار مترقی داریم اما همین قانون مورد استفاده آدم‌های مختلفی است.»

موسوی در جمع‌بندی صحبت‌هایش، حرف دلش را زد و گفت: «من پیش از این و در جلسات دیگری هم گفتم که بحث نظارت بر شبکه نمایش خانگی بهتر است که به وزارت ارشاد بازگردد. دلیلش هم فارغ از اینکه تلویزیون رقیب شبکه نمایش خانگی است، به این برمی‌گردد که اساساً این روزها تلویزیون مشکلات مختلفی دارد و نمونه‌اش اینکه خودشان نمی‌توانند سریال تلویزیونی خوب بسازند. استثنایی بتوانند دوسه سریال بسازند و چهارتا مخاطب جذب کنند. شما اگر بخش مسابقات ورزشی و فوتبال را از تلویزیون بگیری، تماشاچی و مخاطب تلویزیون به شدت کاهش پیدا می‌کند.»

به نظر می‌رسد که هنوز هنرمندان نسبت به موضوع نظارت صداوسیما بر شبکه نمایش خانگی اتفاق نظر ندارند و آن تلاش ابتدایی خسروپناه برای نگاه داشتن بحث در موضوع «تدوین سیاست‌های شبکه نمایش خانگی»، آنها را قانع نکرد. به خصوص که عبدالرضا منجزی، نویسنده و کارگردان حاضر در این جلسه هم گفت: «شما می‌گویید که ما از پنج مورد اول که بحث مبنایی است گذر کنیم و فقط روی بند ششم یعنی

اختلاف بین وزارت ارشاد و سازمان صداوسیما گفت‌وگو کنیم. در حالی که ما اشکال حقوقی داریم و ربطی هم به علاقه‌مندی به سینما ندارد. معتقدیم که در قانون اساسی هیچ وظیفه، نظارتی برای صداوسیما تعریف نشده است. وزارت ارشاد،

وقتی از صوت و تصویر فراگیر صحبت می‌کنیم چیزی است که همه می‌توانند آن را دریافت کنند، اما در سیستم پلتفرم‌ها، می‌توان متوجه شد که چه کسانی استفاده می‌کنند. تفسیری که از صوت و تصویر فراگیر در مورد پلتفرم‌های «وی‌اودی» دارد، اساساً اشتباه است. کجای این صوت و تصویر فراگیر است؟ در زمینه پخش زنده اگر پلتفرم‌ها بخواهند در این زمینه ورود کنند، باید تلویزیون عنوان به تلویزیون بر نمی‌گردد

وظیفه‌ای که دارد، تصدی‌گری نیست و بحث نظارتی است. روحیات، ساختار و بنیاد آن برای بخش نظارت تربیت شده است. شما خودتان می‌دانید که سینماگران صبح تا شب با وزارت ارشاد اختلاف دارند و نسبت به مدل نظارتی اش گله هم می‌کنند اما الان به گونه‌ای شده است که سینماگران و اتحادیه صنفی از وزارت ارشاد دفاع می‌کنند و می‌گویند که برای این نهاد قانونی برآمده از قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی، شان و مرتبه قابل باشد.»

البته منجزی نسبت به تفسیری که از رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر می‌شود هم اشکال وارد کرد و گفت که شبکه نمایش خانگی و سامانه‌های ویدئویی درخواستی مشمول آن اصطلاح اصل ۱۷۵ قانون اساسی نمی‌شود. این اشکالی که او وارد کرد، در ادامه و بعد از صحبت‌های جعفری جلوه خودش محل بحث دیگری شد.

■ جعفری جلوه: تلویزیون اینترنتی را از صداوسیما تفکیک نکنیم

محمدرضا جعفری جلوه که به نمایندگی از کارشناسان نظارت بر تولید محتوای شبکه نمایش خانگی حضور داشت به تفسیرهای متعددی که از صوت و تصویر فراگیر می‌شود اشاره کرد و گفت: «برداشت‌های متعددی از صوت و تصویر فراگیر شکل می‌گیرد. هر کسسی از زاویه سلیقه‌ای خود به این موضوع می‌نگرد. باید نگاه وسیعی مبنای این موضوع قرار بگیرد. خیلی روشن است که صوت و تصویر فراگیر موضوعی حاکمیتی است. وقتی قرار است طیف گسترده‌ای از مردم مورد خطاب قرار بگیرند، مشخص است که حاکمیتی است و سلیقه بردار نیست. آمد و رفت جریان‌های سیاسی مبتنی بر سلیقه مختلف به شدت برای یک پدیده فرهنگی آسیب‌رسان خواهد بود. باید یک نگاه متین، پیوسته و استوار در اموری از این جنس ناظر و جاری باشد.»

او از عبارت تلویزیون اینترنتی برای ادامه صحبت‌هایش استفاده کرد و گفت: «تلویزیون اینترنتی ظاهری جدید دارد اما تفاوتی با تلویزیونی که داریم ندارد. لذا وقتی این پدیده جدید پا به عرصه

گذشت باید موضوع تلویزیون می‌شد. زمانی نمایش خانگی با توزیع دی‌وی‌دی در شمارگان مشخص در امتداد فعالیت سینمای کشور میدان عمل پیدا می‌کرد اما از آنجایی که قصه به‌نحو دیگری اتفاق افتاد و فناوری این اجازه را داد که کاری که مشابه یا نظیر تلویزیون است، صورت بگیرد؛ باید بلافاصله صداوسیما نسبت به آن معطف می‌شد و بر این اساس کارش را توسعه می‌داد و جایگاه خودش را احراز می‌کرد. ضمن اینکه در وزارت ارشاد باید نسبت به این وضعیت جدید توجه می‌شد. بالاخره پدیده‌ای بود که تا حدی بلا تکلیف بود. بلا تکلیف از این جهت که دو طرفی که می‌بایست خودشان را مهیا می‌کردند، به‌خوبی بر صحنه مسلط نشده بودند و صداوسیما هم در این ماجرا تاخیر داشت. در واقع آن گونه که متناسب بود توسعه لازم را نیافت. بر این اساس تدبیری که از چند سال قبل اتفاق افتاد این بود که از یک جایگاه حاکمیتی ساماندهی صورت بگیرد و تفاهمی که بین صداوسیما و وزارت ارشاد شده است، مبنای این مصوبه است که باید تقویت شود. همه حرفم این است که تلویزیون اینترنتی را از صداوسیما تفکیک نکنیم و برای این امر ظاهراً جدید خودمان را مهیا کنیم.»

جعفری جلوه با دفاع از اینکه صداوسیما باید متولی نظارت بر شبکه نمایش خانگی باشد، گفت: «آمادگی‌های کارشناسی هم در بدنه تلویزیون وجود دارد. شاید در هیچ‌جا به اندازه تلویزیون این آمادگی برای پذیرش بار جدی و کار موثر به لحاظ کارشناسی، اهلیت، تدبیر و انبوهی از نیروها وجود ندارد. اما اینکه شیوه‌های رفتاری رسانه چه دغدغه‌هایی ایجاد می‌کند

بحث نظارت بر شبکه نمایش خانگی بهتر است که به وزارت ارشاد بازگردد. دلیلش هم فارغ از اینکه تلویزیون رقیب شبکه نمایش خانگی است، به این برمی‌گردد که اساساً این روزها تلویزیون مشکلات مختلفی دارد و نمونه‌اش اینکه خودشان نمی‌توانند سریال تلویزیونی خوب بسازند. استثنایی بتوانند دو سه سریال بسازند و چهارتا مخاطب جذب کنند

■ بحث بر سر یک کلمه حیاتی

کلمه تلویزیون اینترنتی که جعفری جلوه به کار برد شروع بحث بین او و غلامرضا موسوی و عبدالرضا منجزی بود. ابتدا منجزی خطاب به جعفری جلوه از جایگاه قانونی سلب مسئولیتی که او از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کرد پرسید و جعفری جلوه در پاسخ به این سوال گفت: «من عرضم چیز دیگری بود و همه جان و کلامم این است که تلویزیون اینترنتی مثل تلویزیون است و صوت و تصویر فراگیر یک امر حاکمیتی است.»

اما موسوی که کنار منجزی نشسته بود بعد از صحبت‌های جلوه می‌گوید: «کلمه انگلیسی صوت و تصویر فراگیر بعد از ترجمه کلمه دیگری می‌شود. این صغری و کبری که گفتید به

هم مربوط نمی‌شود.»

جعفری جلوه در ادامه صحبت‌های او می‌گوید: «البته در لفظ نباید بمانیم. من فهم و برداشت خودم را احصا کردم.»

موسوی هم گفت اما این سلب مسئولیت از ارشاد که شما کردید نمی‌دانم برای چیست؟

جعفری جلوه می‌گوید این پدیده هر چقدر نو و تازه باشد باید به فعالیت‌های مثل آن نگاه کرد و بعد تصمیم گرفت. جلسه تازه گرم شده بود و موسوی هم برای صحبت‌هایش به کنایه شعری از وحشی‌باقفی خواند: «از صحن خانه تا به لب بام از آن من / از بام خانه تا به ثریا از آن تو. این شعر وضعیت وزارت ارشاد و تلویزیون را نشان می‌دهد. واقعیت قضیه این است چیزی که صوت و تصویر فراگیر گفته می‌شود را ما به‌عنوان ویدئو درخواستی دریافت می‌کنیم. درحالی که بین این دو فرق‌های وجود دارد. وقتی از صوت و تصویر فراگیر صحبت می‌کنیم چیزی است که همه می‌توانند آن را دریافت کنند، اما در سیستم پلتفرم‌ها، می‌توان متوجه شد که چه کسانی استفاده می‌کنند. تفسیری که از صوت و تصویر فراگیر در مورد پلتفرم‌های «وی‌اودی» دارد، اساساً اشتباه است. کجای این صوت و تصویر فراگیر است؟ در زمینه پخش زنده اگر پلتفرم‌ها بخواهند در این زمینه ورود کنند، باید تلویزیون ورود کند اما بقیه موارد به هیچ‌عنوان به تلویزیون بر نمی‌گردد.»

غلامرضا موسوی که همچنان مدافع نظارت ارشاد بر شبکه نمایش خانگی است، تلویحا یک بار دیگر حرفش را تکرار کرد و گفت: «چرا اینقدر این حساسیت‌ها وجود دارد؟ اجازه دهید جای دیگری به این موضوع رسیدگی کنند. تلویزیون اگر خیلی قابلیت داشت سریال‌های خودش را نجات می‌داد. حالا شما ویدئو درخواستی را هم به تلویزیون دادید.»

خسروپناه در ادامه خطاب به موسوی می‌گوید: «آقای موسوی برداشت شما کاملاً نادرست است براساس برداشت نادرست، حکم نادرست می‌شود. اجازه بدهید ما آقای هاشمی و هم آقای مقیسه توضیح بدهند این‌طور نیست که کلاً اختیارات به صداوسیما داده شده باشد. صریحاً در بند یک خیلی از این مسئولیت‌ها به ارشاد داده شده است. اول باید برداشت‌مان یکی شود و بعد به مرحله تفاهم برسیم.»

موسوی می‌گوید: «حرف‌مان در صحبت‌های آقای جعفری جلوه برمی‌گردد، اینکه وزارت ارشاد را کاملاً از مسئولیتش سلب کنیم. تا بوده صدور هرگونه مجوز به عهده وزارت ارشاد بوده است، ساترا هم می‌توانست در یک فضای بهتر و رسانه‌ای‌تر متولد شود و این حاشیه‌ها به وجود نیاید.»

یکی دیگر از کسانی که به‌عنوان نماینده جامعه صنفی بازیگران حضور داشت پیمان باغی بود. او در صحبت‌هایش از دغدغه معیشت هنرمندان گفت: «مهم‌ترین نکته اصل اول اساسنامه انجمن بازیگران خانه سینما است که حفظ امنیت شغلی است، با توجه به موضع گیری‌های چندوقت اخیر که از طرف تلویزیون رخ داده است بسیاری از بچه‌ها به سمت پلتفرم‌ها رفتند و الان نگران این هستند که وقتی نظارت بر دست تلویزیون بیفتد آیا امنیت شغلی‌شان فارغ از مسائل سیاسی و جناحی برقرار خواهد ماند یا نه. بنده به‌عنوان رئیس انجمن متعهد هستم از امنیت شغلی اعضای خودم دفاع کنم. این مهم‌ترین نکته‌ای است که به ذهنم رسید در این جمع یادآوری کنم.»

■ هاشمی: مدل نظارتی شبیه هیات نظارت بر مطبوعات

سیدمحمد هاشمی، قائم‌مقام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تاکید بر اینکه مساله شبکه نمایش خانگی مساله‌ای مفتوح

۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

است، تصریح کرد: «پرونده این موضوع، باز و روی میز دولت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. آقای رئیس جمهوری به وزیر ارشاد ماموریت دادند و در همین دور روز گذشته تاکید کردند که حتما همفکری شود. از همه ذی نفعان صوت و تصویر فراگیر اعم از تولیدکنندگان و هنرمندان تا ناشران و پلتفرم و البته مردم که مهم‌ترین ذی نفعان این حوزه هستند، نظرخواهی شود تا در این طرح که قرار است به‌عنوان یک سند چندین‌ساله تدوین شود توقعات، انتظارات و مصرف فرهنگی خانواده‌های ایرانی در آن لحاظ شود.»

وی ادامه داد: «اگر از صوت و تصویر فراگیر یک تعریف فناوریانه و آینده‌پروانه‌ها داشته باشیم در این مسیر مرکز ملی فضای مجازی به دلیل سرشست ماموریت کاری که دارد می‌تواند کمک شایانی داشته باشد و بسیاری از این حرف‌ها و اختلاف‌نظرها حل خواهد شد.»

قائم‌مقام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به اختلافات موجود نسبت به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره حوزه صوت و تصویر فراگیر، بیان کرد: «ما در وزارت فرهنگ ارشاد بند یک این مصوبه را بند حاکم می‌دانیم، برای بند ۵ هم جلسه‌ای به ریاست آقای خسروپناه طراحی شده که این اختلاف را حل خواهد کرد. در قرائتی که ما داریم همه حوزه‌هایی که از قبل به وزارت ارشاد واگذار شده بود اعم از سینما و حتی پلتفرم‌ها همچنان هم در اختیار وزارت ارشاد باقی است و خواهد ماند. در این باره به‌طور مفصل صحبت کرده‌ایم. همکاری خوبی هم با آقای مقبسه در ساترا داریم. در همین یکی دو هفته به هماهنگی سند تقسیم‌کار نیز خواهیم رسید.»

هاشمی ادامه داد: «تفسیر ما از مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی متفاوت است. حوزه سریال‌های خانگی ایرانی و برنامه‌های تلویزیونی، سرگرمی و پخش زنده براساس سند تقسیم و اینکه در ذات تلویزیون قرار دارد، تفسیر و تعبیر شده که همچنان هم در تلویزیون باقی خواهد ماند و در حوزه پلتفرم و غیرپلتفرم به عهده تلویزیون خواهد بود.»

وی هیات نظارت بر مطبوعات را یک مدل موفق حکمرانی در حوزه فرهنگ عنوان کرد و گفت: «در بیرون این طور تلقی می‌شود که معاون مطبوعاتی با وزارت ارشاد است اما ابتکار عمل با هیات نظارت است که طبق قانون مطبوعات عملا کار اصلی به عهده آنهاست. این هیات، نهادی فراسازمانی، فراقدهای، فراقوه‌ای است. از وزارت ارشاد تا قوه قضائیه و نماینده مجلس و نماینده اصحاب رسانه در این هیات عضو هستند و جایی است که تجربه مدنی موفق و تجربه نظارت موثقی در آن دیده شده است. به نظر می‌رسد در بند ۶ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی که این رویه و مسیر را ما هم دنبال کنیم، به موفقیت خوبی خواهیم رسید.»

معاون حقوقی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین ابراز کرد: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ذاتا یک وزارت قانونگذار، تنظیم‌گر و ناظر طراحی شده است و سازمان صداوسیما یک سازمان عملیاتی است. طبق این مصوبات برای بخش‌های مختلف یک روال معلوم و یک چهارچوب مشخص برای تنظیم‌گری وجود دارد و قابل تسری به حوزه‌های دیگر که در ماموریت وزارت ارشاد قرار می‌گیرد، خواهد بود.»

هاشمی با تاکید بر اینکه وزارت ارشاد و سازمان صداوسیما یک هدف مشترک دارند، ادامه داد: «مساله هر دو سازمان محتواست. اتفاقا همه ما حتی مردم یک معنا و مفهوم مشترک و مشخص را با‌عنوان محتوا دنبال می‌کنیم، البته منظور من صرفا سانسور نیست، آن هم یکی از راه‌هاست که برای مرزبانی در خطوط قرمز است. مساله خطوط سبز بسیار جدی‌تر و مهم‌تر است. از ما گرفته -که در نهادهای مختلف حضور داریم- تا کسانی که در پلتفرم‌های تولیدکنندگان اصلی محتوا هستند، مساله خطوط سبز را به‌صورت جدی پیگیری و به آن توجه می‌کنند.»

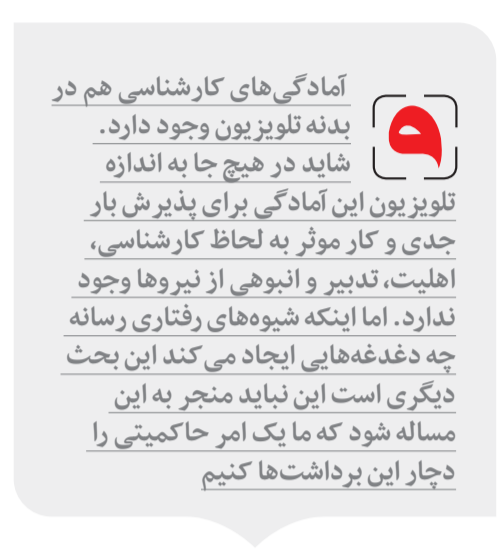
وی با بیان یک مثال توضیح داد: «فرض کنید ما پلیس باهوشی را در تلویزیون، سینما و وی‌اودی به نمایش بگذاریم. وقتی پلیس در جامعه ایرانی عزت و اقتدار پیدا کند، حتما همه خانواده‌ها و جامعه از نفع آن برخوردار می‌شوند. ما با مجموعه ساترا و سعید مقبسه هفته‌ای چند جلسه داریم، جز همدلی و همکاری برای تولید محتوای مناسب چیزی دیگری در این نشست‌ها سراغ ندارم.»

معاون حقوقی و امور مجلس وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با بیان اینکه ذات مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره پلتفرم‌ها مشخص است، گفت که شاید در بخش‌های مختلف، تعبیر و تفسیرهای گوناگونی از این مصوبه شده باشد، اما امیدوارم با کمک مدیران ساترا، تفاهم و همکاری خوبی در عملیاتی کردن

بند ۶ مصوبه شکل بگیرد، البته این سند را به‌صورت جامع و کامل طراحی خواهیم کرد.»

مقبسه: نظارت کردیم و مردم را از دیدن سریال محروم نکردیم

نوبت به سعید مقبسه، رئیس ساترا رسید-که از ابتدای جلسه حضور داشت، اما سکوت کرده بود- بخش مهمی از صحبت‌هایش پیرامون ابهامات و سوالاتی بود که در این جلسه نسبت به شیوه نظارت ساترا مطرح شد. او در توضیح مجموعه کارهایی که در ساترا صورت گرفته است، گفت: «در ارتباط و تعامل با هنرمندان و نظارت بر تولید و نمایش خانگی باید بگویم که ما هر هفته بدون وقفه جلسه داشتیم. در سال ۴۲



هفته کاری داریم اما در سال ۱۴۰۱، نزدیک به ۴۸ جلسه داشتیم، یعنی اگر یک روز هم تعطیل بوده، طوری جبران شده که ۶ روز اضافه آمده است. بعضی وقت‌ها که تعطیل بود، تلفنی جلسات را برگزار می‌کردیم و نتیجه‌اش هم شد البته اینکه آیش از ۵۰۰ قسمت سریال پخش شده، بیش از ۳۰۰ سریال درحال پخش و بیش از ۲۰۰ سریال منتظر پخش داریم. اینها یعنی چرخه نمایش خانگی فعال است. می‌خواهم بگویم مردم محروم نشدند. اتفاقا به‌نظم زیاده‌روی شده است. قسمت‌هایی که از ولنگاری فضای مجازی پخش می‌شود و انصافا خارج از حدود ارزش‌های اخلاقی جامعه است باید کنترل شوند. شاید ما در هدایت درست تولید کاملا موفق نبوده باشیم اما آن‌طور هم نیست که سد آهنی گذاشته باشند. درحال حاضر ۴۰۲ رسانه داریم که مجوز گرفته‌اند و کارشان را انجام می‌دهند.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «خیلی از دوستان اگر همین نکاتی را که راجع به مصوبه می‌گویم متوجه شوند، اصلا نیازی به بحث دیگری نیست. پیش از این، یک‌سری تولیدات در حوزه وزارت فرهنگ و ارشاد شکل گرفته بود، مثل کتاب، سینما، تبلیغات و بازی. حالا قرار شده که ادامه این موارد در حوزه صوت و فراگیر هم برعهده ارشاد باشد، مثلا خبرگزاری در حوزه ارشاد بوده و وقتی از نسخه مکتوب به دیجیتال و اینترنتی تغییر می‌کند دیگر در حوزه ساترا نیست و در حوزه ارشاد است؛ ولو اینکه دستورالعمل‌ها و قوانین و مقرراتش با توافق صداوسیما باشد. قبلا گفته می‌شد کتابی که وزارت ارشاد مجوز آن را داده بعد که قرار شد صوت آن در وی‌اودی پخش شود نیاز به مجوز ساترا دارد اما طبق مصوبه جدید، دیگر این‌طور نیست. کتاب صوتی را هم وزارت ارشاد پیگیری می‌کند و اگر قرار بر پخش باشد، مجوز آن محتوا را وزارت ارشاد صادر می‌کند.»

تلویزیون راه گفت‌وگو در موضوع شبکه نمایش خانگی را باز کند

خسروپناه در جمع‌بندی جلسه گفت: «جا دارد عرض کنم تاکید رئیس جمهور این است که این گفت‌وگوها شکل بگیرد و ادامه پیدا کند ومباحث مرتبط باذی نفعان شنیده شود. عقیده بنده این است که مهم‌ترین مساله و کلیدی‌ترین بخش مصوبه همین بند ۶ است، چون برای بند ۱ تا۵ تقسیم‌کاری صورت گرفته است وتاکیدی کم برداشتی که منتقدان از این بند دارند برداشت درستی نیست. توضیحات خوبی از سوسوی هاشمی و مقبسه انجام شد، لذا اگر این تصور صحیحی که قانونگذار مدنظرش بوده، درست‌شنیده نشده‌باصحت می‌توان خیلی از ابهامات را برطرف کرد.» وی با اشاره به جدلی که بر سر مفاهمه از عبارت صوت و تصویر فراگیر در جلسه صورت گرفت، گفت: «این بحث صوت وتصویرفراگیر چندساحت دارد که باید ادامه پیدا کند؛بخش‌های معرفتی داریم که صوت وتصویرفراگیر به چه معناست؟ نمایش خانگی

فرهنگ

به چه معناست؟ آیا تلویزیون اینترنتی تلویزیون هست یا نیست؟ بخشی از اختلاف‌نظرها در اینجاست که به‌نظم نباید پرونده این مباحثات را بست، بلکه باید ادامه داد.»

خسروپناه گفت: «یک ساحت بحث این است که آیا ما باید این صوت و تصویر فراگیر را حاکمیتی بدانیم یا نه؟ دیدگاه مسئولان نظام و دیدگاه قانونگذار این است که این بحث چون ناظر به امور عمومی است و حاکمیت به این امور می‌پردازد، طبیعتا موضوع حاکمیتی است اما معنای حاکمیتی این است که حکمرانی در سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و تصدی‌گری کامل به دست حاکمیت باشد و معنایش این نیست که حکمرانی آن هم از دست مردم گرفته شود و مشارکت حداکثری آنان دیده نشود.» دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «بحث دیگر امنیت شغلی است که کلیدی‌ترین مبحث است. بسیاری از ذی‌نفعان، بازیگران، کارگردانان وتهیه‌کنندگان دغدغه دارند که آیا این مصوباتی که انجام می‌شود، امنیت شغلی آنها را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد یا نه؟ حتما ما در شورای عالی انقلاب فرهنگی باید به این موضوع توجه کنیم. همان‌طور هم که سعید مقبسه اشاره کرد، به‌هیچ‌وجه این مصوبه دنبال کاهش فعالیت‌ها نیست و حتما باید افزایش پیدا کند. ۴۰۰ سکوی صوت وتصویرفراگیر شکل گرفته است و ما نباید فکر کنیم همان ۲۰۳ سکوارا داریم.» وی ادامه داد: «موضوع دیگر تعارض منافع واگاهی بخشی است، موضوع مهم دیگر درکنار امنیت شغلی بحث فرهنگی است، بنده از فیلم‌بین‌های قهار هستم و سریال‌هم‌زیادمی‌بینیم. سریال‌های غیرایرانی هم می‌بینم. اینکه فیلم یا سریالی ساخته شود که یک آسیب جدی به فرهنگ خانواده بزند، بسیار مضر است. کانون ایرانی کانون خانواده است. هر مناسبتی که می‌شود، خانواده‌ها دور هم جمع می‌شوند. اما اینکه فیلمی ساخته شود که دختر به‌صورت پدر سیلی بزند و پدر فحش رکیک به فرزندانش بدهد و این امر رواج پیدا کند و در مجامع بین‌المللی هم جایزه بگیرد، درست است؟ آیا ما باید نسبت به این کاری تفاوت باشیم؟ اول از همه باید نویسندگان، کارگردانان وبازیگران که دغدغه خانواده دارند نسبت به این موضوع حساس باشند، آنها باید ببینند از کانون خانواده دفاع کنند. اینکه طوری سریال‌های فیلم‌ها ساخته و به‌نمایش گذاشته شود، گویا هر جوانی که بخوهد تیپ روشنفکری داشته باشد باید مشروب بخورد یا سیگار بکشد، درست‌نیست.» خسروپناه در پایان صحبت‌هایش گفت: «نمی‌خواهم بگویم همه فیلم و سریال‌ها این‌طورند، فیلم‌های خوب هم زیاد داریم که درجهت تقویت کانون خانواده هستند. همه باید نسبت به مساله فرهنگی دغدغه داشته باشیم، نه اینکه عده‌ای به‌خطر یک سری مفاسد اقتصادی به فرهنگ آسیب بزنند. یک سوال فلسفی پیرسم، اگر بین سود اقتصادی عده‌ای و آسیب فرهنگی جامعه تراز پیدا شود باید چه کاری کرد؟ قانونگذار و ناظر باید چه کاری انجام بدهند؟ عده‌ای بگویند دغدغه ما تکنوکراتی است و حالا این دغدغه فرهنگی مهم است یا تکنوکراتی؟ یک‌جا ممکن است با هم تعارض پیدا کنند. الحمدلله وزارت ارشاد و صداوسیما، ساترا و عمده سسکوهای فرهنگی که درحال فعالیت هستند، دغدغه اصلی‌شان فرهنگ است و این دغدغه را باید نشان بدهیم. پیشنهاد می‌کنم شبیه برنامه زاپه، برنامه‌ای داشته باشیم که نسبت به ساحت‌های مختلف حوزه صوت و تصویر فراگیر صحبت شود.» به‌نظر می‌رسد که جلسه تمام شده باشد اما یکی از جمع هنرمندان هنوز حرف زده بود که در انتهای جلسه سکوتش را شکست. فریدون جیرانی رو کرد به محمدرضا جعفری جلوه که سال‌ها پیش و در دوران پارتلپاب سینمایی دولت احمدی‌نژاد، مدیر فآری بود. جماعتی که نیم‌خیز شده بودند که جلسه را تمام کنند، ایستادند و جیرانی گفت: «آقای جعفری جلوه خطاب من به شماست! شما می‌توانید مثالی برزید این نظارتی که الان سعید مقبسه مطرح کرد در کشور دیگری وجود دارد یا نه؟ منظورم این است که قبل از نمایش نظارت کنید. شما افغانستان کره شمالی را کنار بگذارید، آیا کشور دیگری را با این شیوه نظارت می‌توانید مثال بریزید؟ فکر نمی‌کنم در هیچ جای دنیا چنین نظارتی قبل از نمایش وجود داشته باشد. آقای جعفری جلوه روی سختم فقط با شماست! شما در دوره آقای احمدی‌نژاد آمدید یک دیزالو کردید از دولت اصلاحات به دولت احمدی‌نژاد و ما اهالی سینما را راضی نگه داشتید، یعنی هم روشنفکری را حفظ کردید، هم اعتقادات را و تعامل کردید. شما باید بگویید که آیا این نظارتی می‌تواند کاری کند؟ هیچ جای دنیا چنین نظارتی نیست. در نمایش نظارت است اما قبل از آن نه. آن هم در سال ۲۳-۲۰، در سال ۱۴۰۲ بخدا شدنی نیست آن هم با نسل دهه ۸۰ و نسل عوض شده. آقای جعفری جلوه شما یک کاری بکنید! این پایان اگرچه همه آن چیزی نبود که در این جلسه گذشت، اما این امید را دوباره زنده کرد که ابهامات ذهنی دو بخش هنرمند و حکامیت قابل مفاهمه و حل است، به‌شرط آنکه مسیر گفت‌وگو هموار باشد.

هفته کاری داریم اما در سال ۱۴۰۱، نزدیک به ۴۸ جلسه داشتیم، یعنی اگر یک روز هم تعطیل بوده، طوری جبران شده که ۶ روز اضافه آمده است. بعضی وقت‌ها که تعطیل بود، تلفنی جلسات را برگزار می‌کردیم و نتیجه‌اش هم شد البته اینکه آیش از ۵۰۰ قسمت سریال پخش شده، بیش از ۳۰۰ سریال درحال پخش و بیش از ۲۰۰ سریال منتظر پخش داریم. اینها یعنی چرخه نمایش خانگی فعال است. می‌خواهم بگویم مردم محروم نشدند. اتفاقا به‌نظم زیاده‌روی شده است. قسمت‌هایی که از ولنگاری فضای مجازی پخش می‌شود و انصافا خارج از حدود ارزش‌های اخلاقی جامعه است باید کنترل شوند. شاید ما در هدایت درست تولید کاملا موفق نبوده باشیم اما آن‌طور هم نیست که سد آهنی گذاشته باشند. درحال حاضر ۴۰۲ رسانه داریم که مجوز گرفته‌اند و کارشان را انجام می‌دهند.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «خیلی از دوستان اگر همین نکاتی را که راجع به مصوبه می‌گویم متوجه شوند، اصلا نیازی به بحث دیگری نیست. پیش از این، یک‌سری تولیدات در حوزه وزارت فرهنگ و ارشاد شکل گرفته بود، مثل کتاب، سینما، تبلیغات و بازی. حالا قرار شده که ادامه این موارد در حوزه صوت و فراگیر هم برعهده ارشاد باشد، مثلا خبرگزاری در حوزه ارشاد بوده و وقتی از نسخه مکتوب به دیجیتال و اینترنتی تغییر می‌کند دیگر در حوزه ساترا نیست و در حوزه ارشاد است؛ ولو اینکه دستورالعمل‌ها و قوانین و مقرراتش با توافق صداوسیما باشد. قبلا گفته می‌شد کتابی که وزارت ارشاد مجوز آن را داده بعد که قرار شد صوت آن در وی‌اودی پخش شود نیاز به مجوز ساترا دارد اما طبق مصوبه جدید، دیگر این‌طور نیست. کتاب صوتی را هم وزارت ارشاد پیگیری می‌کند و اگر قرار بر پخش باشد، مجوز آن محتوا را وزارت ارشاد صادر می‌کند.»



۹ گزارش

انجمن فیلم کوتاه خانه سینمارادیکال کردن فضا را انتخاب کرده‌است

داستان کوتاه «سینماتک»

یک قتل خانوادگی



میلاد جلیل‌زاده

خبرنگار گروه فرهنگ

قاعدتا وقتی بحث ساخت فیلم کوتاه در ایران مطرح می‌شود، اولین و غالب‌ترین عنوانی که به ذهن هر کس می‌آید انجمن سینمایی جوانان است. جایی که یک نهاد دولتی

به حساب می‌آید و مدیرانش می‌آیند و می‌روند. از گذشته‌های نسبتا دور، خیلی از کسانی که به‌واسطه حضور در دولت و وزارت ارشاد آن، نفوذ و کنترلی بر سینمای ایران داشتند، تلاش می‌کردند ساختاری بیرون از وزارتخانه‌ها ایجاد کنند که حتی در زمان تصدی‌گری دولت توسط جریان‌های دیگر، آن نفوذ و کنترل باقی بماند. خانه سینما در ابتدا با چنین ایده‌ای تشکیل شد. مرحوم سیف‌الله داد در اواخر تصدیگری وزارت ارشاد توسط سعیدمحمد خاتمی به فکر تأسیس چنین نهادی افتاد تا حتی اگر دولت از دست آن جریان به‌خصوص جریان سیاسی و فرهنگی خارج شد، تسلط و نقش هدایتگری آنها بر سینما باقی بماند. روی همین حساب در دولت دوم محمود احمدی‌نژاد و هنگامی که جواد شمقدری ابتدا معاون سینمایی و سپس رئیس سازمان سینمایی

شد، این تنش‌ها به بالاترین حالت خود رسید. اتفاقات پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ بستر را برای فردی مثل شمقدری فراهم کرد تا تسویه‌حساب‌های گروهی خودش با جریان‌های رقیب سینمایی را کلید بزند و آنها هم در تلافی کم نگذاشتند. این توضیح مختصر لازم بود تا بدانیم هرگاه تنش‌های سیاسی در کشور بالا بگیرد و البته دولت در دست جریان اصولگرا باشد، خانه سینما می‌تواند یکی از محل‌های نمود پیدا کردن تنش‌ها شود. اساسا معماری این نهاد این‌گونه است و فعالیت‌های صنفی چندان از آن دیده نمی‌شود. این پیرنگ کلیشه‌ای می‌تواند بارها و بارها پس از این هم تکرار شود؛ در زمان تصدی‌گری دولت به دست اصولگرایان و پس از رخ دادن یک جنجال بزرگ که بخشی از آن به خیابان کشیده می‌شود، تعدادی از هنرمندان سینما مواضع رادیکال می‌گیرند. بعد که غوغای خیابان خوابید، نوبت زد و خورده‌های بانندی و گروهی در بدنه سینما می‌رسند که منشأ آن خانه سینماست و نوک پیکان حمله وزارت ارشاد. تیپ و فیگور خانه سینما هم عمدتا رفتن در لاک مظلومیت است. این بار و پس از اتفاقات سال ۱۴۰۱ هم همین پیرنگ کلیشه‌ای دوباره تکرار شده اما یک رویداد دیگر که موازی با آن است، ابعاد جدیدی به قضیه می‌دهد. خلاصه ماجرا این است که سینمای ایران برای چندمین بار در تاریخ خود در مرحله‌ای قرار دارد که دفتر نسل‌های فعال

در آن ورق می‌خورد. در جشنواره فجر سال ۱۴۰۰ که اتفاقات خاصی کشور را به آشوب و اعتراض نکشیده بود هم می‌شد این را دید. همه کسانی که صحنه را صد می‌کنند، می‌دانند که اگر در چنین مرحله‌ای خوب و موثر بازی نکنند، ممکن است بعدها دست‌ششان از تاثیرگذاری و کنترل بر سینمای ایران کوتاه شود. حالا باید برگردیم به جایی که بحث را از آن شروع کرده بودیم؛ انجمن سینمای جوانان ایران. نهادی که در دولت قبل با خصوصی‌سازی شدید امر فرهنگ از رونق افتاده بود و میدان را به کارگاه‌های خصوصی و عمدتا گرانت‌قیمت فیلمسازی سپرده بود. این انجمن در دولت جدید دوباره فعالیتش را جدی کرد و در دو سه دوره اخیر جشنواره بیشتر کارگردان‌هایی که فیلم ساختند و حتی چند موردی که درخشیدند، همه از فارغ‌التحصیلان آن بودند. جریان‌هایی که از گذشته کنترل و ابزار هدایت سینما را در دست داشتند چندان با دیدن این وضعیت نمی‌توانستند بی‌تفاوت بمانند. آنها می‌دانستند که اگر وضع به همین منوال پیش برود، تسلط چند دهه‌ای آنها بر

سینما به همان شکل سابق ادامه پیدا نخواهد کرد و باید منتظر می‌ماندند تا داستان دوباره از همان پیرنگ کلیشه‌ای عبور کند. حالا دوباره قصبه به همان نقطه اوج می‌رسد، اما این بار با تمرکز بر فیلمسازان کوتاه یا همان‌ها که قرار است نسل آینده فیلمسازان بلند کشور را تشکیل دهند. اینکه عده‌ای اخیر هم بتوانند به اندازه دعوای خانه سینما در دوره شمقدری بزرگ شود یا نه، هنوز معلوم نیست. به‌نظر نمی‌رسد چنین باشد چون اولاً سینمای کوتاه برای رسانه‌ها و مخاطبان‌شان جذابیت خیلی کمتری دارد و ثانیاً فیلمسازان کوتاه نیاز به حمایت دارند نه هیاهو. جایی که می‌تواند از این جوانان به‌واقع حمایت کند، انجمن سینمای جوانان است نه انجمن فیلم کوتاه خانه سینما. انجمن فیلم کوتاه خانه سینما یک کمیته ۹ نفره عضوگیری دارد که هر شخص حقیقی فعال در سمت‌های کارگردان، فیلمنامه‌نویس، فیلمبردار، تدوین‌گر و صدابردار یا صداگذار فیلم کوتاه اگر متقاضی عضویت در آنجا بود، او را گزینش و تأیید می‌کنند. از این انجمن با نام اخذحضاری ایسفا هم یاد می‌شود. پس از اتفاقات سال ۱۴۰۱ چنانکه انتظا؟ فکر نمی‌کنم در هیچ‌جایی دنیا چنین نظارتی

یک‌سری تحرکات سیاسی صورت گرفت. طبیعتا این نهاد نمی‌توانست مثل انجمن سینمای جوان که نهادی دولتی است، بودجه مشخص دارد و دفاترش در استان‌های مختلف دایرند، به کادرسازی و تولید محتوا بپردازد؛ اما می‌توانست به‌عنوان گروه فشار عمل کند. در جشنواره فیلم کوتاه تهران هم یک‌سری فشارها به فیلمسازان جوان وارد شد تا از حضور در این رویداد انصراف دهند. حالا و پس از آرام‌تر شدن نسبی فضا و سررسیدن فصل نزاع‌های فنی‌تر و جزئی‌تر، ایسفا با برگزاری سینماتک و یک‌سری کارگاه‌های کوتاه‌مدت در پی به‌وجود آوردن یک پاتوق و محفل مرکزگرا و متمایل به جریان سیاسی رقیب دولت است. بلافاصله پس از آنکه به آنها ابلاغ شد برای برگزاری سینماتک لازم است که از اداره نظارت و ارزشیابی وزارت ارشاد مجوز بگیرند، فرصتی برای هیاهو و بلند کردن علم مظلومیت فراهم شد. نکته اول این است که اصل سینماتک که فضای نقد و بررسی و... هم دارد و قرار است در سینما برگزار شود، بایستی مجوز داشته باشد. نکته دوم به لزوم اخذ پروانه نمایش برای اکران فیلم در سالن سینما برمی‌گردد. مطابق ماده یک آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم، اسلاید، ویدئو و صدور پروانه نمایش، مقصود از فیلم، هرگونه فیلم، نوار ویدئو و اسلایدی است که در اندازه‌های مختلف

کوتاه، متوسط و طولانی تولید می‌شود و موضوعات این فیلم‌ها می‌تواند دربردارنده داستان، مستند یا محتوای آموزشی باشد. با وجود اینکه اتفاقات اخیر در رابطه با خانه سینما و انجمن فیلم کوتاه

آن مطابق همان پیرنگ کلیشه‌ای با پس‌زمینه‌های سیاسی پیش می‌رود، موردی که وزارت ارشاد به آن ورود کرده مربوط به لزوم اخذ مجوزهای قانونی است، نه فعالیت‌های سیاسی و اعتراضی اعضا ا ایسفا. در حقیقت برخورد درست هم همین است. کارگزاران ایسفا یا کسانی که به این محفل تعلق دارند حتی اگر رفتارهای غیرقانونی دیگری انجام داده باشند که مربوط به اظهار نظر یا کنش‌های سیاسی و اجتماعی‌شان باشد، بهتر است که تا حد ممکن وزارت ارشاد در این خصوص ورود نکند و حالا هم ورود نکرده است. به‌علاوه ممکن است با گذشت زمان بعضی از تنش‌های سیاسی کم‌رنگ شوند و خیلی از کسانی که نه به‌دلیل منفعت‌باختگی گروهی، بلکه واقعا به‌دلیل دلخوری و عصبانیت از بابت یک‌سری دغدغه‌های سیاسی حالا خشمگین هستند، از این حالت بیرون بیایند. حال آنکه با مقابله به مثل و امثال این برخوردها، احتمال دارد همین دلخوری‌ها به زخم چرکین و التیام‌ناپذیر تبدیل شوند. زخمی که باعث می‌شود عده‌ای از افراد دلخور و عصبانی، ابزار دست ذی‌نفعان یا منفعت‌باختگان دعوای‌های فرقه‌ای باقی بمانند. بس این حال هم

موضوع اخذ مجوز ایسفا برای برگزاری

سینماتک و هم بحث اخذ پروانه نمایش برای آثاری که قرار است در سینما اکران شوند، در حوزه وظایف وزارت ارشاد است.

دغدغه‌مندی‌های سیاسی و اجتماعی افراد هم در جای خود می‌تواند محترم و قابل بحث باشد، چه با آنها موافق باشیم و چه نه، اما نهاد صنفی رانمی‌توان به مثابه سنگری برای شلیک به جناح سیاسی مقابل یا تسویه‌حساب‌های اینچنینی قرار داد.

فالهکتگان‌اینلاین

farhikhteganonline

www.fdn.ir

فرهنگیستان

www.fdn.ir



امیر خراسانی، جامعه‌شناس شهری در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

تخیل سیاسی لیبرال‌های وطنی دشمن امر ملی است



سیدجواد نقوی

خبرنگار گروه اندیشه

جهان ما آکنده از تصمیم‌هایی سیاسی است؛ سیاست به صورت مستقیم و غیر مستقیم در زندگی نقش دارد اما جوامع به جهت سختی‌هایی که در زندگی روزمره دست‌وپنجه نرم کردن با آنها اجتناب‌ناپذیر است، دوست دارند صرفاً در بزنگاه‌هایی که سیاست جذاب است، با آن رابطه برقرار کنند. یکی از مواردی که باعث جذابیت سیاست می‌شود، تخیل سیاسی است که انسان‌ها و جوامع را به سمت آنچه خود دوست دارند سوق می‌دهد. می‌شود اینگونه تعبیر کرد که انسان‌ها برای آنکه لحظه‌ای سیاسی شوند، نیازمند تخیل سیاسی هستند که گهگاهی به اشتباه به وهم یا تخیلی غیر سیاسی هم سوق پیدا می‌کند. چندی است در کشور ما افرادی سعی دارند بحث‌هایی که سختی خاص خود را در عالم سیاست دارد به سمت نوعی تخیل سیاسی سوق دهند که خود مانع به وجود آمدن افق‌های نو است. برای بررسی آسیب‌های چنین نگرشی با امیر خراسانی، پژوهشگر فلسفه علوم اجتماعی به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

III

تعریفی از امر سیاسی و تخیل سیاسی داشته باشید تا به بحث اصلی و نسبت تخیل سیاسی و حکمرانی برسیم.

سیاست عرصه تغییر است. یعنی عرصه‌ای است که آدم‌ها برای تغییر حیات جمعی خود به آن روی می‌آورند. در این عرصه قدرت تولید می‌شود و در خدمت تغییرات اجتماعی قرار می‌گیرد. در نتیجه سیاست همیشه امر جمعی است و همواره معطوف به تغییری جمعی است. تخیل سیاسی در لحظات زیادی کار می‌کند اما افق‌های سیاسی در لحظات بسیار استثنایی باز می‌شود. یکی از معضلات دنیا این است که افق سیاسی جدید باز کند و براساس تخیلی جدید به امر سیاسی سامان بدهند. این لحظه همیشه لحظه‌ای نادر و استثنایی است. ولی تخیل سیاسی همیشه وجود دارد. ما بدون تخیل سیاسی نمی‌توانیم زندگی کنیم. تخیل سیاسی ناظر بر شیوه‌های تغییر است. مثلاً ما فکر می‌کنیم اگر برجام توفیقی پیدا می‌کرد زندگی بهتری داشتیم یا اگر حاکمان کشور ما آدم‌های دیگری بودند، می‌توانستیم زندگی بهتری داشته باشیم. چون آنها ریش‌شان را می‌زنند و خارجی حرف می‌زنند و با خارجی‌ها بهتر ارتباط برقرار می‌کنند. اینها بخشی از تخیل سیاسی است. مثلاً حرف‌هایی در مورد ایرانی‌ها زده می‌شود که اگر ایرانی‌ها مسلمان نبودند، امروز شرایطی آرمانی داشتند. این هم شکلی از تخیل است. مسیری که تصور می‌کنیم با طی کردن آن تغییرات اجتماعی و سیاسی مطلوب ما اتفاق می‌افتد. در یک برداشت کلی می‌توان این مطلب را عنوان کرد.

آیا می‌توان برتری تخیل سیاسی لیبرالیسم، اشکال مختلف از لیبرالیسم یا شکل لیبرالیسم دست راستی را که حداقل سه دهه در کشور ما کار می‌شود را توضیح داد؟ چرا این شیوه جلوتر از

دیگر تخیل‌های سیاسی است؟ چرا تخیل سیاسی اسلام سیاسی کم‌رنگ شده یا سوسیال دموکراسی نیست و وقتی وارد عرصه عمومی می‌شود انگار این تخیل چند مرحله جلوتر است؟

این موضوع جواب‌های متفاوتی دارد. مساله مهم است و از وجوه مختلف قابل بررسی است. من باید چند وجه را برجسته کنم. ما در مورد لیبرال‌ها چیزی در داخل ایران می‌گوییم ولی اینها به معنای متعارف کلمه لیبرال نیستند. آنها نئولیبرال به مفهوم لیبرال‌ترین‌ها و به معنای راست افراطی هستند. دعوی نئولیبرال‌ها با تخیل چپ‌ها نبود. دعوی اینها با لیبرال‌های میانه بود. چون وجه جدی لیبرالیسم و وجه قرارداد اجتماعی‌اش که عموماً از شاخه فرانسوی قرارداد لیبرال‌ها می‌آید و بعدها نظریه‌پردازان متفاوتی به عنوان نظریه‌پردازان لیبرال شناخته شدند، به‌طور جدی می‌خواستند که امر جمعی را پاس بدارند. ولی نقطه عزیمت آنها امر فردی است. چیزی که ما امروز با آن مواجه هستیم، لیبرالیسم به معنای متعارفی که در اندیشه سیاسی می‌شناسیم نیست بلکه یک اقلیت محض در اندیشه سیاسی ایران در حال تبدیل شدن به اکثریت است. هائیک‌ها، یا اتریشی‌ها در دنیا جای چندانی ندارند و در گوشه‌هایی از دانشگاه یا سیاست هستند و دولت‌های بسیار استثنایی مثل دولت تاجر و ریگان و برخی از دولت‌های جهان سوم به آنها روی خوش نشان داده‌اند. دعوی آنها با لیبرال‌های میانه بود. از این رو دعوی‌های هائیک نه با مارکس و مارکسیست‌ها و چپ‌ها بلکه با امثال مارشال و کینز بود. اینها به اوباما و بایدن و حتی هالیوود کمونیست می‌گویند، چون یک ایده مشخص دارند. ایده آنها این است که راه میانه‌ای وجود ندارد و جهان باید به‌طور کامل به ایده‌های لیبرال‌ترین‌ها سر بیاورد. شما یا کمونیست مطلق یا بازار آزاد مطلق هستید. این شکلی از ایدئولوژی است که روبه‌روی برداشت ایدئولوژیک از کمونیسم و... می‌ایستد. اما در عین حال دشمن اصلی‌اش آدم‌های میانه هستند؛ دشمن اصلی‌اش اقتصاد تخریبی است، دشمن اصلی‌اش کسانی هستند که می‌خواهند به اقتصاد ملی فکر کنند، کسانی که در چهارچوب دولت ملت و به منافع جمعی فکر می‌کنند. اینها دشمن اصلی لیبرال‌های میانه هستند. در نتیجه اینجا نه چپ‌ها که سال‌ها است در ایران صدای بسیار اقلیتی دارند بلکه نیروهای میانه قافیه را باخته‌اند. نیروهای میانه ایران که بنا بود به امر اجتماعی و ظرفیت‌های منطقه‌ای و توسعه درونی براساس ظرفیت‌های خود فکر کنند، امروز محکوم شده‌اند و قافیه رسانه‌ای را باخته‌اند.

دلایلی که می‌شود برشمرد بسیار جالب است. من مدتی می‌دیدم کسانی از لیبرال‌ترین‌ها و این نئولیبرال‌های وطنی دفاع می‌کنند که مدام از دولت مطالبه دارند. می‌گویند بیکاری و تورم زیاد شده و... کسی که چنین توقعی از دولت دارد که نمی‌تواند چندان نئولیبرال باشد؛ چون لیبرالیسم می‌گوید دولت فقط یک وظیفه ذاتی دارد و آن هم این است که دولتی کوچک و قوی باشد و بتواند از بازار کاملاً آزاد، نه بازار آزاد، بلکه بازاری که هیچ محدودیت و دست‌اندازی ندارد دفاع کند. یعنی بازاری که آنقدر بزرگ است که همه نظم‌های اجتماعی دیگر ذیل آن تعریف می‌شوند. در نتیجه این حیرت‌انگیز است که قافیه باخته می‌شود و آنهایی قافیه را می‌بازند که نه چپ، بلکه نیروهای میانه‌ای هستند که می‌خواهند به اقتصاد ملی فکر کنند و حتی به

بخش خصوصی و دولت کارآمد فکر می‌کنند.

مساله دوم این است که هائیک مقاله‌ای درباره روشنفکران نوشته و آنها را به پیروی از سوسیالیسم متهم کرده است. البته نه روشنفکران بلکه هالیوودی‌ها را چون می‌گفتند سینماگران هالیوود کمونیست هستند. چون سرمایه‌داران را لب ساحل در حال کشیدن سیگار برگ نشان می‌دهند. سناتور‌ها را در حالی نشان می‌دهند که با گروه‌های گنگستری در حال بده‌بستان هستند. این وضعیت در سال ۱۹۴۹ شروع شده است و فراموش نکنیم که جریان مک‌کارتیسم در سال ۱۹۵۰ شروع می‌شود. یعنی بین این دو ارتباطی جدی وجود دارد. اینها زمینه نظری را چیدند تا مک‌کارتیسم به جان نیروهای میانه و نیروهای چپ‌گرا و نیروهای هالیوود بیفتد. درحالی‌که نیروهای هالیوود مظهر سرمایه‌داری هستند. این ایده فقط یک ایده نیست و لوازم دیگری هم دارد. در تخریفی که از فولاد مبارک رسانه‌ای شد، عدد قابل توجهی برای رسانه‌های اقتصادی اختصاص داده شده است. چرا فولاد مبارک باید چنین عدد و رقمی را به رسانه‌های اقتصادی مثل دنیای اقتصاد و بقیه بپردازد؟ برای اینکه از ایده فروش دلاری دفاع کنند. در نتیجه فقط این‌طور نیست که با یک ایده روبه‌رو باشیم؛ با یک دستگاه عریض و طولی روبه‌رو هستیم که تمام سایت‌ها و روزنامه‌های اقتصادی اصلی در خدمت این ایده هستند. لابی‌ها و سیاستمداران در خدمت این ایده هستند و پول عظیمی وجود دارد. چون این ایده با منافع گروه‌های مشخصی در ایران ارتباط پیدا کرده است. پول عظیم دارند. رسانه دارند. در محافل همه دولت‌ها نفوذ جدی دارند. وزیر دارند. یکی از وزارتخانه‌های اصلی این کشور ۸ سال در دست کسی بود که معتقد است هر شکلی از مداخله دولت در ساخت‌وساز مسکن و در این بازار خلاف آرزوخواهی است. عقیده آقای آخوندی اینقدر ایدئولوژیک است. ما با نیرویی عمیقاً ایدئولوژیک روبه‌رو هستیم. مساله چپ‌ها و... نیستند. مساله این است که نیروهای میانه را محکوم کرده و هیچ وقت راضی نشوید. خصوصی‌سازی همیشه کم است و دولت غلط کرده و نباید هیچ چیزی داشته باشد. همان‌طور که زمانی کمونیست‌ها هر نظم اجتماعی را لیبرال و سرمایه‌دارانه می‌دانستند، امروز هم اینها هر نظم اجتماعی را به‌جز بازار نامحدود، غیرلیبرال و کمونیستی می‌دانند. اگر قبلاً در دوران جنگ سرد تعارضی بین این دو دیدگاه وجود داشت، امروز دیدگاهی است که تقریباً در ایران کسی در مقابلش نایستاده و عده محدودی در برابرش مقاومت می‌کنند. در دنیا این‌طور نیست. مثلاً شما در آلمان جرات نمی‌کنید از این حرف‌ها بزنید چون پوست شما را می‌کنند و گروه مقابل گروهی قوی است. در ایران مشکلی به وجود آمد. یعنی گروه رقیب این ایده تقریباً حذف شد و صاحبان این ایده وزیر و وکیل شدند و دولت ساختند و رسانه‌ها را گرفتند. این ایده را به زبان عوام‌الناس انداختند و آدم‌های عادی هم بر این اساس فکر می‌کنند. وقتی در لیگ فوتبال تک تیمه بازی می‌کنید، همه فکر خواهند کرد فوتبال همان چیزی است که شما بازی می‌کنید.

فارغ از اینکه ما این نکات را قبول می‌کنیم، هستی‌شناسی و اتفاقی که در عالم اجتماعی می‌افتد و اراده جمعی که اراده‌های بیشتری را نسبت به سایر نحل‌ها جمع می‌کند چطور این تخیل

را بیشتر دارد؟ یعنی امر ملی به این صورتی که شما از آن حرف می‌زنید تخیل نمی‌شود و امر جهانی یا هر درهم تنیدگی با جهان امری جالب و مترقی است؟

این را باید در قالب نقد ایدئولوژی ببینیم چون بخش زیادی از این کار کرد ایدئولوژی است. کارکرد ایدئولوژی این است که برای شما جهانی با یک سری قهرمان بسازد، مبدأ و غایتی بسازد و قصه جهان را به قصه دیو و دلبر تبدیل کند. ایدئولوژی خاصی که داریم یعنی ایدئولوژی بازار آزاد تمام لوازم تفوق را در ایران در اختیار گرفته است، اینکه می‌گوییم در دولت‌ها اینچنین است باید ببینیم کدام وزیر اقتصادی و کدام رئیس بانک مرکزی در چهار دهه گذشته به این ایده تعلق نداشت؟ اگر در میان رسانه‌ها بگردید؛ چپ و راست و اصلاح‌طلب و اولگرها و ارزشی و غیرارزشی ندارد، کدامی که در بحث‌های توسعه‌نا انتها سرسپرده این ایده نیست؟ اتفاقاً ما با ایدئولوژی طرف هستیم که مدام اشعاب‌هایی به‌وجود می‌آورد و وضعیت آنترناتیو تولید می‌کند. فکر می‌کنید دیگر ایدئولوژی‌ها چگونه کار می‌کنند؟ می‌گویند غایتی وجود دارد و اگر ما به سمت آن غایت حرکت کنیم، رها می‌شویم. این غایت غرب می‌باشد و تصور آنها از غرب، تصویری کاریکاتوری است. نمی‌دانند که غرب پدیده‌ای همگن نیست و در همین غرب اتحادیه‌های سوسیال، کارگری و خدمات اجتماعی بی‌نهایت قوی است و شما جرات نمی‌کنید سن بازنشستگی را چهار سال بالا ببرید، چون ملت به خیابان‌ها می‌ریزند. اتحادیه‌های کارگری قوی و تامین هستند و می‌توانند خیابان را بگیرند، مجلس را داشته باشند و نشریات متعددی دارند. متن مکاتبات هائیک و تاجر منتشر شده است. هائیک می‌گوید اتحادیه‌های کارگری باید از بین بروند. علت ستایش اینها از پیئوشه همین است. دیکتاتور بود ولی آزادی‌های اقتصادی ایجاد کرد. از نقش دولت کم کرد و در نتیجه به آزادی نزدیک‌تر بود. ایدئولوژی همین است و هر چیزی را همدست خودش می‌کند.

البته این موارد بحث‌های نظری جدی دارد. چیزهای زیادی مانع شده و اتفاق افتاده است. یکی از اتفاقات جدی در این سال‌ها منحل شدن فلسفه در ایران است. البته این روند در جهان هم اتفاق افتاده است. فلسفه در ایران به انواع فلسفه‌های مضاف و فلسفه زبان و فلسفه ذهن و فلسفه تکنولوژی و... تقسیم شد. فلسفه به‌نوعی پاسداری از حقیقت است. شما با فلسفه دعوی حقیقت می‌کنید ولی فلسفه از وادی حقیقت پارس کشید و به سراغ امور جزئی رفت و از دفاع از عرصه کلی دست کشید. در نتیجه عرصه عریان شد. این بحث‌ها اقتصادی نیست. نظریه کنش انسانی توسط بودیو و هابرماس و... نوشته شده است. این‌ها که بحث‌های اقتصادی نیستند. اینها بحث‌های جامعه‌شناختی و فلسفی است، اگر ایده دورکیم را از هائیک بگیرد، هائیک فرو می‌ریزد. اینها بحث‌هایی است که کلاسیک‌های جامعه‌شناسی تدوین کرده‌اند. فضیلت فلسفه، میشل برای جست‌وجوی حقیقت است و فضیلت جامعه‌شناسی، میشل برای دفاع از امر اجتماعی و دفاع از جامعه بوده است. حال فکر کنید عده‌ای بی‌خبر از همه این بحث‌ها و دعوایا فکر می‌کنند، دو شابلون دارند و گمان می‌کنند همه جوامع را باید به یک شکل در بیاورند و جهانی بسازند که دولت حداقلی مدافع بازار باشد. دولت یک وظیفه دارد آن هم دفاع از بازار نامحدود است.

یادداشت

مردم چه صدایی را می‌شنوند؟

سال گذشته در کوران

اغتشاشات یادداشتی

نوشتم که در پاسخ به

این سوال بود: چگونه

می‌توان صدای مردم را

شنید؟ در آن یادداشت از سختی پاسخ به این سوال گفتم و به

برخی تلاش‌ها و تجربه‌های مردم‌شناسان و جامعه‌پژوهان اشاره

کردم. همان موقع به این نتیجه رسیدم که کلید شنیدن صدای

مردم این است که اول بدانیم آنها چه صدایی را می‌شنوند. چندی

بعد قصد داشتم به سوال تیتیر یادداشت حاضر پاسخ گویم که

این موضوع به تعویق افتاد. حالا در این نوشته می‌خواهم به آن

بپردازم.

طبعاً شنیدن نمی‌تواند به معنای رسیدن هر صدای صوت به

گوش باشد، چه اگر این گونه باشد، هر صدایی که بلندتر یا ممتد

باشد، متعلق شنیدن است، حال آنکه می‌دانیم مردم هر صدای بلند

یا ممتدی را گوش نمی‌کنند. بنابراین شاخص شنیدن باید چیزی از

نوع پذیرفتن و قبول کردن باشد.

شنیدن مردم با شنیدن افراد یا جمعی جبری از افراد که کنار

یکدیگر قرار گرفته‌اند، متفاوت است. هر فردی می‌تواند صدایی را

قبول داشته باشد یا افراد بدون ارتباط با یکدیگر می‌توانند به صداهای

متکثری گوش فرا دهند اما وقتی مردم می‌شنوند، نمی‌توانند همزمان

چند صدای متفاوت و مخالف را هم و جذب کنند، چون اساساً فلسفه

مردم‌شدن شان زیرسوال می‌رود. مردم صدایی را می‌شنوند که آنها را

خطاب می‌کند، نه فرد یا افراد را.

همه مردم دنیا یک‌صدارا نمی‌شنوند، هر مردمی صدای خودشان

را می‌شنوند. البته به این معنا نیست که به هیچ وجه صداهای

مردم دیگر مسموع نیست. در برخی کشورها صداهای بیگانه هم

خوب شنیده می‌شود، بنابراین وقتی گفته می‌شود مردم چه صدایی

را می‌شنوند، در واقع داریم می‌گوئیم مردم «ایران» چه صدایی را

می‌شنوند.

وقتی از مردم ایران حرف می‌زنیم، در واقع باید ببینیم چه صدایی

این هویت (مردم ایران) را خطاب قرار می‌دهد. مردم ایران صدایی

را بهتر می‌شنوند که هویت‌شان را خطاب قرار می‌دهد. آنها ۴۵ سال

پیش در میان چهار صدای دربار، روشنفکری، استعمار و روحانیت، آن

صدایی را انتخاب کردند که تکریم و احترام را به هویت‌شان بازگرداند.

مردم ایران صدای تکریم و احترام را از نهاد روحانیت شنیدند،

البته بهتر است که بگوئیم با روحانیت هم‌صداد شدند، چون آنان

در طول تاریخ خود هیچ‌گاه صدای ظلم، جور، غلبه، سلطه و استبداد

را آزادانه نپذیرفته بودند. آنها تجربه مردم اهل کوفه را پیش چشم

داشتند، نمی‌خواستند مصداق لعن زیارت اربعین باشند: «لَعْنُ اللّٰهِ

اُمُّهُ سَمِعَتْ بِذَلِكِ فَرَضِيَّتْ بِه».

مردم آن صدایی را شنیدند که آنها را مردم کرد، صفوف آنها را فشرده

ساخت و هویت را به آنان بازگرداند. صدای توحید تنها صدایی بود

که آنان را از سلطه غیر و بیگانه‌رهایی بخشید. اما این صدا همیشه

راحت به گوش مردم نمی‌رسید. زمانی جبهه‌بندی صداهای معارض

روشن و قابل اشاره بود، صدای مشرک، فاسق، ظالم، مستکبر و منافق

بهتر قابل تشخیص بود، تبری جستن از آنها و تولی ورزیدن به صدای

توحید راحت‌تر بود اما اکنون برائت از معارضان بسی سخت شده است.

با وجود این، مردم ایران هنوز که هنوز است قدرت شنیدن صدای

توحید را دارند، با اینکه صداهای معارض پرچم و پرفشار همه

گوش‌ها را پر کرده است، اما آنان برای شنیدن صدای توحید، هم

بنیة درونی قوی و هم شاخص بیرونی پایداری دارند. ایمان به خدا،

همان بنیة درونی قوی است. تبعیت از ولی‌فقیه هم شاخص بیرونی

کم‌سابقه‌ای است.

نشانه پذیرش صدای توحید توسط مردم ایران، عمل ایمانی آنان

است. همین عمل ایمانی، خودمتدانی (دنیوی) آنان را تبدیل

به خود متعالی کرده است. مردم صدایی را می‌شنوند که خود متعالی

آنان را خطاب قرار می‌دهد، مردم صدایی را می‌پذیرند که فطرت آنان

را می‌جانباند. عالی‌ترین حرکات جمعی مردم و مهم‌ترین دلیل مجتمع

شدن آنان همچنان ریشه ایمانی دارد.

راه خوب شنیدن صدای توحید، مبارزه با صداهای معارض است.

با اینکه مردم فطرتاً متوجه صداهای معارض می‌شوند، اما گاهی

راه تشخیص و سم‌زدایی از چنین ابتلائاتی را نمی‌دانند. آنان متوجه

عدول و نزول از خود متعالی خویش می‌شوند اما گاهی مسیر ترمیم و

صعود را پیدا نمی‌کنند. مردم برای قربانی کردن خود متدانی خویش

راهنما می‌خواهند. قربان وقتی برای مردم عید می‌شود که به غدیر

منتهی شود. عید قربان، عید ولایت است. عید قربانی کردن صداهای

معارض و شنیدن صدای امامت و ولایت.

مطالبه حقیقی مردم از مسئولان تدادم شنیدن صدای توحید

است. مردم از دولت و مجلس و قوه خواهان شنیدن پیام

کارآمدی هستند، آنان محیطی را می‌خواهند که هیچ نیروی معارضی

جرات سروصدا نداشته باشد. تنگی معیشت، قانون ناپایدار و وجود

فساد، این محیط را ناسالم می‌کند. محیط که سالم‌تر شود مردم هم

راحت‌تر صدای خدمت مسئولان را می‌شنوند.

مداخله هر نهاد دیگری آزاد باشند؛ هر نهادی که به هر نحوی

حوزه عمومی و امر جمعی را نمایندگی می‌کند ولی این آزادی

مثبت نیست. آزادی به این معناست که شما آموزش‌وپرورش داشته

باشید. آزادی به معنی مسکن داشتن است. من از گفتار لیبرال

استفاده می‌کنم. آزادی یعنی اینکه شما استحقاق داشتن درمان

و بیمه‌های اجتماعی را داشته باشید، در نتیجه تلقی آنها از آزادی

صرفاً آزادی منفی است، به معنی بریدن دست هر نوع مداخله‌ای

به نفع امر جمعی و کلی.

اگر بخواهیم در برابر این ایدئولوژی خشن تبدیل به انترناتیو**رقیب شویم، بهترین راه چیست؟ شبیه به مکانیسمی که با****خشونت جلو می‌رود و این خشونت را به تحلیل تبدیل می‌کند.**

فکر می‌کنم مهم‌ترین کاری که باید کرد این است که گفتار

ضدهژمونیک تولید کنیم. باید بتوانیم در گام اول، نقد ایدئولوژی

کنیم و باید بتوانیم نشان بدهیم گام دوم، تاثیر گذاری روی

سیاستگذاری‌هاست و بتوانیم روی پیشاسیاستگذاری‌هایی که در

امر ملی هستند اثرگذار باشیم. روی سیاستگذاری‌های مالیاتی

و رفاهی و تاکید روی دولت مسئول اثر بگذاریم. از این رو با قانون

اساسی ایران بد هستند، چون معتقدند قانون اساسی دست دولت

را باز گذاشته است، به دولت چه ربطی دارد که نان مردم را بدهد؟!

بیکاری به دولت چه ربطی دارد؟! مسکن و آموزش‌وپرورش ربطی

به دولت ندارد! گام دوم دعوایر سر سیاستگذاری‌های دولت است

و گام سوم، بسیج تمامی کسانی است که از این وضعیت متضرر

می‌شوند. شوخی نیست، اگر بچه یک کارگر باشید نمی‌توانید به

دانشگاه بروید. دانشگاه شما باید پولی باشد. دانشگاه غیرپولی

برای از ما بهتران و دهک‌های ۸ و ۹ و ۱۰ است. امر واقعی بازنده

شدن تعداد بسیار زیادی از آدم‌هاست. ایدئولوژی آمده تا کمک

کند و این آدم‌ها نهمند که به چه دلیلی باخته‌اند و بی‌خانه

شده‌اند و به چه دلیلی ۵۰ درصدشان خانه ندارند و به‌سختی

اجاره‌خانه می‌دهند. امر واقعی این است که راجع به این هم

باید حرف زده نشود، همه این مسائل به موضوع مذاکره ایران و

آمریکا تقلیل داده می‌شود. آن هم دروغ محض است. ایران ۳۰

سال است که با آمریکا مذاکره می‌کند، تنها کشوری که می‌تواند

با بقیه مذاکره نکند کشور امپریال است. بقیه مجبور به مذاکره

هستند. ما مذاکره کردیم و با آنها به تفاهم رسیدیم و زیر تفاهم

زند. هر وقت بر سر امر ملی، بومی و منطقه‌ای خود تاکید کنید،

موجی از برچسب‌های ایدئولوژیک را به دست می‌گیرند و به همه یا

رابط و بی‌ربط می‌گویند کمونیست و عقیده دارند

حکومت ایران در دست کمونیست‌هاست.

آقای فرشاد مومنی از درون موسسه

دین و اندیشه همچنان در حکومت

ایران می‌دمد. کسانی که در دهه

۶۰ در دولت ایران بودند، هنوز

هم هستند. آنان عقیده دارند کم

است و آموزش و مسکن و... بیشتر

باید خصوصی شوند و کم است و

همه چیز باید به بازیگران فردی

سپرده شود.

می‌دهند به تعبیری در این لحظه شبیه به تصویری است**که برخی متفکران در غرب بحث می‌کنند. چطور این تصویر****فراگیر و بر ساخت می‌شود؟ اگر درمورد امر ملی صحبت****کنید، شاخصه امر ملی مثلاً مقاومت و روحانیت قبل و بعد از****مشروطه یا اتفاقات برخی ملی‌گراها در تاریخ معاصر ما الان****نمی‌گیرد؟ به جای اینکه به تحلیل سیاسی و اجتماعی تبدیل****شود در تصویر لیبرالی می‌نشیند که امروز هم وجود دارد؟**

به‌نظر من آدم‌های زیادی به این سوال جواب داده‌اند، ازجمله

مهم‌ترین‌های آنها گرامشی است. وی می‌گوید مگر قرار نبود،

کارگران جهان متحد و به مناسبات واقعی خود آگاه شوند و انقلاب

کنند، چرا نکردند؟ جوابی که می‌دهد درخشان است و نشان

می‌دهد بلوک‌های تاریخی می‌توانند هژمونی بسازند. فرق هژمونی

با سلطه این است که شما می‌توانید رضایت تولید کنید، یعنی من

می‌توانم براساس هژمونی معین به جان بدنم بقیتم و بعد فکر کنم

زشت هستم و چانه‌ام را عمل کنم و بخواهم به یک تصویر آرمانی از

بدنی آرمانی برسم. چون واقعا باور کرده‌ام که این اتفاق باید بیفتد.

هژمونی با تسخیر نهادهای مدنی ساخته می‌شود. این آقایان

نهاد آموزش را به‌معنای وسیع کلمه در ایران تسخیر می‌کنند. از

مدارس لاکچری و خاص‌راهی دانشگاه‌ها می‌شوند، چون از مدارس

دولتی که خیلی کم راه پیدا می‌کنند. اینها صنایع فرهنگی را در

ایران تسخیر کرده‌اند؛ از تولید انواع و اقسام فیلم‌ها و تصاویر و...

و مهم‌تر از همه، رسانه‌ها را تسخیر کرده‌اند. چطور آدم‌های عادی

ایدئولوژیک نشوند؟ نهادهای ساخت هژمونی را به‌طور تاریخی

از چنگ دولت درآورده‌اند و خوانشی عجیب و غریب و ضددولتی

به وجود آورده‌اند. امروز حتی یک خواننده هم می‌گوید نه به

اقتصاد دستوری! ولی نمی‌داند اقتصاد دستوری چیست؟ دستور

چیست و اقتصاد چیست؟ در عصر دولت-ملت‌ها، اقتصاد همیشه

دستوری است. فلان دانشجوی جوان یا فلان کارگردان فیلم که

اینها را نمی‌داند. وظیفه اصلی رشته‌های نظری، به‌ویژه فلسفه و

علوم انسانی نظری این است که در مقابل اینها در گام اول دست

به نقد ایدئولوژی‌ها بزنند و نشان بدهند که ما چطور به آدم‌های

ایدئولوژیک تبدیل شده‌ایم؟

همین خواننده‌ای که در آوازش خواند نه به اقتصاد دستوری،**توسط میلیون‌ها نفر وایرال شد. می‌شود گفت ایدئولوژی****راست‌افراطی در داخل کشور ما- که لیبرال‌های هائیکی هستند-****بیش از اینکه به دنبال تربیت مدنی به شکل لیبرال کلاسیک‌تر****آن با اشکال دیگر باشند، به‌نوعی دنبال سیاست‌زدایی در****این سال‌ها بودند.**

بله، دقیقاً همین‌طور است، چون از نظر آنها امر جمعی دردسر

دارد. یک جمله معروف هابک این است که عدالت که سراب

است، ولش کنید، هر شکلی از خیر جمعی محدودکننده

آزادی‌های فردی است، در نتیجه امر ملی به‌عنوان هر شکلی

از امر جمعی، مانعی برای آزادی‌های فردی است. از این رو

اینها به‌طور جدی مخالف هر شکلی از عقل جمعی هستند،

به همین منظور از کودتای آمریکا در ایران و همین‌طور از

مداخله شرکت‌های بین‌المللی دفاع می‌کنند. اگر چه اینها

در عرصه واقعی دانش، قافیه را باخته‌اند ولی ایدئولوژی

تولید می‌کنند. صداهایی که درمقابل شان بلند می‌شود،

صداهایی پراکنده و فردی است. یک پژوهشگر، یک استاد

دانشگاه و... این صداهای پراکنده تجمیع نمی‌شود،

چون نهادی ندارند، چون رسانه‌ای ندارند.

نهاد داشتن به معنی تربیت آدم‌هایی

است که سیلانه‌روز از ایدئولوژی

شما دفاع کنند.

در عرصه جهانی از**پنبوشه و در عرصه****داخلی هم از کودتای****پهلوی و آمریکایی‌ها****دفاع می‌کنند و آن را****به سوزِ فردی تقلیل****می‌دهند اما در همین****لحظه گفته می‌شود این****اتفاقات به نفع منافع****ملی بود. نوعی عمل****خشونت‌آمیز یا کودتا را****به‌نوعی سفیدشویی می‌کنند.****در راستای منفعت ملی نشان****می‌دهند که این وضعیت کار را بسپار****بپیچیده ه می‌کنند؟**

اینها مواردی مثل منفعت ملی را مانع

آزادی‌های فردی می‌دانند و معتقدند

اصل اساسی، آزادی اقتصادی فرد است.

فرد به معنی سایجکت که بحث جدی

دارد. این سایجکت چیست و هست

یا نیست؟ سایجکت اقتصادی که

سایجکت فردی نیست؛ سایجکتی

است که در نهادهای غیرفردی حکم

شده و بنگاه نهادهای اجتماعی دیگر

است. هر چیزی که مخالف این آزادی

اقتصادی تام‌وتمام سوز‌های فردی

باشد، سرکوب می‌شود. از این رو آنها

از دیکتاتور پرتغال هم دفاع می‌کردند،

در نتیجه دولت قوی کوچک که مدافع

آزادی اقتصادی باشد، مورد دفاع

اینهاست. اینها عمیقاً ضددموکراسی

هستند، چون معتقدند دموکراسی

می‌تواند امر جمعی و توافق جمعی بسازد

و این می‌تواند آزادی‌های اقتصادی فردی

را تحت‌الشعاع قرار بدهد. تلقی‌شان از

آزادی همین آزادی منفی است و تلقی‌ای

از آزادی مثبت ندارند. آزادی یعنی ملت از

ادامه از صفحه ۱۴

این روندی بود که تمام جبهه‌ها را با ابزار ایدئولوژی فتح کرد. از

نظر کلاسیک‌ها، امر اقتصادی و هدفمند بودن انسان و اینکه سود

کسب کند و عقلانی رفتار کند و نظریه کشش که بحثی فنی است

به‌عنوان امر پیشینی ذهن در نظر گرفته شد و گفتند همان‌طور که

کانت می‌گفت دو به‌علاوه دو یعنی چهار و این را به‌عنوان گزاره‌های

ترکیبی پیشینی طرح می‌کرد. یکی از گزاره‌های ترکیبی پیشینی

همین است که انسان بنا به عقلش هدف دارد و هدفش کسب

موفقیت اقتصادی است. فیلسوف‌ها بر سر این دعوا نمی‌کنند که

گزاره ترکیبی نمی‌تواند، پیشینی باشد. کانت این کار را کرد تا علم را

نجات دهد، برای اینکه نیوتن را نجات بدهد. این کتاب‌ها در دنیای

فلسفه عددی نیستند ولی در ایران برای ما اصول دین شده‌اند و در

هیچ کجای فلسفه جهان نیستند ولی اینجا به آثار سترگی تبدیل

شده‌اند. این شبیخون گروهی ایدئولوژیک بر تمام حوزه‌هایی بوده

که قرار بود دفاعی از امر اجتماعی و حقیقت داشته باشد، ولی تبدیل

شد به شکلی از دفاع از جنگل که سلطان جنگلی به نام دولت دارد

و کار او تنها حفظ قواعد این جنگل است.

جریانی که شما ایدئولوژیک معرفی‌اش می‌کنید در عرصه**اجتماعی همیشه دیگران را به ایدئولوژیک بودن متهم می‌کند****و خود را مدافع علم می‌داند.**

اینهایی که می‌گویند مدافع علم هستند، مخالف روش علمی‌اند

ولی در این بحث‌ها دقت نمی‌شود. پارادایم اصلی نوکلاسیک‌های

اقتصادی، استفاده از مدل ریاضی، محاسبه و تحلیل داده‌های

تجربی است. از نظر اثربشی‌ها، روش اقتصاد، کلا تجربی نیست

چون اقتصاد علمی تجربی نمی‌باشد و علمی یقینی است. از این

رو به سراغ گزاره‌های پیشینی می‌روند. اینها طرفدار استنتاج در

اقتصاد هستند نه امر تجربی. شما با عدول عجیب و غریبی از آن

چیزی که ما به‌عنوان دانش بشری می‌شناسیم، مواجه هستید.

فراشوش نکنید در همین مدت ازجمله کسانی که جامعه‌شناسی را

تا لحظه تاسیس در نظر داشت ویر بود. ویر همیشه عقیده داشت،

جامعه‌شناسی دانشی تجربی است و ما در جامعه‌شناسی پیشینی

نداریم. تاکید شد که این دانش، دانشی تجربی است. در مقابل این

ایدئولوژی تاکید می‌کرد اقتصاد، دانشی تجربی نیست و پیشینی

است. در قالب یک گفت‌وگو نمی‌شود این بحث را باز کرد، امیدوارم

خواننده متوجه این دلالت شود که این دانش دانشی پیشینی است،

یعنی دعوایر استنتاج است. ما می‌توانیم بقیه رفتارهای بشر را از

این گزاره‌های پیشینی استنتاج کنیم، یعنی علمی در کار نیست.

وقتی می‌گویند علم اقتصاد، منظور آنها همین است. به همین

معنا که ما در فیزیک می‌گوئیم هر تغییری علتی دارد، نزد کانت

گزاره ترکیبی پیشینی بود. به همین مفهوم ما می‌توانیم بگوئیم

یک روز بعد از تذکر رهبر انقلاب باز هم توضیح برای افکار عمومی در خصوص تصمیمات قضایی جدی گرفته نشد

مورد عجیب اکبر طبری

گزارشگری درست انجام بگیرد.»

این سخنان و گلابه رهبری از وضعیت رسانه‌ای قوه قضائیه را بگذارد کنار اقدامات دستگاه قضایی خطاهایی که در این حوزه در گذشته وجود داشته و البته عدم اهتمام به برطرف شدن این نقیصه. هنوز چند روزی از سخنان رهبری نگذشت که رئیس سازمان زندان‌ها دوباره این ایراد کهنه و البته مهم یعنی ضعف رسانه‌ای قوه قضائیه را نشان داد. غلامعلی محمدی، رئیس سازمان زندان‌های کشور در یک برنامه تلویزیونی و در پاسخ به این سوال که آیا آقای طبری، آقای هاشمی و آقای نجفی در زندان هستند یا خیر، گفت: «آقای طبری از مرخصی طولیل‌المدت بهره‌مند نشده است.

اگر وی در زندان نیست به دلیل تصمیم مرجع قضایی است نه به لحاظ اعطای مرخصی. ممکن است یک زندانی درخواست اعمال ماده ۴۷۷ کند و در فرآیند رسیدگی به این ماده به‌صورت موقت اجرای حکم متوقف شود، اجرای حکم که متوقف شد وی به خارج از زندان می‌رود و مجدداً به وضعیت محکومیت اتهام زندانی رسیدگی می‌شود. اگر در فرآیند رسیدگی، کاشف به عمل آمد که نباید داخل زندان شود یا تیرئه می‌شود یا ممکن است نسبت به مجازات او تخفیف داده شود یا ممکن است به زندان برگردد. آقای نجفی هم نه از مرخصی بهره‌مند است و نه در زندان به سر می‌برد اما براساس تصمیم مرجع قضایی موجبات آزادی وی فراهم شده است. فکر می‌کنم ایشان رضایت‌شاکی خصوصی را گرفته باشد. زمانی که محکومی رضایت‌شاکی خصوصی را دریافت کند می‌تواند به موجب قانون از ارفاقات قانونی بهره‌مند شود. موجبات آزادی آقای نجفی از تسهیلاتی که قانونگذار در حقوق کیفری پیش‌بینی کرده فراهم شده است. آقای طبری، آقای هاشمی و آقای نجفی به‌واسطه مرخصی طولیل‌المدت خارج از زندان نیستند اما در زندان هم نیستند، آزادی این افراد به‌واسطه تسهیلاتی است که قانونگذار تدارک دیده است و همه اینها در چهارچوب موازین قانونی آزاد شده‌اند.» همین سخنان رئیس سازمان زندان‌ها باعث شد موجی از انتقادات و شبهات پیرامون تصمیمات مراجع قضایی درباره برخی از زندانیان به راه افتاد. هیچ توضیح دقیقی، هیچ استدلالی و هیچ نکته قابل‌ اتکایی درباره زندانی نبودن این افراد که هرکدام مشمول انبوهی از اتهامات و جرائم هستند ارائه نشد. رئیس سازمان زندان‌ها طوری روایت می‌کند که انگار خودش هم نمی‌داند

که برخی از نیروهای انتظامی به اموال عمومی و مردم آسیب می‌زدند و فیلم‌هایی در این باره منتشر می‌شد، پلیس فقط آن را تکذیب می‌کرد و اعلام می‌شد اینها مامورنما هستند و لباس نیروی انتظامی به تن دارند و هیچ کدام پلیس نیستند. اما هیچ‌وقت هیچ فیلم و خبر و توضیح دقیقی منتشر نشد که عاقبت اینها چه شد؟ این افراد دستگیر شدند؟ آیا واقعا مامورنما بودند؟ همین‌ها هزینه‌های گزافی به سیستم تحمیل می‌کرد و همچون بنزین به آتش اعتراضات و اغتشاشات می‌ریخت و خودمانعی بود بر سر راه ایجاد آرامش در جامعه.از این مدل مثال‌ها زیاد است و تا مدت‌ها می‌توان در ارتباط با آنها نوشت. اما بگذارید کمی نزدیک‌تر بباییم و این مطالبه قدیمی را در کلام رهبری هم ببینیم.

در دیدار اخیر رهبری با مسئولان دستگاه قضایی کشور به مناسبت هفته قوه قضائیه، ایشان در ارتباط با رسانه قوه قضائیه انتقاد جدی داشتند و فرمودند: «قوه قضائیه تصویر رسانه‌ای خوبی ندارد. از رسانه و تبلیغات به‌درستی در این قوه و برای این قوه استفاده نمی‌شود. البته بخشی‌اش مربوط به دستگاه‌های رسانه‌ها[مثل]رادپو و تلویزیون و روزنامه‌ها و مانند اینها است، بخشی‌اش هم مربوط به خود درون خود است. خد رحمت کند مرحوم آقای موسوی اردبیلی را! آن وقت‌ها شکایت می‌کرد پیش‌ما از صداوسیما؟ می‌گفت که «اخبار قوه قضائیه بعد از اخبار کیفیت راه جیرفت که [مثلاً] راه بسته است یا برف آمده و مانند اینها! اینها را که گفت، بعد نوبت می‌رسد به قوه قضائیه؛ شکایت ایشان این بود. البته‌حالا این جور نیست؛ حالا بحمدالله از این جهت بهتر است لکن تصویر قوه قضائیه، این همه کاری که انجام گرفته، اینها را[باید] مردم بدانند، اینها را مردم مطلع بشوند. حالا همین نکته‌ای که آقای محسنی اشاره کردند، این نشست و برخاست با قشرهای مختلف، این خیلی مهم است؛ هم از لحاظ شکلی کار مهمی است، کار بزرگی است، هم از لحاظ نتیجه‌گیری کار مهمی است؛ خب قوه قضائیه گسترش پیدا می‌کند، فکرش باز می‌شود، افق‌ها در مقابلش روشن می‌شود. با حقوقدان‌ها بنشینید، با افراد مختلف، کارشناس اقتصادی، کارشناس سیاسی، دانشجو، جوان‌هایی که ادعا دارند، حرف دارند، استاد، کسبه، روحانیون؛ این نشست و برخاست با اینها خیلی مهم است؛ خب اینها منعکس بشود؛ به شکل درست، منعکس بشود؛ یعنی

نگاهی به پروژه‌های افتتاح‌شده در کرمان

پروژه احیای بم؛ یک گام به جلو

آغاز شده بود، در این سفر افتتاح شد. این پروژه شامل ۲۷۳ کیلومتر خطوط جمع‌آوری و تصفیه‌خانه‌به‌ظرفیت ۲۶ هزار و ۵۵۰ مترمکعب درشانه‌روزاست. افزایش سطح بهداشت عمومی و جلوگیری از آلودگی سفره‌های زیرزمینی، بازچرخانی آب و استفاده از پساب در صنعت از جمله ظرفیت‌های مثبت این پروژه تعریف شده. این پروژه در فاز یک برای تعداد ۲۱۰ هزار نفر طراحی شده است.

پروژه‌های تامین برق روی خط افتتاح

پنج طرح شبکه انتقال و فوق توزیع برق استان کرمان با اعتبار ۱۹ هزار و ۲۰۰ میلیارد ریال طی سفر روز گذشته رئیس‌جمهور و وزیر نیرو به استان کرمان افتتاح شد. این طرح‌ها شامل خط ۴۰۰ کیلوولت بم به جیرفت، خط ۴۰۰ کیلوولت شاهماران، پست ۱۳۲ کیلوولت سبزواران (جیرفت۳)، خطوط ۱۳۲ کیلوولت ارتباطی جیرفت‌وهمچنین توسعه پست ۱۳۲ کیلوولت اسفندق‌ه است.

خط ۴۰۰ کیلوولت بم به جیرفت به طول ۹۰ کیلومتر با هدف ایجاد ارتباط بین شبکه سراسری و شبکه جنوب شرق کشور، بهبود ولتاژ منطقه و افزایش پایداری شبکه و به‌منظور تکمیل رینگ ۴۰۰ کیلوولت جنوب شرق احداث شده و گفته می‌شود این پروژه فرمانطقه‌ای است و استان‌های کرمان، هرمزگان، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی را ربر می‌گیرد. اعتبار عملیات اجرایی این پروژه تک‌مداره از سال ۱۳۹۳ آغاز شده و اعتبار آن ۷۲۰۰ میلیارد ریال است.

همچنین خط ۴۰۰ کیلوولت شاهماران، به‌طول ۲۳ کیلومتر باهدف افزایش قابلیت‌توان شهرستان‌های بافت، رابر و ارازویه احداث‌شده و عملیات اجرایی این پروژه از سال ۱۳۸۵ آغاز شده است. از دیگر پروژه‌ها، افتتاح پست ۱۳۲٫۲۰ کیلوولت سبزواران (جیرفت۳) بوده که باعث بهبود روفیل ولتاژ؛ تامین انرژی موردنیاز متقاضیان و کاهش تلفات می‌شود و طرح‌های احداث خطوط ۱۳۲ کیلوولت ارتباطی جیرفت به طول ۲۰ کیلومتر، منجر به کاهش تلفات و رفع افت ولتاژ و تامین‌باب منطقه‌و افزایش قابلیت‌اطمینان شبکه خواهد شد. پست با ظرفیت ۵۰ مگاوات آمبر با ۲ فیدر خط و ۱۶ فیدر ۲۰ کیلو ولت و ۴ فیدر بانک خزان‌با اعتبار ۲۵۰۰ میلیاردریال عملیات اجرایی آن از سال ۱۳۹۷ آغاز شده است. همچنین پروژه افزایش ظرفیت و توسعه پست ۱۳۲ کیلوولت اسفندقه با اعتباری بالغ بر ۳ هزار میلیاردریال با هدف تامین برق متقاضیان منطقه انجام شده است.

در سفر رئیس‌ی به کرمان پروژه‌های توسعه، احداث، اصلاح و بهینه‌سازی شبکه برق جهت به‌روزرسانی با بیش از ۶۴۰۰ متقاضی فاقد برق با سرمایه‌گذاری ۱۶۸ میلیارد تومان نیز افتتاح شد. این پروژه جمعیت ۶۴۰۰ مشترک را تحت پوشش قرار می‌دهد. از مزایای افتتاح این پروژه، برق‌رسانی به متقاضیان فاقد برق، رفع افت ولتاژ و افزایش قابلیت اطمینان شبکه برق است. همچنین پروژه برق‌رسانی به ۴ روستای فاقد برق با اعتباری بالغ بر ۱۱ میلیارد تومان در روستاهای رز در و روکلیچان ریگان، روستاهای ده برزویه و هارونیه بردرسیر، برق‌رسانی به ۶۳۷ واحد مسکن ملی در بافت،



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

چندوقت پیش در جمع دوستان رسانه‌ای صحبتی شد در ارتباط با اینکه چرا اینقدر فیک‌نیوزها مرجعیت پیدا کرده‌اند و رسانه‌های رسمی به حاشیه رفته‌اند. چرا مثلاً جایی مثل صداوسیما که اتفاقاً دسترسی‌های بهتر و بیشتری به اخبار رسمی و درست دارد نمی‌تواند مرجعیت‌ش را بازپایی کند و برعکس رسانه‌های مجازی که معلوم نیست اطلاعات‌شان را از کجا می‌گیرند و چطور منتشر می‌کنند و چه قصد و نیتی دارند اینقدر بین مردم محبوبند و این همه مخاطب دارند. بحث طولانی بود و نظرات مختلفی هم ارائه شد اما از همه آنها مهم‌تر بخش دیگری از صحبت‌ها بود که روی مصادیق خاص خصوصاً بعد از اتفاقات و اغتشاشات سال گذشته حرف می‌زدیم. درباره اینکه یک نفر دست به هر نوع از جنایت زده، محکوم و اعدام هم شده اما بعد از آن رسانه‌های خاص او را تبدیل به قهرمان مظلومی کرده‌اند که انگار نه‌انگار مرتکب جنایاتی شده و اتفاقاً در حقش ظلم هم شده و نباید او را به‌سزای اعمالش می‌رساندند. اینجای صحبت‌ها رسیدیم به کنش رسانه‌ای برخی از قوا و سازمان‌ها و ارگان‌های خاص مثل قوه قضائیه، نیروی انتظامی و…

که در مواجهه مستقیم با بسیاری از این موضوعات و موارد هستند. برای مثال بعد از شهادت کیان پیرفلک و روح‌الله عجمیان و موارد مشابه تصویر، فیلم‌ها و اطلاعات دست‌اولی در اختیار نهادهای امنیتی و قضایی بود اما به هر دلیلی هیچ‌کدام از آنها در بحبوحه شکل‌گیری سناریوهای جعلی منتشر نشد و همین باعث ماهیگیری جریان‌ات خاص از آب گل آلوده شد. یا مثلاً طی سالیان مختلف، خصوصاً سال‌های اخیر دادگاه‌های زیادی برای مجرمان بزرگ اقتصادی و امنیتی و… برگزار شد و به اتهامات و جنایات آنها رسیدگی شد، اما یا هیچ‌خبر و اطلاعاتی از آنها منتشر نشد یا اینکه آنقدر دیر کانیلیزه شده و بعد اخبار مربوط به آنها منتشر شد که کمترین اثری در روایت و خط‌خبری ایجادشده نداشت و نگذاشت. اینها را بارها و بارها گفتیم و در همین روزنامه «فرهیختگان» نوشتیم و مطالبه کردیم. نه‌فقط از یک نهاد خاص که حتی از سازمان‌ها و نهادهای دیگر. مثلاً آن موقع‌ها



زینب مرزوقی

خیرنگار گروه جامعه

روز گذشته و در حاشیه سفر رئیس‌جمهور به استان کرمان، چندین پروژه آبرسانی و تامین‌برق منطقه‌افتتاح‌شد. یکی از پروژه‌های آبی که دیروز با‌حضور ابراهیم رئیس‌ی در کرمان افتتاح شد، بخشی از کلان‌پروژه آبرسانی به شهرهای بم و بروات از طریق سد نسا است. طرح انتقال آب شرب به شهرستان‌های بم و بروات شامل خط لوله به طول ۵۷ کیلومتر، ایستگاه پمپاژ این پروژه در فاصله ۲۲ کیلومتری از تصفیه‌خانه و ۲۵ کیلومتری شهر بم به ظرفیت ۹۷۰ لیتر در ثانیه، دو مخزن ۱۵ و ۵ هزار مترمکعبی و ۴۰ کیلومتر خط برق است که فاز اول تصفیه‌خانه این طرح نیز به ظرفیت ۲۵۰ لیتر از مجموع ۱۵۰۰ لیتر بر ثانیه بود. بیش از ۱۰ سال بود که پروژه آبرسانی بم و بروات از سد‌نسا، نیمه‌کاره‌مانده بود. این درحالی‌است که سد‌نسایکی از بهترین آب‌های استان را از منشا کوه‌های جبال‌باز دارد اما مردم شهرهای شرقی استان به‌ویژه بم از دسترسی به این آب باکیفیت محروم بودند. فاز نخست پروژه آبرسانی به بم و بروات افزون بر ۴۰ هزار نفر جمعیت را زیر پوشش قرار می‌دهد. حجم مفید مخزن سد نسا ۱۶۸ میلیون متر مکعب و این سد نخستین و بزرگ‌ترین سد سنگریزه‌ای با رویه بتنی در کشور به حساب می‌آید.

به گفته استاندار کرمان برای این پروژه نزدیک به ۱۰۰ میلیارد تومان اعتبار خرج شده و برای تکمیل آن نیز نزدیک به ۲ میلیارد تومان اعتبار نیاز است. همچنین برای فاز دوم این پروژه و انتقال آب به دیگر شهرهای شرقی استان کرمان نزدیک به ۷۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز است. فاز دوم این پروژه نیز انتقال آب به شهرهای نرماشیر، فهرج و ریگان است که مطالعات برای آبرسانی به این شهرها نیز به تصویب رسیده. بهره‌برداری پروژه آبرسانی به بم و بروات مشکل کم‌آبی ۴۸ هزار مشترک در این دو شهر یعنی حدود ۲۴۰ هزار نفر را برطرف می‌کند که میزان حجم آن نیز ۲۰ میلیون مترمکعب درسال خواهد بود. مسئولان استانی دولت قبیل دلایل عدم تکمیل این پروژه را افزایش قیمت‌ها، شیوع ویروس کرونا، جلوگیری ۲۸ روز اهالی روستای طرژ و کمبود سیمان عنوان کرده بودند. با این وجود در تیر ماه ۱۴۰۰ نیز قول‌هایی برای رسیدن آب خام به شهرهای بم و بروات در مرداد همان سال داده شده و گفته شده بود که تنها ۲۰۰ متر از آن خط لوله انتقال آب باقی مانده است. اما فاز اول این پروژه بالاخره روز گذشته و پس از ۱۲ سال بهره‌برداری شد. کشاورزان پایین دست سد نسا سال‌های سال بود که حتی از آب کانال‌های کشاورزی نیز محروم بودند و البته این درحالی‌است که با توجه به شرایط اقلیمی در آن منطقه نه به میزان کافی باران می‌بارد و نه منبع آب جاری وجود دارد و تنها راه تامین آب در این مناطق آب قنات و چاه‌های آب است که هر از چندگاهی نیز زیر طوفان‌های مکرر زن و زیر خروارها خاک مدفون می‌شوند. پروژه انتقال آب از سد نسا به شهرهای بم و بروات پس از نعلن فراوان و چشم‌انتظاری مردم این دو شهر، بالاخره پس از ۱۲ سال، روز گذشته تکمیل شد. همچنین خطوط جمع‌آوری، انتقال و تصفیه‌خانه‌سیرجان که از سال ۱۳۹۷

روز گذشته رئیس‌جمهور در بدوورد خود ابتدا از پروژه انتقال آب خلیج فارس

به کرمان بازدید کرد. این پروژه که از بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱ کلید‌خورده تا به امروز بیش از ۵۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. این خط به میزان ۳۰ میلیون مترمکعب آب قرار است آب استان کرمان را تامین کند و در کنار این خط انتقال آب تصفیه‌خانه‌ای نیز درحال احداث‌است. این طرح شامل ۱۴۵ کیلومتر خط انتقال آب، ۲ تصفیه‌خانه و ۲ ایستگاه پمپاژ آب است. مرحله نخست پروژه انتقال آب از خلیج فارس به فلات مرکزی ایران به طول ۳۰۵ کیلومتر از بندرعباس به سیرجان با اعتبار ۱۶۳ هزار میلیارد ریال در آبان ۹۹ افتتاح شد. مرحله دوم این طرح نیز به مقصد استان‌های مرکزی کشور، مس سرچشمه کرمان و چادرملو و یزد به طول ۵۲۰ کیلومتر و هزینه یک‌هزار و ۲۰۰ هزار میلیارد ریال در ۲۴ اسفندماه ۹۹ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. براساس برنامه پیش‌بینی شده قرار است همزمان خط دوم نیز به طول یک هزار و ۵۵۰ کیلومتر از همین مسیر از هرمزگان به استان‌های خراسان جنوبی و خراسان رضوی برود که البته در آینده اجرایی خواهد شد.

آمارهای موجود می‌گویند که در آینده بخش صنعت سالیانه ۹۵۰ میلیون مترمکعب آب برای مصارف خود کمبود خواهد داشت. از این رو استفاده از آب دریا یکی از ضرورت‌های بخش صنعت است. به عقیده کارشناسان حوزه نیرومنابع آبی سطحی و زیرسطحی را باید تنها به مصارف آشامیدنی، کشاورزی و محیط‌زیست اختصاص داد و بهترین راهکار برای تامین آب صنعت، استفاده از آب‌کاستری یا منابعی است که تهدید کاهش چشمگیر یا اتمام آن وجود ندارد.

در میان سه‌بخش مصرفی آشامیدنی، کشاورزی و صنعت که مصرف‌کنندگان منابع آبی محسوب می‌شوند بیشترین نیاز برای تامین آب از دریا به بخش صنعت اختصاص دارد. در هر کشور و دولتی تامین آب آشامیدنی به دلیل اهمیت آن اولین اولویت تامین آب کشور است. بنابراین منابع آبی موجود در داخل کشور در درجه اول، به بخش آشامیدنی و پس از آن به سایر بخش‌های کشاورزی و صنعتی اختصاص دارند. تامین آب مصرفی کارخانه‌های مهم صنعتی در مرکز فلات ایران از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها در سال‌های اخیر بوده است. از این رو مانند سایر کشور، طرح تامین آب از دریا در دستورکار قرار گرفته است. در چند سال اخیر شرکت‌های معدنی و فلزی گل‌گهر سیرجان، مس سرچشمه کرمان و چادرملو که صنایع آب‌بر محسوب می‌شوند به علت کمبود منابع آبی در داخل کشور برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای دچار مشکل شده بودند ولی دسترسی به منابع آبی دریا از طریق طرح انتقال آب دریا به فلات کشور، فرصت توسعه این صنایع و سرمایه‌گذاری بیشتری را فراهم می‌کند.

براساس طرح اضطراری تامین آب کوتاه‌مدت شهرهای کرمان و رفسنجان از سامانه انتقال آب از خلیج فارس به صنایع جنوب‌شرق کشور در قالب طرح آبرسانی به شهرهای شمالی استان کرمان، ظرفیت انتقال یک هزار لیتر بر ثانیه آب، وجود خواهد داشت. هدف از این طرح انتقال آب شرب به شهرهای کرمان و رفسنجان از سامانه انتقال آب به صنایع جنوب کشور به میزان ۳۰ میلیون مترمکعب در سال است.

تکمیل ۵۰ درصدی فاز دوم پروژه انتقال دریا به کوبر

۶۷ سال پیش در منطقه خلیج فارس، کوبت نخستین آب‌شیرین‌کن‌ها را نصب و استفاده کرد. سپس بقیه کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز استفاده از آب‌شیرین‌کن‌ها را آغاز کردند.